

# کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol.3, No.31, December 1992

سال سوم، شماره ۳۱، آذر ۱۳۷۱

لایحه اصلاح قوانین مربوط به امتیازات بر اساس تعداد فرزندان

فراخوان اتحادیه‌های کارگری آلمان علیه دشمنی با خارجیها

## یک لایحه ضد انسانی

## اکنون زمان مقاومت فرا رسیده است

صفحه ۷



لایحه اصلاح قوانین مربوط به امتیازات بر اساس تعداد فرزندان شامل ماده واحد ای است که اعلام می‌دارد کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عائله، پیش بینی و وضع شده اند، صرفاً در مورد فرزندان چهارم و بعد از یکسال از تصویب این قانون متولد میشوند قابل محاسبه و اعمال نخواهد بود. و فرزندان که تا تاریخ مزبور متولد میشوند کماکان از امتیازات مقرر شده برخوردار میباشند.

بقیه در صفحه ۲

## محمود ماساروا، فعال جنبش کارگری فلسطین را آزاد کنید

بوده است. محمود ماساروا هم اکنون در زندان اشمورت زندانی است. ماساروا تاکنون بارها بخاطر اعتراض به شرایط زندان و رفتار مقامات زندان به سلول انفرادی فرستاده شده است. ماساروا به ده سال زندان محکوم شده است.

نامه‌های اعتراضی خود را جهت آزادی محمود ماساروا به آدرس کمیته کارگری دریا، غورمیانته ارسال کنید:

MELB  
P.O. BOX 421546  
S.F., CA 94142-1546  
U.S.A

مرکز خبری کارگر امروز: لایحه اصلاح قوانین مربوط به پیش بینی امتیازات بر اساس تعداد فرزندان در اواخر آذر ماه به مجلس اسلامی ایران رفت. بر اساس این لایحه کسانی که صاحب فرزند چهارم میشوند از همان حقوق ناچیزی که قانون برسمیت شناخته، از قبیل مرخصی زمان بارداری، حق فرزند و نظایر آن، محروم خواهند شد.

مرکز خبری کارگر امروز: محمود ماساروا فعال اتحادیه ای که دارای تابعیت اسرائیل است از سال ۱۹۸۸ تاکنون بجرم جاسوسی در زندان اسرائیل بسر می برد. اخیراً دادگاه اسرائیل در خواست پژوهش محمود ماساروا را مبنی بر رد اعتبار "اقرارش" نیز نپذیرفت. محمود ماساروا بجرم ارسال یک سند دولتی به یک روزنامه انگلیسی که حاوی اطلاعاتی درباره نقش پلیس اسرائیل در قتل زندانیان فلسطینی بود، بازداشت شده است. از محمود به زور "اقرار" گرفته اند و تاکنون نیز از حقوق زندانی، از جمله ملاقات بستگان، دریافت نامه و کتاب نیز محروم

## اعتصاب کارگران استرالیا علیه لغو سیستم مذاکرات سراسری

کرده است که این سیستم لغو شود و سطح دستمزدها بر اساس بارآوری کار تعیین گردد.

جنبش اتحادیه ای استرالیا در اعتراض به این پیشنهاد دست به اعتصاب یک روزه زدند. اعتصاب با شرکت بیش از نیم میلیون کارگر در شهرهای ملبورن و ویکتوریا صورت گرفت.

فشار به جنبش اتحادیه ای افزایش پیدا کرده است. طبق طرح پیشنهادی دولت، عضویت اجباری در اتحادیه لغو خواهد شد و امکان کارفرما برای مذاکره با تک کارگر افزایش می یابد.

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۰ نوامبر بیش از نیم میلیون کارگر در دو شهر مهم استرالیا علیه تغییر در سیستم مذاکرات سراسری بین اتحادیه و کارفرما دست به اعتصاب یک روزه زدند.

به گزارش تایمز مالی، طبق سیستم کنونی سطح دستمزدها و شرایط کار برای ۸۰ درصد کارگران توسط کمیسیون روابط اقتصادی در سطح سراسری صورت میگیرد. این کمیسیون می تواند هم مدیریت و هم اتحادیه کارگری را مجبور کند تصمیماتش را رعایت کنند. ولی اخیراً دولت پیشنهاد

## پیوستن کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد به

### کمیته همبستگی بین المللی با کارگران ایران

تشکل، اتحادیه، و سازمانهای کارگری به پشتیبانی و همبستگی با کارگران ایران برخاسته اند و جمهوری اسلامی سرمایه که بانی تمامی اقدامات ضد کارگری است را محکوم و افشا کرده اند. صفحه ۲

وضعیت طبقه کارگر ایران دیگر بعد از سالها فعالیت کمیته های همبستگی و فعالین کارگری در کانادا، آمریکا و اروپا نزد تشکل و اتحادیه کارگری بی شماری پوشیده نیست. در طول این سالها صدها

## کنگره هفدهم اتحادیه فلز کاران آلمان، یک کنگره سیاسی

صفحه ۸

بناسبت هفتادو هفتمین سال اعلام جو هیل فعال جنبش کارگری آمریکا

## برای من گریه نکنید، سازماندهی کنید

صفحه ۹

## عقب نشینی دولت اسپانیا در محدود کردن حق اعتصاب

۱۰ نوامبر در اجلاس خود بحث داغی در مورد حق اعتصاب داشت. قبل از آن اتحادیه و دولت بر سر حق اعتصاب در ۱۷ رشته بشرط حفظ حداقل سرویس به توافق رسیده بودند. دولت قصد داشت متممی به این توافق اضافه کند که طی آن کارگرانی که در طول اعتصاب حداقل سرویس را تامین نکنند اخراج شوند. اتحادیه با این متمم اعتراض کرد و روز

۱۰ نوامبر در اجلاس خود بحث داغی در مورد حق اعتصاب داشت. قبل از آن اتحادیه و دولت بر سر حق اعتصاب در ۱۷ رشته بشرط حفظ حداقل سرویس به توافق رسیده بودند. دولت قصد داشت متممی به این توافق اضافه کند که طی آن کارگرانی که در طول اعتصاب حداقل سرویس را تامین نکنند اخراج شوند. اتحادیه با این متمم اعتراض کرد و روز

مرکز خبری کارگر امروز: دولت اسپانیا پیشنهاد خود مبنی بر اخراج کارگرانی که در طول اعتصاب حداقل سرویس را در محل کار حفظ نکنند پس گرفت. دو موفه در این تصمیم تاثیر داشته است. فشار اتحادیه ها از یکطرف و جلب محبوبیت برای انتخابات اکتبر سال آینده از طرف دیگر.

به گزارش تایمز مالی، پارلمان اسپانیا روز

## کارگران معدن مانکتون هال اسکاتلند را اجاره کردند

معدن مانکتون هال در نزدیکی شهر ادینبرو واقع در اسکاتلند است. شرکت معادن ذغال سنگ بریتانیا در سال ۱۹۸۷ این معدن را به علت عدم سودآور بودن بست. در سال ۱۹۹۱ دولت محلی پس از بررسی امکان باز کردن معدن پیشنهاد کرد که با یک سرمایه ۸ میلیون پوندی و استخدام ۳۷۰ کارگر این معدن می تواند مجدداً باز شود و سود آور باشد.

در ماه اوت سال ۱۹۹۱ شرکت معادن بریتانیا حاضر نشد تحت مدیریت خود معدن را باز کند. ۱۱۰ معدنچی که در اعتصاب سال ۱۹۸۴ بیکار شده بودند با گرفتن وام از بانک، معدن از شرکت معادن بریتانیا اجاره کردند. در همین زمان شرکتی بنام کالدوین نیز خواهان اجاره معدن بود ولی شرکت معادن بریتانیا بخاطر ملاحظات سیاسی و فشار افکار عمومی آنرا به کارگران معدن اجاره داد. صفحه ۶

## اعتصاب عمومی در آرژانتین

به گزارش تایمز مالی، اعتصاب عمومی در مقایسه با اعتصابات سال گذشته از وسعت کمتری برخوردار بود، در پایتخت بوئنس آیرس باعث کاهش ۳۰ درصد ترانسپورت عمومی شد. البته سرویس قطارهای درون شهری که معمولاً بین ۱/۳ و ۱/۴ میلیون نفر را به مناطق مختلف شهر میبرد کاملاً از کار افتاده بود. کارگران

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۹ نوامبر به فراخوان فدراسیون اتحادیه های کارگری آرژانتین (اسی.سی.تی) کارگران سه شهر مهم این کشور دست به اعتصاب عمومی زدند. مهمترین خواسته کارگران افزایش دستمزدها و مخالفتشان با تغییر قانون کار بود.

## بازهم ترور وحشیانه زنان

صفحه ۱۱

علی جوادی هماهنگ کننده کمیته کارگری ایران در آمریکا مسئله اساسی، حرکت این فعالیت از درون جنبش کارگری است

صفحه ۷

# آرزوی صاحبخانه شدن مثل رفتن به کره ماه است

مرکز خبری کارگر امروز:

خانه ای هم که می خواهند تحویل اینجانب بدهند، فاقد آب و برق و شیشه و پله و شیرآلات و قفل و غیره است. با مراجعه به اداره برق مبلغ ۳۸ هزار و پانصد تومان بابت کنتور برق و همچنین سازمان آب مبلغ ۱۵ هزار تومان بابت کنتور آب طلب نموده است. غیر از این ارقام چیزی در حدود صد هزار تومان دیگر بابت تکمیل خانه ادعای لازم دارم.

با توجه به اینکه شش سر عائله دارم، با درآمد ماهیانه دوازده هزار تومان و مخارج سرسام آور زندگی دوازده هزار تومان، واقعا کمر شکن است، و با توجه به اینکه تنها یک یخچال ۱۲ فوت از حدود ۱۸ سال تلاش من در کارخانه باقی مانده است، درمانده ام که اینهمه پول را از کجا بیاورم؟ و با آنهمه قرض اثبات شده قبلی چه کنم؟ به فرض محال در صورت رفتن به خانه جدید و شروع قسط وامهای بانک رفاه، هر ماه حدود ۴ هزار تومان به مدت ۲۰ سال، چه بلایی به سر خودم و خانواده ام خواهد آمد؟ بی اختیار به یاد جبهه جنگ افتادم که دسته ما به محاصره بعثتها افتاده بود و با درایت فرمانده شهیدمان همه ما از حلقه محاصره نجات پیدا کردیم. آیا فرمانده لایقی پیدا می شود که من و امثال من را از محاصره دیو گرانی، تعاونی مسکن و اداره برق و آب و... نجات بدهد؟ یا اینکه آرزوی صاحبخانه شدن برای من باید مثل رفتن به کره ماه بصورت یک رویا باقی بماند؟

هزینه مسکن بخش عمده دستمزد کارگران را می بلعد. بنا به آمار رسمی، نیمی از کارگران شامل قانون کار فاقد مسکن هستند. آنتهایی نیز که صاحب خانه اند، سالها زیر بار پرداخت اقساط وام کمر راست نمی کنند. شکوه نامه زیر که در یکی روزنامه های تهران به چاپ رسیده است، تصویری گویا از مشقات خانه دار شدن کارگران را نشان میدهد.

من یک کارگر کارخانه "فرخ مه نخ" واقع در شهر صنعتی البرز هستم که پس از سالها بی خانمانی سرانجام در سال ۱۳۶۵ از طرف اداره زمین شهری قزوین و از طریق تعاونی مسکن کارخانه به ما زمین واگذار کردند تا با مشارکت بانکها اقدام به احداث مسکن نمایم. از سال ۱۳۶۵ تاکنون، اسفند ۱۳۷۰، سرگردان هستم. با همکاریهای مدیریت که مبلغ دیویست و پنجاه هزار تومان وام به اینجانب پرداخت کرده است و با اخذ وام به مبلغ سیصد و هشتاد هزار تومان از طریق بانک رفاه کارگران و فروختن کلیه اموال زندگی و قرض گرفتن از هر دوست و آشنایی مبلغ سیصد هزار تومان هم خودم تهیه کرده و بابت خانه مذکور پرداخته ام، اما اکنون با سوء استفاده های هیات مدیره تعاونی مسکن، بعد از شش سال سرگردانی نامه ای به دستم داده اند و مبلغ نود و هفت هزار تومان دیگر هم طلب کرده اند.

# صندوق حمایت از خانواده کارگران جان باخته تشکیل شد

مرکز خبری کارگر امروز:

صندوق کمک به خانواده های کارگران جانباخته، زندانی و تبعیدی در ایران با انتشار یک اطلاعیه در سوند تشکیل شد. در این اطلاعیه از عموم خواسته شده است که به این صندوق کمک مالی کنند، عضو صندوق شوند و بر کار آن نظارت کنند.

در بخشی از این اطلاعیه آمده است: همه میدانند که تلاش برای زندگی بهتر و انسانی و مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی در ایران جمهوری اسلامی با زندان، شکنجه و اعدام پاسخ می گیرد. در ایران مثل همه جای دیگر دنیا بار تغییر این اوضاع غیر انسانی بر دوش طبقه کارگر قرار دارد. کارگران ایران در این راه حتی از حق تشکل و اعتصاب هم محرومند.

تاکتوین هزاران کارگر مبارز و معترض در ایران اعدام شده، یا در سیاه چالهای رژیم مذهبی گرفتار گشته و یا به خارج کشور پناه برده اند.

در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است: یک فعال و رهبر کارگری در مبارزه اش برای احقاق حقوق اقتصادی و اجتماعی، برای تشکل و اعتصاب و برای برقراری آزادی و عدالت اجتماعی علاوه بر تهدید زندان و شکنجه و اعدام با ترس و نگرانی تامین همسر و فرزندانش هم روبرو است و این یک نگرانی و مانع جدی در مبارزات حق طلبانه کارگران است.

ما جمعی از کارگران ایران در خارج کشور

آدرس: ISASK, BOX 4082  
121 04 J-HOV  
SWEDEN  
حساب بانکی: PG.4898740-8

# انتشار نشریات کمیته های همبستگی در اتریش، آلمان و کانادا

مرکز خبری کارگر امروز:

نشریات کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش، کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا و کمیته همبستگی کارگری در آلمان منتشر شد.

اولین شماره نشریه آلمانی زبان "همبستگی کارگری"، ارگان کمیته همبستگی کارگری در آلمان حاوی این مطالب است: بیانیه تشکیل کمیته، نامه سرگشاده به اتحادیه های کارگری آلمان، راسیسم و وقایع خارجی ستیزانه اخیر در آلمان، تحصن کارگران ذوب آهن، خبر تشکل و بخشهایی از بیانیه کمیته همبستگی با جنبش کارگری عراق، ترویسیم جمهوری اسلامی و لزوم دخالتگری اتحادیه های کارگری علیه تروو فعالین اپوزیسیون ایران در برلین، اظهارات کمالی و پذیرش قانون کار ایران از طرف سازمان جهانی کار، خبر اعتراضات اتحادیه های کارگری آمریکا، کانادا و سوند علیه جمهوری اسلامی.

اولین شماره نشریه آلمانی زبان "همبستگی کارگری"، ارگان کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش، حاوی این مطالب است: بیانیه تشکیل کمیته، تحصن کارگران ذوب آهن، قطعنامه های اعتراضی اتحادیه های کارگری سوند، کانادا و آمریکا علیه جمهوری اسلامی و یک خبر از اعتراضات کارگران اتریش.

نهمین شماره نشریه انگلیسی زبان "همبستگی کارگری" ارگان کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا حاوی مطالب زیر است: شرایط کار زنان کارگر در جمهوری اسلامی، بنقل از کتاب مصطفی صابر بنام "شرایط کار طبقه کارگر در ایران"، پاسخ به عکس العمل جمهوری اسلامی به قطعنامه های اتحادیه های کارگری کانادا در دفاع از کارگران ایران - نوشته فاتح بهرامی، جنبش کارگری در ایران چهار سال پس از جنگ - نوشته رضا مقدم، درباره مبارزه معدنیچیان یلو نایف - نوشته حمید محمودی، خبر تشکل کمیته بین المللی همبستگی با جنبش کارگری ایران و پیوستن کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا به آن، قطعنامه های اعتراضی اتحادیه های کارگری سوند، کانادا و آمریکا علیه جمهوری اسلامی، خبر اعتراضات کارگران سازمان آب تهران و ذوب آهن اصفهان، چندین خبر از اعتراضات کارگری در کانادا.

# اعتراض کارگران کف کار

مرکز خبری کارگر امروز:

در بهار گذشته کارگر کارخانه کف کار بعد از یک رشته اعتراضات بشکل کم کاری و اغلال در دستگاهها سرانجام کار را متوقف کردند و دست به اعتصاب زدند. کارگران چند خواست صنفی از جمله استخدام کارگران قراردادی را مطرح کردند. مدیریت در برابر اعتصاب کارگران ناگزیر از موافقت با برخی خواستههای کارگران شد.

پیوستن کمیته همبستگی کارگران ایران و سوند به کمیته همبستگی بین المللی با کارگران ایران

قطعنامه های اعتراضی به قوانین جمهوری اسلامی و پشتیبانی از خواسته های تشکلهای کارگری برای کسب حق تشکل و اعتصاب تا همین امروز جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده و ناچار از تکذیب و اقدامات دفاعی کرده است. فعالیتهای کمیته های همبستگی در چند کشور و جدا از هم به پیش رفته است. اما ضروریست که در یک طرف مناسب و هماهنگ با پیش رود تا تاثیرات جدی تر را بطور سراسری به همراه داشته باشد. نشریه کارگر امروز تا به امروز یکی از ابزارهای مهم

فعالیت ما بوده است تا بتوانیم وضعیت و شرایط جنبش کارگری ایران را بشناسانیم و کمپینهای اعتراضی و پشتیبانی را به پیش ببریم. در کنار این امکانات مطمئنا کمیته بین المللی همبستگی با جنبش کارگری ایران شرایط فعالیتی جدی تر و موثرتری را برایشان ایجاد می کند تا بتوان در مدت زمان کوتاهتر بر اهدافمان که خواست محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر تحمیل بی حقوقی، دستگیری و اعدام فعالین کارگری، محکوم کردن قانون کار اتریشی و ضد کارگری جمهوری اسلامی، برسمیت شناختن حق تشکل و اعتصاب در قانون کار، اخراج نمایندگان شوراهای اسلامی از مجامع کارگری در سطح بین المللی و سازمان جهانی کار می باشد را

به پیش بریم. با تشکل کمیته بین المللی همبستگی با جنبش کارگری ایران کاستی های کمیته های همبستگی و فعالین کارگری رادیکال و سوسیالیست در زمینه ارتباطات متمرکز و فعالیتهای سراسری و مشترک و موثر از میان برداشته میشود. ما به سهم خود فعالانه به کمیته بین المللی می پیوندیم و تمامی تشکلهای و نهادهای کارگری و فعالین رادیکال، سوسیالیست کارگری را فرا می خوانیم که به این کمپین بین المللی پیوندند.

کمیته همبستگی با کارگران ایران و سوند  
نوامبر ۹۲  
هماهنگ کننده: بهزاد پارخانی

### اسپانورهای کارگر امروز

نهادها: کمیته همبستگی کارگران ایران - کانادا، کمیته کارگری ایران - آمریکا، مرکز مطالعات کارگری سوسیالیستی - استکهلم، حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران، نشریه انترناسیونال، نشریه دنیای کارگران، نشریه خه بات کریکار (مبارزه کارگر) - عراق، نشریه په یامی کریکار (پیام کارگر) - عراق، نشریه بلاغ العمال (پیام کارگر) - عراق، نشریه کریکار نه مرو (کارگر امروز به زبان کردی) - عراق، نشریه عامل الیوم (کارگر امروز به زبان عربی) - عراق، په کیتی خه بائی کومونیستی کریکاری (سازمان اتحاد مبارزه کمونیسم کارگری) - عراق، کمیته همبستگی کارگران ایران - انگلستان، کمیته همبستگی با کارگران ایران - فرانسه، کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش، کمیته همبستگی کارگران ایران و سوند

افزاد: ایرج آذرین، مهدی آزادی، محمود احمدی، رژیوار احمدی، محسن ابراهیمی، زهرا اسدی، رشوف افسانه، مرتضی افشاری، فرید آرمز، فریدون البرز، صلاح ایران دوست، نادر آقایی، سارا اقبالی، بهار آزاده، مسعود ارژنگ، فاتح بهرامی، فرهاد بشارت، مجید بهروز، نادر بکتاش، سوسن بهار، سیامک بهاری، بهزاد بارخانی، امیر پیام، فرید پرتوی، رضا پایا، گلاره پریا، حمید تقوایی، نسرتین چلان، صدیق جهانی، علی جوادی، منصور حکمت، امیر حسن زاده، رحمان حسین زاده، خالد حاج محمدی، طاهر حسن، امید حسن زاده، مجید حسینی، شهلا دانشفر، سیاروش دانشور، لیلاد دانش، امیر رحمانی، جعفر رسا، مسعود رازی، روزبه، بهرام رحمانی، گیتی زمانی، لاله زندی، سیامک ستوده، پختیار سامی، بهرام سروش، رحمان سپهری، حسن ساجدی، رضا شهرستانی، مصلح شیخ الاسلامی، بهمن شفیق، سهیلا شرفی، فریا شهبانی، علی شادی، ناصر شیشه گز، فاتح شیخ الاسلامی، مصطفی صابر، ساعد صامی، مرزیه صفری، جهان صابری، جمال طبری، پرویز عزیزیان، توران عازم، حمید فراسازی، علی فرهنگ، محمد فضل زهرا فرید، بابک فرامانی، ایرج فرزاد، فهیمه قطبی، سلیمان قاسمیانی، محمود قزوینی، لیلاد قاضی، احقر کریمی، پورس کهن، امان کفای، امید کیوان، اعظم کم گویان، محمود کتنامی، پرویز کاوان، مریم کوشا، علی کهن، بهروز گلشن، اسد گلچینی، آذر ماجدی، مظفر محمدی، مجید محمدی، حسین مراد بیگی، احمد معین، رضا منش، اسماعیل مولودی، پروین معادی، حمید محمودی، کورش مدرسی، محمود ناهری، مریم نیک فر، جلال نیکخواه، کاظم نیکخواه، بهرام نویزی، فروزی نصرت پور، بیژن هدایت، ناصر یادگار، فهیمه یزدان پرست، علی یادور

### یک لایحه ضد انسانی

بقیه او صفحه اول

تبصره يك این لایحه تصریح می کند که تمامی امتیازات پیش بینی شده در قانون کار جمهوری اسلامی مصوب ۲۹ آذر ماه ۶۸، و همچنین مصوب قانونی تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴، بر طبق این لایحه اصلاح می گردد.

از جمله مواردی که طبق این لایحه "اصلاح" می گردد، ماده ۷۶ قانون کار جمهوری اسلامی است که بر اساس آن جمعا ۹۰ روز مرخصی بارداری و زایمان به کارگران زن تعلق می گیرد. طبق لایحه جدید زنانی که فرزند چهارم خود را بدنیا می آورند از همین ۹۰ روز مرخصی نیز محروم خواهند بود و به جای آن می توانند از مرخصی سه سال آینده خود استفاده کنند. به بیان دیگر تولد فرزند بجای آنکه موجب حقی برای مرخصی بیشتر کارگر شود، به معنای محرومیت از مرخصی استحقاقی سه سال بعد از تولد کودک نیز خواهد شد.

کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس نگرانی خود را از این بابت چنین اعلام داشت: مجازات کارگر بخاطر داشتن فرزند چهارم آنهم بصورت استفاده اجباری از مرخصی استحقاقی سه سال آینده یقینا اشکالاتی در زندگی شخصی آنان و اختلالاتی در کارخانجات و محیط کار بوجود خواهد آورد.

این کمیسیون همچنین اعلام کرد که لایحه فوق تنها زن را مجرم قلمداد میکند و با اعمال این قانون ممکن است زنان پس از حاملگی ناخواسته برای فرار از این گرفتاری دست به اقدام غیر شرعی سقط جنین بزنند.

### تصحیح و پوزش

در شماره قبلی کارگر امروز در خبر مربوط به تشکیل کمیته همبستگی کارگری در آلمان، هماهنگ کننده این کمیته ناصر پایدار نوشته شده بود که بدینوسیله تصحیح میگردد. هماهنگ کننده کمیته همبستگی کارگری در آلمان ناصر یادگار است.

ISSN 1101-3516

# کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری  
WORKER TODAY  
An International Workers Paper

Editor: Reza Moqaddam

سرمدیر: رضا مقدم

صفحات انگلیسی: بهرام سروش  
مرکز خبری: مصطفی صابر، نسرتین چلان، مریم کوشا.  
امور اجرایی: فرید آرمز، فهیمه قطبی، ایرج فرزاد، سارا اقبالی، علی کهن

اروپا: یکساله ۱۴۰ کرون سوند - ششماه ۸۰ کرون سوند  
دیگر کشورها: یکساله ۲۱۰ کرون سوند - ششماه ۱۲۰ کرون سوند

بها برای مرسات  
دو برابر قیمت های فوق است

### فرم آبونمان

ما یلم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم.  یکساله  شش ماهه  
لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution \_\_\_\_\_  
Address \_\_\_\_\_  
Postcode \_\_\_\_\_ City \_\_\_\_\_ Country \_\_\_\_\_

فرم پرشده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید

توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند

W.T.  
P.O.Box 241412  
L.A., CA 90024  
USA

# کارگر امروز

## نگاهی به مسائل و مشکلات کودکان ایران

# کودکان کارگر قربانیان نامرئی جامعه

گزارشی از شرایط کار در ایران، این شماره به کار کودکان اختصاص دارد که از نشریه آینده انتخاب شده است. این نوشته حاوی آمار و اطلاعات خواندنی درباره کار کودکان در ایران و همچنین راه حل مشخص نویسنده در این رابطه است.

ناصر یوسفی

تلخیص شده از نشریه: آینده اندیشه، دوره جدید، شماره دوم، چاپ تهران

در فاصله بین انقلاب صنعتی و آغاز قرن بیستم کودکان اروپای غربی پیشانی به کارگاهها، کارخانه ها و معادن کشیده شد. کارهای سخت و طاقت فرسایی که زندگی آنان را به خطر می انداخت. در فاصله بین جنگ جهانی و حتی بعد از جنگ جهانی دوم بعثت رکود اقتصادی در اروپا استفاده از کارگران اوزان بسیار مورد توجه کارخانه ها و کارگاهها قرار گرفت. سیل کودکان و نوجوانان به کارخانه ها ریخت. کودکانی که باید در مدارس و یا در زمینهای بازی به گذراندن دوران طلایی خود مشغول باشند، پشت دستگاههای پرس و بافندگی قرار گرفتند و یا به اعماق معادن خزیدند.

گسترده شدن استفاده از کودکان در کارخانه ها و در نهایت افزایش مرگ و میر آنها به حدی بود که عده ای از دوستداران حقوق بشر به تکاپی افتادند تا برخوردی قاطع با این مساله داشته باشند و در ادامه این تلاشها سازمان بین المللی کار (آی.ال.او) و بعدها در منشور حقوق کودکان قوانینی برای استفاده از کارگران خردسال در همه کارخانه ها و کارگاهها در همه کشورها وضع نمودند. با چنین سعی و تلاشیهای وضع اسف بار کودکان اروپایی رفته رفته به سوی یک تعادل موزون حرکت کرد.

این سرنوشت کودکان اروپایی بود و این کودکان فقط بخش کوچکی از کودکان جهان هستند. میلیونها کودک دیگر در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین زودتر از آنها پیشانی به بازار کشیده شد و هنوز هم درگیر آن هستند و تا به حال نیز کمتر حکومتی توانسته است برای آینده این دسته از کودکان کارگر رقم دیگری بزند.

امروز برای سازمان بین المللی کار، هر کشور نمونه ای از کودکان کارگر دارد. بولیوی بچه های معدن، هندوستان کارگران خردسال ساختمانی، آفریقا کشاورزان کوچک زمینهای بایر، پاکستان ریسندگان ظرف و نحیف، و ایران کودکان قالیباف و بچه های کوره پزخانه و همینطور دهها کشور دیگر با دهها سبیل غم انگیز برای کودکانشان.

اما این کشورها برای کودکانشان چه کرده اند؟ و مهمتر از همه ما برای این دسته از کودکانمان چه کرده ایم؟

کار کودکان در سرزمین ایران پدیده تازه ای نیست و این ریشه دار بودن سختی، مشکلات و حتی شگفتی این مساله را از بین برده است. از زمانی که تاریخ این مملکت به یاد دارد کودکان کارکنان خانگی

این سالها به جمعیت اضافه شده اند و همه آنها نیازمند غذا، بهداشت و آموزش و پرورش هستند.

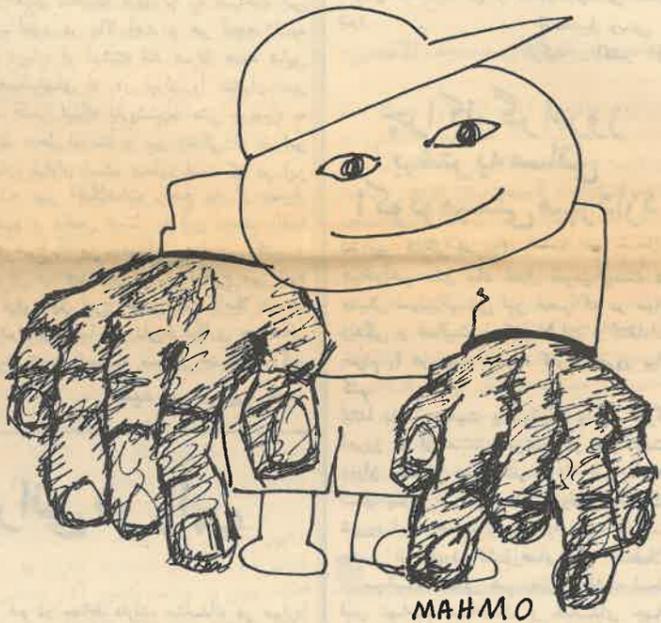
بسیار طبیعی است که همه خانواده های این کودکان قادر به تامین نیازهای آنان نباشند و حتی المقدور برای تامین نیازهای فرزندان کوچکتر، فرزندان بزرگتر را راهی بازار کار کنند.

از طرف دیگر مسایل و مشکلات اقتصادی که بعد از انقلاب و در حین جنگ، به مردم ایران تحمیل شد بزرگترها را مجبور کرد تا از نیروی کار فرزندان خود برای ادامه زندگی و ادامه بقا استفاده کنند. حداقل این که هر کودک خرج شخصی، خورد و خوراک، پوشاک و خرج تحصیل خود را تامین کند. همه این موارد نیز یعنی سرازیر شدن کودکان و نوجوانان به بازار کار.

آموزش و پرورش نیز نقش مهمی در این امر داشته و هنوز نیز دارد. سیستم آموزش و پرورش ما بعد از انقلاب نشان داد که در جذب و سرویس دهی به کودکان فاقد هرنوع ایجاد کوشش و رغبت در نزد کودکان است. نامتجانس بودن مطالب آموزشی با نیازهای دانش آموزان، رفتارهای غلط آموزشی، نداشتن ابتدایی ترین امکانات آموزشی و عدم مدیریت صحیح و مهمتر از همه خستگی و دلردگی کادر آموزشی همه و همه موجب افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل بخشی از دانش آموزان شد. همه کودکانی که به مدرسه راه پیدا نکردند یا از ادامه مدرسه واماندند به نوعی سر از بازار کار درآوردند.

سیاسی اقتصادی / سال ۷۰ شماره ۱۰ و ۱۱ ص ۸۰) در همین آمار با زیرنویسی اشاره میشود که تعداد ۱۴ نفر در گروه سنی ۶ تا ۹ سال قرار داشتند که برای یکسان سازی و بدلیل ناچیز بودن رقم به گروه سنی ۱۰ تا ۱۹ سال اضافه شدند. درست تر این که ۳۰۱۳۶ نفر کارگر ماهر در گروه سنی ۶ تا ۱۹ سال در سال ۶۵ مشغول به کار بودند. منظور از نیروهای ماهر آن دسته از کارگران و یا نیروهایی هستند که در یکی از مشاغل فنی، علمی و یا خدماتی تخصصی داشته باشند. باید پرسید که مجموع این سی هزار نفر چگونه ماهر و یا با تجربه شدند؟ آیا دارای مدارک دانشگاهی هستند؟ آیا به غیر از این که این گونه مهارتها را از طریق کار زیاد و تجربه و پیشک آن هم بصورت غیر منظم به دست آورده اند؟ آن کودک ۶ ساله ای که به عنوان نیروی ماهر در آمار رسمی دولت ایران جای می گیرد از چه سنی وارد بازار کار شده است؟ کودکان ۱۰ تا ۱۵ سال چطور؟ آنها از چه سنی وارد بازار کار شده اند که در چنین سنی به عنوان نیروهای ماهر قلمداد میشوند؟

می توان به جرات گفت که کمتر کاری می توان یافت که بزرگترها انجام بدهند و کودکان به آن مشغول نباشند (البته غیر از کارهایی که احتیاج به تخصص های عالی یا مهارتهای خاص دارد) از کارهای فنی، کارهای کشاورزی، خدماتی و در نهایت تا کارهای کاذب و پست، کودکان ما به آن مشغولند. می توان گفت که تنها ۱۸ هزار نفر از آن ۳۰ هزار کارگر ماهر (در گروه



سنی ۶ تا ۱۹ سال) بین ۶ تا ۱۵ سال دارند و بقیه کودکان زیر ۱۶ سال فاقد تخصص و مهارت لازم هستند. به عبارت دیگر کارهایی که کودکان به آنها اشتغال دارند فاقد این قدرت و توانایی دادن تخصص به کارگران خردسال است. کودکی که ۱۰ سال هم نطفات یک کارگاه را به عهده داشته باشد به چه توانایی یا ویژگی هایی دست خواهد یافت؟ یا کودکان سیگار فروش و یا ماشین شوی؟

متاسفانه بیشتر کارهایی که کودکان در آنها شاغلند فاقد این قدرتمند که شاغلان را به سطحی از توانایی برساند. از طرف دیگر کارفرماها و صاحبان کار به هیچ رو حاضر نیستند که کارهای مهم و یا کلیدی را در اختیار کودکان قرار دهند و یا حتی به آنها آموزش بدهند. بدین خاطر همه این ۵/۵ میلیون کودک کارگر در جریانی از کار قرار می گیرند که بودن و یا نبودن آنها را مساوی می کند. بدین خاطر است که کودک کارگر نه می تواند درخواست اضافه حقوق کند، نه طلب بیمه نماید و نه اعتراضی داشته باشد. در نهایت کارگرانی باز می آیند فاقد خلایقیت، غیر ماهر و مهمتر از هر چیز با حرف شنی بالا. یعنی فقط در مجموع می توان کارهایی که کودکان ایرانی به آنها اشتغال دارند را به صورت زیر تقسیم بندی کرد.

مکانیکی، تراشکاری، قالب سازی، ریخته گری، آهنگری، نجاری.  
خیاطی، قالیبافی، شیرینی پزی، آشپزی، نانوايي.  
کشاورزی، باغبانی، ماهیگیری، چوپانی،

آماري که دولت در سال ۶۵ اعلام میکند خبر از ۱۱ میلیون کودک و نوجوان کارگر می دهد که در فاصله سنی ۱۰ تا ۱۹ سال هستند. (اطلاعات سیاسی اقتصادی / سال ۷۰ شماره ۶، ۷) به عبارت دیگر به هر گروه سنی یک میلیون و صد هزار نفر می رسد. اگر سرآغاز نوجوانی را پانزده سال بدانیم در حدود ۵/۵ میلیون کودک ۱۰ تا ۱۴ سال مشغول به کارند. اما این طور تصور میشود که رقم شاغلین ۱۵ تا ۱۹ سال باید بیشتر باشد و بدین جهت می توان در نظر گرفت از مجموع این یازده میلیون نفر فقط ۴/۵ میلیون کودک کارگر در فاصله سنی ۱۰ تا ۱۴ سال قرار دارند و در حدود ۹ میلیون کارگر کودک و نوجوان نیز در فاصله ۱۰ تا ۱۸ سالگی هستند. همانطور که اشاره شد این آمار مربوط به سال ۶۵ است. حال در سال ۷۰ این رقم بیشتر یا کمتر شده است هیچ اطلاعی در دست نیست. اگر این رقم بیشتر شده باشد کمتر هم نشده است. به هر حال رقم بسیار زیادی است و جای تعجب فراوان دارد! اما تعجب ما زمانی بیشتر خواهد شد که دریابیم تعداد بسیار زیادی از کودکان کارگر ما زیر گروه سنی ۱۰ سال هستند. نمونه های بسیار فراوانی هست که گزارش از کودکان کارگر زیر ۷ سال میدهد. برای همین باید پرسید که رقم کودکان کارگر ۵ تا ۱۸ سال به چند میلیون نفر می رسد؟

دستر جمعیت نیروهای انسانی متخصص اعلام میکند که در سال ۶۵، ۳۰۱۳۶ نفر کارگر ۱۰ تا ۱۹ سال به عنوان نیروی ماهر مشغول به کار بودند. (اطلاعات

بنایی، چاه کنی، آجرپزی.  
- پادویی، بیک، خانه شاگردی (نوکری و کلفتی)، نظافتگری، ماشین شویی، آبدارچی گری، نگهبانی، میوه چینی، خوشه چینی.  
- دوره گردی (بستنی فروشی، چوبکی و ... ) واکسی، دستفروشی (سیگار فروشی، کوپن فروشی، گل فروشی و ...، پاربری.  
- زیاله جمع کنی.

اینها فقط نمونه های بسیار محدودی از گستره کار کودکان ایران است. بسیاری از کارخانه ها و کارگاههای کوچک مانند کبریت سازی، ریسندگی، ابریشم بافی و به ویژه کارگاههای چاپ و همین طور کارگاههای موتاژ ابزار و آلات برقی و در راس همه اینها نانوائیها علاقه و میل زیادی به جذب کودکان و نوجوانان دارند. کار کردن کودکان و نوجوانان در این رشته ها علاوه بر این که به تخصص و توانایی خاصی احتیاج ندارد، دارای مزایای بسیار زیادی نیز برای صاحبان این مراکزند که می توان به تعدادی از عوامل مهم این مورد اشاره کرد:

۱ - کودکان خود تصمیم گیرنده نیستند. درست تر اینکه کودکان به میل و رغبت خود وارد چنین کارهایی نمی شوند، بیش از هر چیز اجبار والدین و مسایل و مشکلات اقتصادی پشت این مساله قرار دارد. این والدین هستند که فرزندان خود را بسر کار می گذارند، برایشان کار انتخاب می کنند و هرگاه نیز که مایل بودند کار آنها را تغییر می دهند. کودک هیچ اختیاری در انتخاب کار خود و یا حتی در تغییر و یا رها کردن آن را ندارند. صاحب کاران نیز بسیار مایلند که با والدین کودکان طرف حساب باشند زیرا راههای کنار آمدن با آنها را بهتر می دانند.

۲ - کودکان بیمه نمی شوند. وزارت کار و امور اجتماعی سقفی برای کار کودکان تعیین کرده است و در ظاهر کار کودکان کمتر از ۱۵ سال ممنوع است. بدین جهت هیچ کودکی تا این سن مستقلا زیر پوشش بیمه اجتماعی نمی رود. زیر پوشش قرار گرفتن کارگران مساوی است با صرف هزینه ای از سوی صاحبکاران، بدین جهت بسیاری از آنها با استفاده پنهانی از کودکان از صرف چنین هزینه ای شانه خالی می کنند.

۳ - کودکان حق خواریار نمی گیرند. حق مسکن ندارند و کسی را هم نمی توانند تحت تکلف خود داشته باشند و همه این موارد یعنی نیروی کار ارزان.

۴ - دستمزدهای کودکان را می توان به صورت نقدی و جنسی داد. بسیاری از کارگاهها و کارخانه ها بخشی از حقوقهای کودکان را به صورت جنس تولید شده آن مرکز میدهند تا با فروش آنها به موجودی خود دست یابند. (برای نمونه یکی از کارگاههای کبریت سازی یک سوم حقوق ماهانه کودکان را بصورت کبریت میدهد تا خودشان آنرا به فروش برسانند. یا بیشتر باغداران در ازای دستمزد میوه در اختیار خانواده های کودکان میگذارند.)

۵ - کودکان کارگر حق و حقوق بهتری را طلب نمی کنند. چرا که از وضع بهتری با خبر نیستند. فاقد اتحادیه اند و از تورمها، بالا رفتن حقوق، پاداشهای سالانه و از خیلی از مزایای بی اطلاعند.

۶ - در صورتی هم که از همه مزایای کار با خبر باشند توانایی اعتراض و شکایت ندارند و قادر به گرفتن حق و حقوق خود نیستند.

۷ - کودکان کارگر فاقد تخصص و تواناییهای ویژه هستند. بدین خاطر به راحتی می توان آنها را اخراج کرد و کارگران خردسال دیگری را جایگزین آنها نمود.

۸ - ساعت کار آنها مانند کارگران بزرگسال است، اما دستمزد کمتری دریافت می کنند.

۹ - کودکان حرف شنوتر از کارگران بزرگسال هستند.

۱۰ - همه این موارد یعنی جذب کارفرماها و صاحبکاران به سوی کارگران کودک و نوجوان. همانطور که بیشتر اشاره شد ریشه دار بودن کار کودکان، در این سرزمین کمتر موجب حیرت و تعجب همگانی می شود و امروز کمتر کسی از دیدن کودکان کارگر شگفت زده می شود.

بقیه در صفحه ۸

اما بهتر است که ورود کودکان به بازار کار را با همگانی شدن آموزش و پرورش بسنجیم. بعد از انقلاب مشروطیت کشور ایران شاهد تغییراتی به نسبت اساسی در امر آموزش و پرورش می شود. مدارس به شکل نوین پایه گذاری می گردد و همه این مدارس در جذب کودکان تلاش می کنند. در دوران قیل از انقلاب آموزش و پرورش رایگان شکل میگیرد و سیستم آموزش و پرورش وقت (به هر دلیلی که بود) بخش عظیمی از کودکان کشور را تحت پوشش قرار میدهد. از اینجاست که باید کودکانی را که به جای راه یافتن به مدارس سر از کارخانه ها و کارگاهها و خیابانها درآوردند محاسبه کرد.

بعد از انقلاب نیز عوامل زیادی موجب روی آوردن کودکان به کار شد. از جمله رشد روزافزون جمعیت، مشکلات اقتصادی و ناتوان بودن آموزش و پرورش در جذب و نگهداری دانش آموزان.

رشد جمعیت در فاصله سالهای ۵۵ تا ۶۰ به دو برابر افزایش یافت. از سال ۵۸ تا ۷۱ رقمی در حدود ۲۵ میلیون نفر به جمعیت ایران افزوده شد که بزرگترین آنها در حال حاضر ۱۴ سال دارند. به عبارت دیگر ۲۵ میلیون کودک زیر ۱۴ سال در

## مراکز فروش کارگر امروز

<b>دانمارک</b> Demos Butikken Elmegade 27 2300 København	<b>اتریش - وین</b> Karl Winter OHG Buchhandlung Landesgerichts str. 20	<b>انگلستان</b> Collects International 129-131 Charing Cross Rd London WC2H 0EQ	<b>آلمان</b> Zambon Verlag Leipzigstr. 24 8000 Frankfurt 90 Tel: 779223
<b>سوئد</b> Röda Rummet Bokhandel Storgatan 15 Göteborg	<b>فرانسه</b> Wagram Ch. de Gazelle-Etoile Paris	<b>سوئیس</b> George V 99 Ave Champs-Élysées Paris	<b>آمریکا</b> Flohmarkt: Jeden Samstag 2000 Hamburg 13
<b>سوئد</b> Bokhandeln Röda Rummet Drottning gatan 100 111 60 Stockholm Tel: 08-11...	<b>سوئد</b> Videopress Hälsöbergsgatan 5 Stockholm	<b>سوئد</b> Internation. Press Södergatan 20 203 12 Malmö	<b>سوئد</b> Buchladen Oster str. 158 2000 Hamburg 20
<b>سوئد</b> Röda Stjärnan Ystadegatan 15 214 24 Malmö Tel: 040-920340	<b>سوئد</b> Spara Liner Stortorget 21 Malmö	<b>سوئد</b> I.F.R. Davidhallsgatan 23 211 45 Malmö Tel: 040-119230	<b>سوئد</b> Heinrich-Heine Buchhandlung Schlüter str. 1 2000 Hamburg 13
<b>سوئد</b> Andische Kultur Hus Kunyhöjds Gatan 4 Göteborg	<b>سوئد</b> Presbyrian Stockholm Central Station, Store Hallen Gatuplan	<b>سوئد</b> Book Mark 265 Seven Sisters Road Finsbury Park London N4 2DE	<b>سوئد</b> Tasvir Gallery 18154 Sherman Way Redwood, CA 91335 Tel: 818-3448494
<b>سوئد</b> Spara Liner Stortorget 21 Malmö	<b>سوئد</b> Bokhandeln Röda Rummet Drottning gatan 100 111 60 Stockholm Tel: 08-11...	<b>سوئد</b> I.F.R. Davidhallsgatan 23 211 45 Malmö Tel: 040-119230	<b>سوئد</b> Des Arabische Buch Handlung Knebeck str. 16 D-1000 Berlin 12 Tel: 030-3139021

# کارگر امروز

## کارگر امروز باید نقش خود را در دفاع از سوسیالیسم مارکس ایفا کند

**سرهبر کارگر امروز**  
 میتوان گفت کارگر امروز تنها تشریح سوسیالیستی کارگری بوده است که به دور از هر نوع تعصب سازمان و گروه گرایی در جهت بوجود آوردن همبستگی بین المللی کارگری عمل کرده است. قصد من در اینجا ارزیابی از کارکرد تاکتونی کارگر امروز نیست، بلکه ارائه یک پیشنهاد مشخص است.

کارگر امروز مصاحبه هایی را با فعالین جنبش کارگری چاپ کرده است که آنها در رد سوسیالیسم مارکس و دفاع از سوسیالیسم دمکراتیک سخن گفته اند. بنظر من کارگر امروز باید نقش خود را در دفاع از سوسیالیسم مارکس ایفا کند. کارگر امروز باید از نقش شنونده بیرون بیاید و در قبال جنبش کارگری در کردستان عراق و همچنین در قبال فعالین و رهبران اتحادیه ای که راه چاره اساسی کنونی را در اتحادیه ها، دمکراتیزه کردن رهبری اتحادیه میدانند، به گویینده تبدیل شود و از آلترناتیو کارگری سنت شورایی در تشکلهای کارگری و اکنون در اتحادیه ها دفاع کند و در جهت متشکل کردن گرایش رادیکال و دامن زدن به جنبش شورایی در مقابل با جنبش اتحادیه ای و سندیکالیستی فعال شود.

اسماعیل ویسی  
 ترکیه - اکتبر ۹۲

## چرا کارگر امروز بیشتر به مسائل اکنومیمیستی میپردازد

**سرهبر کارگر امروز**  
 میخواهم مثل یک فعال سوسیالیست در جنبش سوسیالیستی این عصر که در عراق زندگی و فعالیت میکنم نظرات و انتقادات خودم را در مورد تشریح کارگر امروز بیان کنم.

ابتدا باید وضعیت و شرایطی را که کارگر امروز در آن منتشر میشود در نظر داشت. دوران بعد از جنگ سرد و از هم پاشیده شدن بلوک سرمایه داری دولتی (اردوگاه شوروی) که هجوم وسیعی را علیه کمونیسم حتی از خود کشورهای به اصطلاح سوسیالیست قبل هم بدنبال داشته است. این تهاجم هماهنگ و مصلحی جهان سرمایه داری علیه کمونیسم و بشریت آزادخواه و طبقه کارگر است.

بحران اخیر جهان سرمایه داری که کشتار و گرسنگی و آوارگی بدنبال داشته نه اولین و نه آخرین بحران سرمایه داری است. بهرحال بعد از جنگ سرد این بحران و پیامدهای آن وظایفی را در این شرایط در مقابل طبقه کارگر قرار داده است.

البته این وظایف هم آخرین و تازه ترین وظایف کارگران نیستند. از روزی که کارمندی وجود داشته اعتراض کارگری هم وجود داشته، از زمانی که سرمایه داری وجود داشته طبقه کارگر هم احتیاج به انترناسیونالیسم خود داشته است. به همین دلیل انترناسیونال اول و دوم و سوم هم بوجود آمده اند. بهین دلیل انترناسیونالیسم هم چیز تازه ای برای کارگران نیست. اما افق و آرمان و وظایف انترناسیونالیستی کارگری در این شرایط نظم نوین جهانی نیاز بیشتری به انترناسیونالیسم کارگری دارد.

در این شرایط تشکل سیاسی جنبش انترناسیونالیستی کارگری و حزبیت دادن به آن در سطح جهانی و محلی یکی از وظایف اصلی فعالین این جنبش است و از همین حالا باید دست بکار آماده سازی و رفع معضلات و پیش شرطهای تشکلی این تشکل شد.

کارگر امروز هم بشابه یک تشریح کارگری انترناسیونالیستی این وظیفه را در دستور خود دارد ولی بنظر من در این موارد اقدامات کافی و اهتمام لازم را به این مهم اختصاص نداده و به پخش اخبار مبارزات کارگری و انتقال تجارب آنها و شکل گیری

بلیه در صفحه ۱۱

### نامه به سردبیر

فامحای که به قصد درج در این ستون ارسال می شود باید: ۱- کوتاه باشد ۲- نایب شده یا کاملاً خوانا باشند ۳- چنانچه نویسنده مایل به درج نام خود نیست، فرجه شود تا امضاء مطبوعه بمالد ۴- کارگزاران در انقلاب و وللمی فامحا آزاد است.

## باید گذاشت علی امید گمنام بماند

**سرهبر کارگر امروز:**  
 اصل مطلب و انگیزه نگارش این نامه تاثیر نوشته ای است از ایرج آذرین در نشریه شماره ۲۳ تحت عنوان "برگی از تاریخ پنهان" (بررسی خاطرات یوسف افتخاری) بر هن.

در این نوشته در بخش "بحران تاریخنگاری معاصر ایران" ایشان مدعی است که تا اید ارزیابی از جوانب مثبت و منفی نقش کسی چون علی امید لازم نمی شود. در ادامه ایشان خودشان در واقع تصویری کلی از علی امید به خواننده می دهد: و علی امید کسی است که بجرم شرکت در نخستین اعتصاب کارگران خوزستان دوازده سال در زندان رضاشاه گذراند، در اوایل دهه بیست از سازماندهان کارگران خوزستان بود و بعدها به حزب توده پیوست و از رهبران شورای متحده شد. او پس از کودتای ۲۲ مدتها در زندان ماند و بعد از آزادی، تا هنگامی که در گمنامی مرد، کارگر حمام بود. اگر تمام نوشته های این رفیق را در این بخش قبول کنیم یعنی از تاریخنگاری رسوای حکومتی بگذریم و روزنامه نگاران دست چندم حزب توده، وکلای مودب جبهه ملی و دیگران را بپلستی هیچ انگاریم. یدالله خسرو شاهی هم در نشریه ای به اسم "کارگر تبعیدی" حرفهایی درباره علی امید زده است. یدالله خسروشاهی در سخنرانی در هاتوفر آلمان که در نشریه نامبرده تحت عنوان "خلاصه متن سخنرانی رفیق یدالله خسروشاهی" درج شده، می گوید: در زمان علی امید در شرکت نفت، انگلیسیها در آبادان از آب سردکن استفاده می کردند، کارمندان یک صندوق پخی داشتند که

## وضع کارگران ایرانی در ژاپن

**سرهبر کارگر امروز:**  
 بیکاری، فقر و تنگدستی، نبودن مسکن، نداشتن بهداشت و تغذیه مناسب و صدها عوارض دیگر که از ماهیت گنبدیده نظام بردگی مزدی سرچشمه می گیرد، امروزه در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سرمایه به بالاترین حد خود رسیده است. این اوضاع باعث شده که دهها هزار نفر از کارگران و جوانان ایرانی همسر و فرزندان و بستگان خویش را رها کنند و بدنبال کار و کسب درآمد به نقاط دور و نزدیک جهان مهاجرت کنند. در این میان ژاپن بیشترین تعداد را بخود اختصاص داده است. کارگران ایرانی در ژاپن که اکثر بین ۲۰-۳۰ سال سن دارند با تقبل سخت ترین و پست ترین کارها بامید بهبود وضع مالی خانواده هایشان روزگار می گذرانند. میزان دستمزد کارگران ایرانی در جدول دستمزد مشاغل به خانه آخر قرار دارد. هیچگونه مزایایی به آنان تعلق نمی گیرد. مسکن آنها شامل یکی دو اتاق برای چند نفر است یا امکاناتی حداقل که در اکثر موارد هم یا در محل کار می خوابند و یا در آونکهای چوبی و کانتینر. امروزه کارگری که اخراج می شود دیگر مشکل بتواند کار پیدا کند و اگر کانالی برای دستیابی به کار بیاید باید از قبل حق دلای را در جیب داشته باشد. تازه با ترس اینکه در کار جدید بتواند مدتی دوام بیاورد. اگر پای صحبت بیکاران بنشینم در غالب موارد می گویند شرمند می شوم که دست خالی برگردیم. امروزه اکثر بیکاران با خرید و فروش اقسام کالاهای ریز و درشت به کسب درآمد می پردازند. جالب اینکه کارت تلفن و بلیط

دانشمند - ژاپن

درباره نقد چپ در انقلاب ۵۷

## چند توضیح کوتاه!

طبقه کارگر بعنوان پدیده ای زنده و فعال متأثر از احزاب، افکار، عقاید، سنتها، و اوضاع سیاسی - اقتصادی جامعه است و تشریحی و گرایشهای مختلف در آن امری واقعی است. بر این مبنا فعالین این جنبش نمی توانند مستقیماً از این تنوع و ناهمگونی بصر برند.

حال اینکه چرا خودآگاهی و انسجام در بین فعالین کارگری درجه پائینی دارد، باید پاسخ آن را در جای دیگری دنبال کرد. بعنوان مثال می توان از این نمونه ها یاد کرد: نداشتن افق، روش و سنت سوسیالیستی - کارگری، متأثر بودن از سنتهای غیر کارگری، نداشتن سنت تشکیلات توده ای کارگری، نداشتن سنت اعتراض طبقاتی، وجود دیکتاتوری بعنوان عامل سرکوب عریان و مانع تبادل نظر، ارتباط و تجمع.

این عوامل که خود دلایل تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند باعث گردیده اند که حتی در مواقعی فعالین کارگری بدون اینکه بدانند اختلافشان بر سر چه مسائلی است و تا چه حدی توافق و فصل مشترک دارند، قادر نباشند ظرفیتهای موجود در بینشان را بالفعل کنند.

جنبش کارگری اگر سنتهای لازم را داشت، آنوقت فعالین آن می توانستند علیرغم اختلافات موجود در بینشان (که بغضا واقعی می باشند و نه ذهنی) فصل مشترکها و اشتراکهای موجود در بینشان را پیدا نمایند (که بسیار می باشند) و به درجهای نسبتاً بالا از انسجام دست پیدا کنند.

اشکال بحث رفیق مجید محمدی این است که در سیاست و فعالیت اجتماعی می تواند به نتایج نامطلوبی منجر گردد. از یک طرف می تواند گرایش سازش و مباحثات را تقویت نماید. از طرف دیگر می تواند گرایش انشعابگری و مباحثات را تقویت کند.

**سرهبر کارگر امروز**  
 در نشریه شماره ۳۰ کارگر امروز، رفیق مجید محمدی نقدی به چپ در انقلاب ۵۷ نوشته بود که در بر گیرنده سازمانهای چپ دوران انقلاب و طبقی از کارگران چپ و فعال بود.

نقد ایشان اساساً درست است. ولی آنچه که جنبش کارگری پیشرو می پردازد ملاحظاتی مطرح می باشد. ایراداتی که ایشان به کارگران پیشرو می گیرند از جنبه های درستی برخوردار است.

ما هم سالهاست که شاهد این اشکالات در بین کارگران پیشرو و رهبران عملی هستیم و به صراحت می توان اذعان کرد که یکی از ایرادات اساسی در بین آنها همین مسئله است. عمده کردن سنکراسیم گروهها و روشنفکر بودن آنها باعث می شود که نقد به آرمانها، اهداف، برنامه، سیاست و عملکرد آنها از زیر ضرب خارج گردد و قادر نگردیم به نقدی سوسیالیستی - کارگری دست پیدا کنیم.

گذشته از آن بالاخره یک روزی کارگر چپی که با گروهها فعالیت می کرد و یا خود را در کنار آنها می دانست، باید خودخواهی را کنار بگذارد و صریح توضیح بدهد که: چه چیزی باعث شد به جریاناتی بپیوندد که به چیزی و بازگان لبیک می گفتند. به جناحهایی از بورژوازی توهم داشتند. اهدافشان استقلال و رشد صنعت و سرمایه بود.

مذهب، میهن پرستی، خانواده، مردسالاری و سنتهای کهنه و عقب مانده از پدرشاهی گرفته تا حمایت از حکم اعدام، همگی جزو مقدساتشان بود. پراتیکشان ماجراجویانه، غیر کارگری و بی ربط به سوسیالیسم و رهایی کار بود. نقد فردی، در پرتو نقد آن جریانات می تواند بزرگترین درس برای نسل بعدی و حتی فعالیت فعلی باشد.

کلیم خود را بیرون کشیدن و کی بود، کی بود راه انداختن هیچ مشکلی را حل نمی کند. بلکه فقط می تواند در گپهای خودمانی توضیح گر عقب ماندگی و نادانی باشد. تا آنجا که رفیق مجید محمدی به این عقب ماندگیها و نادانیها می پردازد، بحثشان مفید و موجه است. لیکن نکاتی در نوشته ایشان وجود دارد که به آنها اشاراتی می کنیم.

## چه چیزی مانع رشد می باشد

ایشان نوشته اند که در بین فعالین کارگری اختلاف بر سر مسائل متنوع یکی از موانع ارتقاء خودآگاهی و انسجام این جریان است. این بحث نادرست می باشد. زیرا هیچ پدیده ای نمی تواند عاری از تنوع و اختلاف باشد. اختلاف و تنوع ذاتی هر پدیده و حرکتی است. اختلاف و ناهمگونی نشانهنده، زنده بودن و پویایی آن است و نه برعکس.

## شق القمر

رفیق مجید محمدی در نقد نظرات کارگرانی که به بافت تشکیلاتی "چپ" ایراد می گیرند می نویسد: گویی اگر بافت چپ انقلاب ۵۷ بافتی کارگری بود شق القمر می شد. معلوم نیست منظور از شق القمر یعنی چه؟ چه چیزی باید می شد تا شق القمر مصداق پیدا می کرد؟ ولی این نکته را روشن می سازد که ایشان به بافت غیر کارگری چپ ۵۷ انتقادی ندارند. برای ایشان سیاست و برنامه کافی است. و نیروی پیشبرنده آن سیاستها مهم نیست. که با بحث خودشان به تناقض برمی خورند. که چگونه طبقات دارا، تحصیلکردگان و کسانی

بقیه در صفحه ۱۳

## نظری بر تحریم پارلمان کردستان عراق

**سرهبر کارگر امروز!**  
 در رابطه با تحریم پارلمان کردستان عراق از جانب گرایش کمونیستی کارگری در کردستان عراق میل داشتم که چند نکته ای را طرح کنم.

پیش از هر چیز چه در دوره جنگ خلیج و چه بعد از آن همواره سعی کرده ام که از نزدیک مباحث این رقفا را دنبال کنم و انتظارم این است که این رقفا فرض را بر تعقیب شدن مباحثاتشان بدانند.

فکر میکنم اعلام تحریم انتخابات پارلمان در کردستان عراق از جانب این گرایش بر یک پایه استدلال مشترک قرار گرفته است: "کارگران کمونیست همواره پارلمان را جزئی از ابزار بورژوازی برای تثبیت اقتدار سیاسی خود می دانند و بدیل خود را در شوراهای کارگری دیده و بر آن پای می فشارند". تقریباً تمام بیانیه ها و مصوبات جریانات اخیر در مورد پارلمان کردستان از این جا این نتیجه گرفته اند که بنابراین کارگران کمونیست انتخابات پارلمان را تحریم می کنند و بر حقانیت جنبش شورایی پای می

بقیه در صفحه ۱۳

# کارگاه امروز

## گوشه‌های از اوضاع کارگران فلسطینی در اسرائیل

علی جوادی

از ابتدای ماه مارس قیمت مواد غذایی در مناطق اشغالی بطور بایر نکرده‌ی افزایش یافته است، قیمت سیب ۲۵ درصد، سبزیجات ۱۰۰ درصد و مرغ ۳۰ درصد. این روزها شوخی متداول در بین بسیاری از کارگران این است که "شانس آوردیم از خیار خوشمان نمی آید وگرنه وضعمان خراب بود". مرزبگیران و حقوق بگیران در مناطق اشغالی بیشتر از همه از این وضعیت صدمه دیده اند. بنا به گزارش مرکز مطالعاتی کارگری در شهر رام الله، درآمد یک فلسطینی بطور متوسط ماهانه ۳۳۰ دلار است اما تعداد بسیاری از کارگران کمتر از ۱۴۰ دلار در ماه دریافت می کنند. (حداقل دستمزد در مناطق اشغالی ۱۵۰ دلار است). بر طبق این گزارش ۵۰ درصد درآمد ماهانه کارگران صرف اجاره خانه می شود و کل درآمد تنها کفاف ۴۰ درصد نیازهای یک خانوار را می دهد. متوسط هزینه زندگی، تنها در ماه فوریه در مناطق اشغالی بین ۵ تا ۷ درصد افزایش داشته است در حالیکه هزینه زندگی در همین ماه در اسرائیل ۲/۴ درصد افزایش یافته است.

### کار شاق کارگران ساختمانی

بیش از ۹۰ درصد کارگران ساختمانی چه در اسرائیل و چه در مناطق اشغالی را کارگران فلسطینی تشکیل می دهند. این تنها رشته ای است که کارگران فلسطینی اکثریت شاعلیین را تشکیل می دهند، بعلاوه این تنها شغلی است که کارگران فلسطینی این روزها در اسرائیل می توانند بدست آورند. مهاجرین اخیر به اسرائیل که اکثرا تحصیل کرده نیز هستند در سایر مشاغل کم درآمد از قبیل نظافت خیابانها، جمع آوری زباله، ظرفشویی و غیره که سنتا به کارگران فلسطینی تعلق داشت، جذب شده اند. کار ساختمانی تنها رشته‌ای است که کمتر کسی به غیر از کارگران فلسطینی به آن روی می آورند.

یک مهندس ساختمان روسی که از شهر مینسک به هایفا مهاجرت کرده و اکنون نظافتچی خیابانها است وضعیت کار کارگران فلسطینی را چنین توضیح می دهد: "در اولین روزهای اقامت در اسرائیل از روی کنجکاوی جهت اطلاع از روشهای کار در رشته ساختمان سازی به یک مجموعه ساختمانی نیمه تمام رفته. از آنچه دیدم

واقعا شوکه شدم. در مدت ۳۵ سال کار در صنعت ساختمانی در شوروی، هرگز کار را با چنین روش غیر انسانی ندیده بودم. کارگران قطعات بسیار سنگین را بدون استفاده از وسایل حمل و نقل جابجا می کردند. این عریها در اینجا مثل برده ها کار می کنند. بجای استفاده از ماشین آلات ساختمانی در اینجا آدمها را مجبور به کارهای سنگین و شاق می کنند. من توانستم به تماشای این وضعیت ادامه دهم." (روزنامه جبهه دیگر، چاپ اورشلیم). به این شرایط سخت کاری باید تبعیض نژادی را نیز اضافه کرد. کارگر ساختمانی اسرائیلی ماهانه معادل ۶۴۰ دلار دریافت می کند، در حالیکه کارفرمای اسرائیلی به کارگر فلسطینی با همان درجه تخصص و مهارت تنها یکچهارم دستمزد کارگر اسرائیلی را میپردازد.

### مبارزه برای افزایش دستمزد

اخیرا شاخه رام الله فدراسیون عمومی اتحادیه ها در ساحل غربی طی اطلاعیه ای از کلیه اتحادیه های محلی خواسته است که برای افزایش دستمزد مبارزه هماهنگی را به پیش ببرند. این فدراسیون اعلام کرده است که حداقل دستمزد از ژانویه ۱۹۹۲ از ۱۵۰ دلار به ۲۵۰ دلار افزایش یابد و کارفرماها مابه التفاوت حقوق کارگران را بر این مینا از ماه ژانویه پرداخت کنند. بعلاوه اتحادیه خواسته است که به کارگرانی که ماهانه بیش از ۲۵۰ دلار مزد دریافت می کنند ۱۵ درصد اضافه دستمزد پرداخت گردد (۱۰ درصد بمنظور حق تورم و ۵ درصد اضافه دستمزد). این اتحادیه از اتحادیه های محلی در کمیتهایی که کارفرماهای آن فلسطینی هستند خواسته است که برای تحقق این خواستها تلاش کنند. در مناطق اشغالی شرایط کار و حداقل دستمزد را اتحادیه ها تعیین می نمایند و برای تثبیت آن مبارزه می کنند. بیکاری گسترده در مناطق اشغالی معمولا پیشبرنده مبارزه کارگری را با مشکلات فراوانی مواجه می کند. کارفرماها اغلب بسادگی می توانند کارگران اعتصابی را با کارگران بیکاری که حاضرند با دستمزد کمتری مشغول به کار شوند، تعویض کنند. محمد حیات هساعتگ کننده فعالیت اتحادیه در مقابل این سنوالات خیرنگار روزنامه الفجر که شما چگونه در این شرایط بیکاری گسترده و عدم وجود قدرت

اجرائی، قادر به تثبیت این خواسته ها هستید گفت: اتحادیه ها تنها به میزان قدرت اعضایشان نیرو دارند. حادث با اشاره به یک اعتصاب اخیر در رام الله گفت "زمانیکه کارگران برای اضافه دستمزد دست به اعتصاب زدند، کمیانی با هیچ مشکلی برای جایگزینی کارگران اعتصابی با کارگران جدید که تقاضا می کردند بکار گمارده شوند، روبرو نشد. تنها اشغال کارخانه توسط کارگران اعتصابی بود که مانع از شکست اعتصاب و اادار کردن کارفرما به مذاکره با کارگران اعتصابی شد." سالی سمان یک فعال اتحادیه ای گفت: "کارفرماهای فلسطینی همه اش فریاد می زنند که مالیاتها (به دولت اسرائیل) پدر ما را در آورند، و به این بهانه مزد خوبی به کارگران نمی دهند، در حالیکه حسابی دارند کیسه هایشان را پر می کنند."

### اعتصاب در بیمارستان مکاساد

در فوریه ۱۹۹۲، ۷۷۰ نفر از کارکنان بیمارستان مکاساد در شرق اورشلیم، بمنظور دریافت افزایش دستمزد و رسمی شدن کارکنان موقت دست به یک اعتصاب یک روزه اضطراری زدند. مدیر بیمارستان تاکنون به بهانه های مختلف و از جمله کم شدن کسک کشورهای عربی به بیمارستان بعد از قتل عام وحشیانه در خلیج فارس از پرداخت اضافه دستمزد کارگران خودداری کرده است. کارکنان و کارگران این بیمارستان عضو اتحادیه اند. اتحادیه اعلام کرده است که به اعتراضات خود علیه مدیر یک ابعاد گسترده تری خواهند داد، و لیکن کاری نخواهند کرد که به بیمارارن بیمارستان صدمه ای وارد آید.

### اعتصاب کارکنان مسجد الاقصی

کارکنان سازمان "وقف الاسلام" که از جمله مسئول حفاظت از مسجد الاقصی در اورشلیم هستند، تاکنون چندین بار در عرض شش ماه گذشته برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده اند. کارکنان مسجد الاقصی ماهانه معادل ۱۸۰ دلار دریافت می کنند که مطابق با حتی استانداردهای مزد در ساحل غربی میبایست ناچیزی است. هر بار اعتصاب کارکنان با وعده و وعید مسئولات مسجد خاتمه یافته است و تاکنون به خواسته هایشان نرسیده اند.

توضیح: اطلاعات این گزارش بر مبنای مقالات متعدد "بولتن کارگری خاورمیانه" از انتشارات "کمیته کارگری" در مورد خاورمیانه تهیه شده است.

## خاطره‌های از مصادره زمینهای خاک سفید در تهران

انجام دادم این بود که به چند تا از سازمانهای چپ خبر دادم که افرادشان را برای کمک به این ماجرا و گسترش و دفاع از آن بفرستند. این کار سرخود و خواب خوبی نداشت. هر چند روز یکی دو نفر که معلوم نبود از کجا می آیند، می آمدند و "رهنمود" هایی می دادند، گزارش تهیه می کردند و می رفتند. نه زمین مصادره کردند، نه شیبی آنجا ماندند و دلگرمی ای دادند و نه... کمک که نشد هیچ، کمی هم برای من که پایشان را به آنجا باز کرده بودم بد شد. یک مقدار گچ خریدیم و به هر کس سیصد متر زمین می دادیم. برای اینکه تبعیضی در کار نباشد قرارداد بنویس و بفل هم زمینها را بدهیم. هر روز چند خانوار می آمدند و یکی از زمینها را می دادیم. از نقشه کشی و شهرسازی اصلا سر در نمی آوردیم و انگار هیچ کس هم تو فکرش نبود. از حماقتان همینقدر بگویم که من یک مهندس راه و ساختمان را که علاقه داشت کمی بکند برودم و گذاشتم که برای ملت درست کند و اجر بالا بیاندازد. مزاحمتهای نیروهای مسلح علیرغم تلاشهای من روز بروز بیشتر می شد و یکی دیوار واتشایی که اجر می آوردند را متوقف و لاستیکهایشان را پنجر کردند. روز جمعه نزدیکتر می شد و من خودم را برای سخنرانی آماده می کردم. با اینکه خستگی روزانه و شبانه رمقی برای فکر کردن نمی گذاشت، قرارم این بود که روی چند مسئله صحبت کنم. اول روی مسائل حول انقلاب و اینکه مردم باید مستقل دست بکار شوند، دوم، این حرکت مستقل باید سازمانی داشته باشد که شورا نام دارد و سوم باید جلوی هر کس که خواست ما را از آنجا بیرون کند بایستیم و برای این کار باید هم قسم شویم. بویزه روی گسترش حرکت، تشویق و کیشاندن آدمهای بیشتر حرف بزنم.

شب جمعه کار دیگری داشتم و در محل نماندم. بعد از ظهر روز جمعه با موتور عازم خاک سفید شدم. بودم فلکه دوم تهران پارس که رسیدم وجود تعداد زیادی نیروی مسلح مشهود بود. از یکی از خیابانهای فرعی وارد خاک سفید شدم. مردم زیادی که آنسوی به نظرم چند هزار نفر رسید، بیابانهای خاک سفید را قرق کرده بودند. دنیای کوچکی داشتم و قبل از هر چیز از بهم خوردن سخنرانی کمی پکر شدم. توی جمعیت وولی می خوردم که یکی از بچه های شورا، انگار که گمشده ای را پیدا کرده باشد پیشم آمد و گفت: کجایی بابا، این همه ملت برای سخنرانی تو آمده اند، آنوقت تو پیدایت نیست؟ دست و پایم را گم کرده بودم. صدای قلم را می شنیدم و تا بناگوش سرخ شده بودم. جمعیت را شکافتیم و جلوتر رفتیم. بعد از چند لحظه خودم را بالای واتنی رساندم. مردمی که بدبختی از سر و رویشان می بارید و یک عمر تحقیر را مجسم می کردند، به محض شنیدن این همان کسی است که قرار است زمین بدهد! خودشان را جمع وجور کردند. "مردوب" و با چشمانی منتظر ایستاده بودند. انگار شهردار می خواست بین آنها زمین تقسیم کند. به یکی از بچه ها گفتم که هر چه سریعتر بلند گویی تهیه کند. فکر این همه جمعیت را نکرده بودیم. دهها وانت یا بار آجر، گونی ها و بچه های بسته به دوش، زنانی یا صفی از بچههای قد و نیم قد در پشت سر و... ناآماده و دست پاچه بودم. کمی با کافز و قلم و رفته پائین آمدم و با اعضای شورا صحبت کردم و قرار شد ده... بیست نفر ا مسئول تعیین و تقسیم زمین، صف و دادن شماره کنند. قرار شد بلافاصله پس از ختم سخنرانی کارها شروع شود. بلند گو رسید و پس از وصل کردن به باطری یک وانت، صحبتهایم

بقیه در صفحه ۱۳

از پجگی بخاطر بدبختی هایی که از مستاجری کشیده بودم، حل مشکل مسکن یکی از آرزوهایم بود. یکی از دلخوشی هایی که توی انقلاب پرشوهرتم می کرد، این بود که "همه صاحب خانه می شوند". روزهای انقلاب مثل برق و باد می گذشت. تازه داشتیم گشاده کلامی که سرمان رفته بود را می فهمیدیم. شرکتی که قبل از انقلاب در آن کار می کردم ورشکست و بسته شد. بیکار شدم و وقت زیادتری برای فعالیت پیدا کردم.

شرق تهران، جنب تهران پارس منطقه وسیعی بود که خاک سفید نام داشت. بجز تک توك خانه های ویلایی و بینالایی، تعمیرگاههای وسط راه و غیره هیچ خانه ای وسط این "خاک خدا" نبود. حرف پایام یادم آمد که در یکی از "سبزه بدر" هایی که آنطرف ها رفته بودیم گفته بود، آنصاف است که این همه زمین افتاده و ما بدبخت و بیچاره ها بی خانه ایم!

انگیزه ام قوی بود. ولی راه چاره را خوب نمی دانستم. سراغ تعدادی از گروههای خط ۳ رفتم تا شاید تجربه ای، پلانفرمی و... چیزی داشته باشند. تازه دو ریالی ام افتاد که یا همه صفر کیلومترند یا فعلا اینجور مسائل فکر و ذکرشان نیست.

بین اهالی آلونک نشین شرق تهران آشناهایی داشتم. رفته سراغشان و مسئله را با آنها در میان گذاشتم. خیلی از آنها به خمینی و جریان اسلامی توهم داشتند و می گفتند "آقا خودش به ما خانه می دهد"، همین جور که نمی شود رفت و زمین مردم را غصب کرد". یک هفته بالای منبر رفتم و فصد نفری را راضی کردم. چند تاین را هم سراغ آشناهایشان در مناطق دیگری فرستادیم. هفت - هشت روز نگذشته بود که قرار حمله و مصادره خاک سفید بین بی خانمانها و خانه بدوش ها پیچید. قرار بود دسته جمعی و در یک روز معین این کار را بکنیم. چند روزی به قرار مانده بود که یکی از بچه ها آمد و گفت که بیست - سی خانوار رفتند و توی زمین های خاک سفید چادر زدند. جرقه زده شد. بی معطلی همه را جمع کردیم. غفلت می کردیم آنها را هم بیرون می ریختند. آنوقت روحیه همه خراب و دشواریهای کار زیاد می شد. همان فرمایش، ما هم حدودا ۸۰ - ۷۰ نفر رفتیم و با فواصل چند متری یک تکه زمین را مال خود کردیم. تک و توك، چند نفری هم آمدند و مجموعا نزدیک به ۱۵۰ تکه زمین را صاحب شدیم. اکثر کسانی که آمده بودند، چند تکه خرت و پرت مثل علاءالدین، زیلو، یکی دو تکه رختخواب زهوار در رفته داشتند، بعضی ها هم چند تا چادر زنانه را بهم وصل کرده و چادر زده بودند. شب همه جمع شدیم و راجع به جوانب مختلف کار صحبت کردیم. اصلی ترین حرفمان این بود که تعدادمان باید هر چه بیشتر بشود. باید تو "خودمان یک نظم نسبی بوجود بیآوریم. من پیشنهاد تشکیل شورا را دادم. همان شب پنج نفر انتخاب شد و قرار شد این پنج نفر ترتیب همه کار را بدهند، زمینها را تقسیم کنند، تازه واردین را جابجا کنند، ترتیب وارد شدن نماینده های جدید به شورا را بدهند و از این قبیل کارها.

قرار اصلی مان این شد که برای جمعه بعد ترتیب یک سخنرانی را بدهیم. من به عنوان سخنران کاندید شدم. در تقسیم کارها قرار شد من با افراد مسلح منطقه که خیلی هایشان را می شناختم صحبت کنم. چند نفری از آنها هم فرصت طلبی کرده و بدون اینکه خاک و سرما و باد بخورند زمینی را بنام خودشان کردند. البته همه آنها مستحق بودند و تا آنجا که من می شناختم یا خانه درست سادگی نداشتند یا مستاجر بودند. یک کار دیگر هم که خودم سر خود

## گزارشی از کنگره آلترناتیو کارگران آناتولی در ترکیه

موضوع تأیید کرد که، "طبقه کارگر رهبر جامعه است و کارمند و دهقان را نیز رهبری می کند. ما مجبوریم بعنوان طبقه کارگر به آنچه که در شرق ترکیه می گذرد فرمان ایست دهیم."

در کنگره نمایندگان سندیکاهای کارمندان نیز حضور داشتند. در کنگره حول اینکه شکل یابی سندیکایی کارگران و کارمندان می تواند زیر چتر یک شکل واحد قرار گیرد یا نه اختلاف نظر وجود داشت. اما در مورد اینکه نباید مبارزه متحد کارگران و کارمندان و شکل یابی آنان را از هم جدا کرد اتفاق نظر وجود داشت. همچنین تصمیم گرفته شد برای رفع موانع تشکیل یابی، حق اعتصاب و ساختن سندیکا توسط کارمندان، پیشنهاد یک ساعت اعتصاب به کنگره ترک - ایش برده شود. نمایندگان همچنین تصویب کردند که بدون در نظر گرفتن سندیکاهای موجود (ترک ایش، خلق ایش - دیسک) طبقه کارگر را حول برنامه منتخب کارگری متشکل کنند. کنگره در رابطه با کودتای احتمالی قراری تصویب کرد مبنی بر اینکه در صورت بروز کودتا طبقه کارگر ایستادگی کند و از هم اکنون قدرت خود را در رابطه با قطع تولید اعلام دارد. در بخشی از قرار آمده است: "بحث بر سر اینکه کاپیتالیسم بر حق است یا ناقص، خودش یک نوع کودتای ایدئولوژیک است، راه حل، متشکل شدن حول برنامه منتخب کارگری است." کنگره همچنین تصویب کرد، "به عنوان طبقه کارگر علیه هر نوع خصوصی کردن و حرکتی ضد کارگری به مقابله خواهیم پرداخت."

## تلخیص شده از نشریه: بسوی ۲۰۰۰، چاپ ترکیه. ترجمه از: بهرام رحمانی

مرکز خبری کارگر امروز: کنگره نمایندگان مجامع عمومی کارگران آناتولی مرکزی در ۱۸ اکتبر در آنکارا برگزار شد و کمیته کارگران آناتولی را انتخاب کرد. این کنگره که هدفش ایجاد تشکلهای آلترناتیو در مقابل سندیکاهای موجود است و توسط نمایان رادیکال همین سندیکاهای برگزار شد تصمیم گرفت تا کنگره ترک ایش در ۲۵ اکتبر فعالیتهای همه نمایندگان در ترک ایش ادامه یابد. کمیته ۳۰ نفره کارگران منطقه آناتولی از میان خود کمیته رهبری را انتخاب کرد تا کنگره های محلی و منطقه ای کارگران را سازمان بدهد و برای متشکل کردن کارگران فعالیت کند.

"تایفون تاباک اوغلو" عضو کمیته رهبری، دزتاره "انتخاب سندیکاهای کارگری و افکهای طبقاتی" که قرار است در کنگره ترک ایش مطرح شود بحث کرد. وی از جمله گفت: "سازمان دادن حرکتی کارگری

کارگر امروز از این پس اگر خاطراتی از فعالیت افراد برای ارسال کرده، چاپ خواهد کرد. کارگر امروز در انتخاب و کوتاه کردن این خاطرات آزاد است.

### باز خرید اجباری کارگران فورد در بریتانیا

مرکز خبری کارگر امروز: در ماه سپتامبر مدیریت کمپانی اتوموبیل سازی فورد اعلام کرد که ۱۵۰۰ کارگر باید داوطلبانه خود را باز خرید کنند و در شهر اینسبروت کمپانی آنها را وادار به این کار خواهد کرد. اتحادیه مشغول رای گیری برای اعتصاب علیه این اقدام مدیریت می باشد. به گزارش تایمز مالی، در عرض ۳۰ سال گذشته این اولین باری است که فورد باز خرید اجباری کارگران را مطرح کرده است. طبق قراردادی که بین اتحادیه و مدیریت بسته شده است، باز خرید باید داوطلبانه باشد در عوض کارگران قبول کرده اند که دستمزدهایشان از ۲۴ نوامبر افزایش پیدا نکند و مبلغ باز خرید نیز ۶۰ درصد

حقوق شان باشد. اتحادیه انتلاف کارگران مهندسی و الکترونیک (ای.ای.وی) که ۲۵ هزار کارگر را نمایندگی می کند، اعلام کرده است که شرکت فورد این قرارداد را رعایت نکرده است و بنظر می آید که چرخ صنعت را ۲۰ سال به عقب رانده است. به همین دلیل اتحادیه چاره ای جز دادن فراخوان اعتصاب ندارد. بیکار سازی ها در کارخانجات هیل وود و داگن هم صورت خواهد گرفت. مسئول بخش پرسنل فورد در مقابل اعتراض کارگران گفته است که ما زندانی وضعیت اقتصادی موجود هستیم، بازار در حال رکود است و چشم اندازی در جهت تغییر اوضاع تا سال ۱۹۹۴ دیده نمی شود. □

### رای اکثریت کارگران متروی لندن برای اعتصاب

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران دو اتحادیه متروی لندن در اعتراض به بیکار سازی و شرایط کار به فراخوان اعتصاب رای مثبت دادند. مدیریت مترو اعلام کرده است که به اندازه کافی پرسنل برای اعتصاب شکنی دارد. ولی مجبور است به مسافران اجازه بدهد که مجانی سوار قطار شوند زیرا تعداد پرسنل کنترل بلیط کم خواهد بود. مدیر متروی لندن در نامه ای خطاب به سه اتحادیه درگیر اخطار کرده است که اگر دست به اعتصاب زنند با خطر اخراج مواجه خواهند شد. رئیس اتحادیه آر. ام. تی، بزرگترین اتحادیه ترانسپورت در جواب گفته است که بهترین شکل برخورد با این زورگوها مقاومت است و این دقیقاً چیزی است که اعضای اتحادیه می خواهند. □

### انبار کوکاه

#### بیکار سازی در بریتانیا

مرکز خبری کارگر امروز: قرار است ۴۰۰ شغل در کمپانی تولید مواد شیمیایی بروئر موند واقع در چشایر از بین برود. این به معنای از دست رفتن کار ۶۵ نفر میباشد. بیش از ۳۰۰ شغل در شرکت راه و ساختمان کاستین از بین خواهند رفت. صنعت ساختمانی بریتانیا از تابستان سال ۱۹۸۹ تا کنون ۴۰۰ هزار کارگر را مجبور کرده است که خود را باز خرید کنند.

نزدیک به ۴۰۰ شغل در دو کارخانه جنوب ولز از دست خواهند رفت. ۲۳۵ کارگر در کارخانه بورگ - روتر تولید کننده جعبه دنده اتومبیل کارشان را از دست می دهند و ۱۳۶ شغل در کارگاه واقع در کاردیف از بین خواهند رفت.

به گزارش تی.وی.سی اتحادیه سراسری کارگران بریتانیا، دستمزده واقعی کارگران به علت طرح دولتی مبنی بر محدود کردن افزایش حقوق کارگران و کارمندان بخش خدمات عمومی، به نسبت ۲/۲۵ و ۳/۷۵ درصد در سال آینده کاهش پیدا خواهد کرد. طبق همین گزارش کاهش ۲۵ درصد قدرت خرید کارگران باعث از دست رفتن ۹۰ هزار شغل نیز میشود.

#### مرگ ۳۸ معدنچی در روسیه

۲۳ کارگر معدن استاوروپول واقع در جنوب روسیه در اثر انفجار گاز متان کشته شدند. بعلاوه ۲۵ کارگر معدن دیگر نیز در اثر انفجار گاز در معدن سیبری جان خود را از دست دادند.

#### بریتانیا، رای اعتصاب کارگران بنادر

مرکز خبری کارگر امروز: بیش از نیمی از ۶۰۰ کارگر بنادر سیرنسی در رودخانه تایمز لندن به فراخوان اعتراض علیه کاهش دستمزدها رای مثبت دادند. به گزارش تایمز مالی، این یکی از بنادر مهم لندن و مرکز بارگیری میوه و اتوموبیل است. کارگران به قرارداد جدید مدیریت مبنی بر اینکه اگر بخواهند شغل هایشان را حفظ کنند، باید ده درصد کاهش دستمزده را قبول کنند. اعتراض کردند

#### باقیه از صفحه اول کارگران معدن مانکنون هال

کارگران در مباح ژون معدن را بدست گرفتند و با خرید دستگاههای دست دوم کار استخراج ذغال سنگ را آغاز کردند. تخمین زده می شود که معدن تحت اداره کارگران در سال با کار ۱۵۵ کارگر ۲۵۰ هزار تن ذغال سنگ استخراج کند. تحت اداره شرکت ذغال سنگ بریتانیا ۱۰۰۰ کارگر ۱ میلیون تن ذغال استخراج می کردند. شرکت های اسکاتلندی حاضر نشده اند از این معدن ذغال سنگ بخرند زیرا قیمت آن بالا است ولی کارگران تولیدات خود را به ایرلند، مالتا، و دو جزیره در جنوب و شمال بریتانیا صادر می کنند. این تجربه نشان می دهد که کارگران برای شغل بودن و بیرون آمدن از برزخ بیکاری حاضرند با زیر قرض رفتن و پرداخت بهره کم شکن بانکی معدن را بکار بیندازند. کارگران تمام پولی که بابت باز خرید خود گرفته بودند بعلاوه به رهن گذاشتن خانه هایشان در بهترین حالت یک تعاونی تشکیل داده اند. □

#### فرانسه، بیکاری در کارخانه رنو

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۹ نوامبر مدیریت کمپانی تراکتور سازی رنو اعلام کرد که قصد دارد تعداد زیادی از کارگران را اخراج کند اتحادیه در یک نامه اعتراضی به دولت این تعداد را ۲۵۰۰ شغل که به معنای ۱۵ درصد کاهش نیروی کار است، اعلام کرد. به گزارش تایمز مالی، کمپانی رنو امسال یک میلیارد فرانک ضرر کرده است. اتحادیه های "ت ا فا" و "ت ویت" در نامه ای خطاب به دولت و وزیر کار خواسته اند که راه دیگری جز بیکاری کارگران جستجو شود. این اولین باری نیست که شغل ها از بین میروند. سال گذشته ۱۰۰۰ شغل حذف شد و امسال نیز بیکاری موقت وجود داشت و کارگران یک هفته در ماه به اجبار کار نمی کردند. اگر امسال نیز تعداد فوق بیکار شوند تیزی کار این کمپانی در دو سال گذشته ۳۰ درصد کاهش یافته است. هم اکنون ۱۰/۳ درصد نیروی کار فرانسه بیکار است و انتظار می رود که این رقم افزایش پیدا کند. □

#### پیشنهاد انحلال شورای تعیین دستمزده توسط دولت انگلستان

چند هفته به تاخیر افتاده است. این لایحه شامل از بین بردن شورای تعیین دستمزدها و تغییراتی در حدود اختیارات اتحادیه از قبیل اخطار یک هفته ای از طرف اتحادیه به کارفرما در مورد شروع اعتصاب است. وزیر کار بریتانیا، جیلین شپرد در دفاع از این لایحه گفته است که با به اجرا در آمدن آن دست کارفرماها در استخدام کارگران به شکل فردی باز خواهد شد و از این طریق قدرت رقابت شرکت ها افزایش خواهد یافت.

#### استمداد کارگران نانوا در اربیل کردستان عراق از کارگران جهان

دستمزده ما در روز بیش از ده دینار نیست و این درحالی است که شکر کیلویی ۱۵ دینار است. در سایه حکومت "جبهه کردستان" و جلال طالبانی و مسعود بازرانی زندگی ما بهم ریخته است. هر اعتراض ما با جواب مسلحانه اینها روبرو است. ما میخواستیم از این زندگی خلاص شویم. در این راه به کمک و پشتیبانی شما نیازمندیم. شما میتوانید در جلسات و نشرياتان وضع زندگی و مبارزه ما را منعکس کنید و به هر نحو ممکن از ما پشتیبانی کنید. بویژه علیه محاصره اقتصادی اعتراض کنید. ما خواستار آیم که اطلاعیه و نامه اعتراضی شما به دفاتر جبهه کردستان در اروپا و آمریکا ارسال شود و از آنان خواسته شود که حقوق اجتماعی کارگران را برسمیت بشناسند و راه حلی برای مشکلات آنان بیابند. برای همه کارگران جهان آرزوی پیروزی داریم و از صمیم قلب به شما درود میفرستیم. □

#### اخراج ۴۵۰۰ کارگر ولو در سوئد

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۴ نوامبر مدیریت شرکت اتوموبیل سازی ولو اعلام کرد که با بسته شدن دو کارخانه در سوئد ۴۵۰۰ شغل از دست خواهد رفت. این اقدام بعنوان راه حلی برای مقابله با کاهش فروش اتوموبیل در بازار آمریکا، انگلستان و سوئد انجام گرفته است. به گزارش تایمز مالی قرار است کارخانجات واقع در شهرهای اودهوللا و کالمار بسته شوند و از این طریق ۳۵۰ میلیون کرون سوئد صرفه جویی شود. با بسته شدن این کارخانه ها ۱۰ درصد شغل های موجود تا سال ۱۹۹۵ از دست خواهند رفت. کارخانه اودهولا که سال ۱۹۸۹ شروع به کار کرد در بهار آینده و کارخانه کالمار در سال ۱۹۹۴ بسته می شود و ۱۶۰۰ شغل از بین خواهد رفت. علاوه بر این کارخانه تولید تراکتور نیز برای صرفه جویی ۲/۵ میلیارد قرار است ۲۰۰۰ شغل را از بین ببرد. ۵۰۰ شغل دیگر نیز در کارخانه تورشلاندا و چند صد شغل در دو کارخانه کوچکتر نیز از بین خواهند رفت. □

#### مرکز خبری کارگر امروز: روز ۵ نوامبر دولت بریتانیا لایحه ای ارائه کرد که طبق آن پیشنهاد میشود شورای تعیین حداقل دستمزده منحل شود. این لایحه توسط سازمان های کارفرماها مورد حمایت و از طرف یک اتحادیه کارگری مورد مخالفت قرار گرفته است.

به گزارش تایمز مالی این لایحه که قرار بود ۱۶ نوامبر به پارلمان ارائه شود برای

#### مرکز خبری کارگر امروز: ریبوار سلام و هوشیار جلال، دو تن از کارگران نانوا در شهر "ه ولیر" (اربیل) کردستان عراق از طرف کارگران نانوا این شهر با ارسال نامه ای، به اتحادیه های کارگری اروپا و آمریکا و کانادا، خواستار تحت فشار گذاشتن جبهه کردستان برای برسمیت شناختن حقوق کارگران شده اند. در زیر متن این نامه را که یک نسخه از آن برای کارگر امروز ارسال شده است، خواهید خواند.

با درودهای گرم، ما کارگران نانوانی در شهر "ه ولیر" هستیم. در این نامه میخواستیم درباره کار و زندگی خود با شما صحبت کنیم. حدود پنجاه نانوانی در شهر ما هست که در هر کدام نزدیک به ده کارگر کار میکنند. زندگی ما بعلت گرانی و پائین بودن دستمزدها با مشکلات زیادی روبرو است.

#### توده های میلیونی بیکاران

برای کاستن از فشار و سختی که بر دشمن سنگینی می کند، برای دفاع از انسانیت و برای جلوگیری از تکرار فجایعی که هر روزه در نقاط مختلف این جامعه می بینیم و می شنویم، با شعار (تامین معیشتان) از راه پیدا کردن کار مناسب یا معین کردن حقوق ماهانه برای همه بیکاران تا فراهم کردن کار مناسب، همچنین تامین احتیاجات اساسی زیست روزانه مان (خوراک، سوخت، دکتر و درمان...) دور هم جمع شویم. بدین منظور ما جمعی از بیکاران شهر اربیل که بر ضرورت ایجاد تشکل بیکاران واقف بودیم در جلسه ای با شرکت بیش از ۵۰ بیکاران موفق شدیم با تعیین یک کمیته موقت برای ایجاد این تشکل دست بکار شدیم.

#### زنان و مردان بیکار

چاره ما تنها متحد شدن، گرد هم آمدن و دفاع و حمایت از یکدیگر است. دست در دست هم متحدانه به میدان آیم. تشکل توده ای بیکاران را ایجاد کنیم و در جمع و محافل در محل کار و اجتماعاتمان از این وظیفه اساسی صحبت کنیم و حول خواسته های برحقمان که حداقل یک زندگی انسانی هم خواهند بود جمع شویم تا بتوانیم نیروی اجتماعی متحدمان را به میدان آوریم. □

#### اخراج ۲۴۰۰ کارگر در یک شرکت شیمیایی در آلمان

استخدام شده بودند، انجام دهد. مدیریت همچنین میخواهد اضافه پرداختی سالانه کارگران را حذف کند. صنعت مواد شیمیایی در سطح اروپا در حال نزول است و شرکت های مشابه در ایتالیا و فرانسه نیز مانند این شرکت آلمانی عمل کرده اند. تابستان امسال شرکت فرانسوی "الف . اتوجم" کارخانه خود را کلاً تعطیل کرد که به بیکاری تعداد زیادی از کارگران منجر شد. شرکت ایتالیایی انیچم نیز در تلاش است که با شرکت های دیگر ادغام شود تا بتواند به کار خود ادامه دهد. □

#### بمعل آورد، از جمله با چاپ آگهی در روزنامه ها از کارگران خواست که به اعتصاب نپیوندند. در آگهی چنین آمده بود: "گشور در حال پیشرفت است، اعتصاب عمومی روز ۹ نوامبر یک عقب نشینی در این جهت است."

این اولین اعتصاب عمومی کارگران پس از روی کار آمدن دولت پرونیست کاروسل منم بود. قبل از آن کارگران ۱۳ اعتصاب عمومی علیه ریاضت اقتصادی دولت راول آلفونز سازمان داده بودند. دولت در صدد است با تغییر قانون کار در اوایل سال ۱۹۹۳ قدرت رقابت تولیدات آژانتین را به قیمت کاهش دستمزده کارگران و محدود کردن کنترل و اختیارات اتحادیه افزایش دهد. □

#### اطلاعیه تشکل بیکاران اربیل کردستان عراق

تلخیص شده از نشریه: ده نگی بیکاران (صدای بیکاران)، ارگان اتحادیه بیکاران اربیل ترجمه: رسول بناوند

بیکاری، این پدیده شوم و فاجعه آور که هم اکنون اکثریت انسانهای این جامعه را درجنگال خود گرفته جهنم سوزان گرسنگی و پائین ترین سطح زندگی را برایشان همراه آورده است.

جنگ چند ساله ایران و عراق، سپس فاجعه خلیج فارس، محاصره اقتصادی امپریالیستها علیه عراق، همچنین محاصره اقتصادی کردستان از جانب رژیم عراق، زمینه بیکار شدن را هر چه بیشتر فراهم کرده و برای مشروعیت بخشیدن به این پدیده غیر انسانی بهانه مناسبی به دست حاکمان داده است.

بدین ترتیب پتک بحران سرمایه داران زندگیمان را در هم کوفته و فشار و مشقت ما بیکاران را صد بار بیشتر از قبل سنگین ساخته است. یاس و ناامیدی بیکاران را فرا گرفته و فاجعه های مکرر هر روزه زندگی انسان گرسنه و بیکار را می گیرد.

#### مرکز خبری کارگر امروز: بی. ا. اس. ال یکی از بزرگترین شرکت های تولید کالاهای شیمیایی در آلمان اعلام کرده است که سال آینده ۲۴۰۰ کارگر را اخراج میکند و تعدادی از آنها را در کارخانجات دیگر شرکت استخدام می کند.

به گزارش تایمز مالی با اخراج کارگران تعداد کارگران این شرکت به ۴۵ هزار نفر میرسد. مدیریت قصد دارد کاهش نیروی کار را از طریق بازنشستگی و عدم استخدام مجدد کارگرانی که برای دوره محدود

#### باقیه از صفحه اول اعتصاب عمومی در آژانتین

اکثر کارخانجات با اعتصاب خود یا کار را خوابانند و یا دست به کم کاری زدند. اعتصاب در شهر کوردوبا (سومین شهر بزرگ آژانتین) ۹۰ درصد تولیدات و خدمات را فلج کرد. دولت در صدد است در قانون کار تجدید نظر کند و به گفته اتحادیه از جمله مفاد آن سهل تر کردن اخراج کارگران و پس گرفتن کنترل صندوق رفاه اجتماعی از اتحادیه است. از دیگر اقدامات دولت که مورد اعتراض کارگران است افزایش دستمزده به نسبت بارآوری کار است و نه تورم. تا چند روز قبل از اعتصاب دولت تمام تلاش خود را برای جلوگیری از اعتصاب

# کارگزار امروز

## علی جوادی هماهنگ کننده کمیته کارگری ایران در آمریکا

# مسئله اساسی، حرکت این فعالیت از درون جنبش کارگری است

**کمیته کارگری ایران** در آمریکا نزدیک به سه سال قبل با انتشار یک نشریه انگلیسی زبان بنام "همبستگی کارگری" فعالیت خود را آغاز کرد. با فعالیت این کمیته تا کنون اتحادیه های کارگری متعددی در آمریکا به سیاست های ضد کارگری جمهوری اسلامی اعتراض کرده اند و با تصویب قطعنامه هایی

**اهداف کمیته کارگری ایران در آمریکا چیست؟**

هدف کمیته عمدتاً در سه زمینه است: ۱) جلب همبستگی متقابل کارگران ایران و آمریکا ایجاد همبستگی بین المللی، ۲) دادن اطلاعات درباره زندگی روزمره و مبارزات کارگران ایران به کارگران آمریکا، ۳) و جلب حمایت کارگران آمریکا از مبارزات کارگران ایران.

**کارهای کمیته کارگری ایران را چگونه می توانید؟**

از ابتدا فعالیت کمیته را با شرکت در مبارزات کارگری آمریکا یکی دیدیم. بطور مرتب و مستمر در فعالیتهای و مبارزات کارگری آمریکا بدون چشم داشت شرکت کردیم و بیدریغ از آنها حمایت کردیم و بطور واقعی نشان دادیم که امر دفاع از مبارزات کارگری کشوری که در آن زندگی می کنیم، امر روزمره ماست. حمایتیهای مادی که می توانستیم جمع آوری کنیم را کردیم. بالطبع بدنبال این نوع فعالیت توانستیم حمایت فعالین کارگری آمریکا را برای امری که بخشی از مشغله ذهنی ما را تشکیل می داد جلب کنیم. در ابتدای امر، فعالین کارگری اینجا کمکهای بسیار زیادی به ما کردند. شماره های اولیه نشریه "همبستگی کارگری" اساساً توسط این فعالین کارگری تنظیم و منتشر شد. آنها ظرایف کار را به ما نشان دادند، چگونگی و مکانیزم های کارکرد در جنبش کارگری آمریکا را برای ما روشن کردند، امکانات مادی و معنوی و روابط خودشان را در اختیار ما قرار دادند. تقریباً ما را در یک سکوی پرشی قرار دادند که بتوانیم بطور واقعی بر مبنایش آن شروع به حرکت کنیم. فکر می کنم اگر این حرکت وجود نداشت، اگر آن امکانات اولیه ای که این رفقای کارگر در اختیار ما قرار دادند نبود، امروزه نمی توانستیم در این موقعیت فعلی باشیم.

**با توجه به اینکه در فعالیت جلب همبستگی کارگری بین کارگران ایران و**

همبستگی خود را با خواستها و مبارزات کارگران ایران اعلام داشته اند. بایک فراهانی از همکاران کارگر امروز در آمریکا با علی جوادی هماهنگ کننده کمیته کارگری ایران در آمریکا درباره اهداف، چگونگی تشکیل و فعالیتهای این کمیته گفتگویی داشته است که بخشهایی از آنرا خواهید خواند.

**آمریکا قبلاً فعالیتی نشده بود، فکر نمی کنید بهتر بود ابتدا تشکیلات و کمیته فعال را راه اندازی می کردید و بعد دست به انتشار نشریه می زدید؟**

ببینید هیچ سابقه ای از کار و فعالیت در این عرصه وجود نداشت. از طرف دیگر تصویر عمومی که از ایران توسط رسانه های عمومی ارائه میشد و میشد جامعه ایران را یک جامعه فئادیک و مذهبی نشان میداد. در صورتی که چنین نیست. جامعه ایران مثل هر جامعه دیگری یک جامعه سرمایه داری است و محور آنرا مناسبات و مبارزات کار و سرمایه تشکیل می دهد. ما در درجه اول قصد داریم این تصویر را بشکنیم و به کارگران آمریکا نشان بدهیم که جامعه ایران و کارگران ایران با همان مسائل و معضلاتی مواجه است که کارگر اینجا با آن روبروست. این کار را با روابط فردی و تک تک نمی توان انجام داد. یک نشریه می تواند پیام آور یک حرکت در ابعاد وسیع باشد اوضاع جامعه کارگری ایران و مبارزات آنها را در ابعاد بسیار وسیعتری از اینکه بطور فردی بتوان به آنها دسترسی داشت، منعکس کند. از طرف دیگر ما با کمبود نیرو مواجه ایم. عامل انسانی این حرکت بسیار محدود است. کسانی که خودشان را در این امر درگیر و دخیل کنند محدود است. لذا روی آوری به ابزارهای اجتماعی که بتواند امر ما را در سریعترین فرصت پیش ببرد، لازم بود. نتیجتاً نشریه آن عاملی شد که بتواند اهداف ما را هر چه سریعتر فراهم بکند.

**مخاطبین نشریه چه کسانی هستند. شما نشریه را منتشر کرده اید، از کجا می توانستید مطمئن باشید که نشریه پست آن آدمها و فعالینی که شما مد نظرتان هست می رسد؟**

مخاطبین نشریه فعالین جنبش کارگری در آمریکا هستند. اطمینان ما برای رسیدن نشریه بدست این فعالین، توزیع آن در بین فعالین جنبش کارگری اینجا بود. بیش از ۵۰ فعال جنبش کارگری آمریکا که در سطح کشوری شناخته شده هستند رسماً و علناً از ما حمایت مادی و معنوی کردند. آنها با قرار دادن امکانات و روابط خودشان تضمین کردند که نشریه بدست فعالین

حمایت طبقاتی کارگران را برای کارگران ایران و یا بالعکس جلب کنیم. علاوه از طرف رهبری اتحادیه های کارگری با فشاری روبرو نشدیم. چرا که در درجه اول نشان دادیم که بطور واقعی در کنار مبارزات کارگری در هر زمینه ای که وجود داشت هستیم و امکانات مادی خودمان را بدون هیچ چشمداشتی در پیشبرد امر آن مبارزه قرار دادیم. چه این مبارزه توسط اپوزیسیون اتحادیه رهبری شده باشد و چه توسط اتحادیه ها بطور رسمی. به این اعتبار زمینه ای را فراهم کردیم که مانع آن شد که رهبری اتحادیه ها بتوانند حمایت خودشان را از ما منع کنند.

مسئله ای که خواستم تذکر بدهم اینست که ما هیچوقت ابتدا به ساکن برای جلب همبستگی و حمایت بسراغ رهبری اتحادیه ها نرفتیم. ما همبستگی را امر طبقاتی و مبارزاتی دیدیم و معنی کردیم و در مبارزات و پیکتهای کارگران شرکت کردیم. از این طریق و از این کانالها بود که توانستیم همبستگی هر چه بیشتر را تقویت کنیم که شکل نهایی بروزش تصویب قطعنامه های متفاوت علیه جمهوری اسلامی و شرکت ما در مجامع مختلف کارگری شد. به این اعتبار ما در رابطه با رهبری اتحادیه ها با مشکلاتی که شما مد نظرتان است مواجه نبودیم.

**راجع به ارتباط با فعالین کارگری سوسیالیست و چه صحبت کردید. روابط شما با سازمانهای چه آمریکا چگونه بوده است؟ یا از برای چه بنام چه و کمیونست در آمریکا فعالیت می کنند رابطه ای دارید؟**

اصولاً روابط ما با سازمانهای چه رابطه ای بین دو سازمان چه متفاوت نیست. ما یک تشکل کارگری هستیم که اهداف معین و اعلام شده ای دارد. مشخصاً تلاش ما بیشتر صرف ایجاد ارتباط با سازمانهایی شده است که بیشتر درگیر فعالیت کارگری بودند.

**ایرانیان مهاجر در آمریکا و احیانا کارگران ایرانی که در آمریکا اقامت دارند (قا چلیی که از کار کمیته کارگری ایران مطلع بودند)، نسبت به فعالیت این کمیته چه عکس العمل نشان داده اند؟ آیا از همکاری کارگران ایرانی مهاجر برخوردار شده اید؟**

این یکی از نقطه ضعفهای این کمیته است. نشریه ما نشریه انگلیسی زبان و مخاطبان فعالین کارگری در درون اتحادیه های جنبش کارگری آمریکا است. ما نیروی محدود خودمان را در جهت این امر متمرکز کردیم. از این زاویه می توانیم بگویم که پیشرفت آنچنانی و تمرکز آنچنانی برای جلب فعالین کارگری ایران که اینجا هستند و یا کارگران ایرانی علی العموم صورت نگرفته است.

اما در ارتباط با جنبش کارگری اینجا استقبال وسیعی از ما شده است. از ما برای شرکت در مجامعشان دعوت میکنند. بطور مثال در کنگره های اپوزیسیونهای کارگری اینجا شرکت کردیم، در کنگره "تیو دایرکشن" (اپوزیسیون رسمی و علنی درون اتحادیه کارگران اتومبیل ساز آمریکا)، در

جنبش کارگری برسد و سخن ما در ابعاد وسیعتری در جنبش کارگری انعکاس یابد. مسئله اساسی اینجا بود و هست که این فعالیت دارد از درون جنبش کارگری حرکت می کند. مطالب نشریه "همبستگی کارگری" که ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ نسخه تیراژ دارد علاوه بر اخبار روزمره مبارزات کارگری، انعکاسی از زندگی و مشکلات و مسائل روزمره و واقعی کارگران در ایران است. این نشریه تا بحال در روابط بسیار گسترده ای پخش شده و دریافت کنندگانش اساساً فعالین رادیکال و سوسیالیست جنبش اتحادیه ای در آمریکا هستند.

**رابطه این کمیته با اتحادیه های کارگری آمریکا چگونه است. اشاره کردید که دریافت کنندگان نشریه اساساً فعالین سوسیالیست و چه اتحادیه ای هستند. آیا اینها تنها رابطین شما هستند؟ آیا بخشی غیر سوسیالیست و غیر چه جنبش اتحادیه ای ارتباطی ندارند؟ اصولاً فکر نمی کنید عدم تماس گهرو با رهبری رسمی جنبش اتحادیه ای شما را از جلب همبستگی گسترده محروم می کند؟**

ما مجبور نیستیم که در نشریه موضع خود را در قبال اتحادیه ها روشن کنیم. این سوالاتی است که در سطح اجتماعی و در یک موقعیت و مکان دیگری باید به آن پاسخ داد. ما بیش از تشکل که امرش ایجاد همبستگی بین المللی کارگران است از هر کسی که از این امر دفاع بکند استقبال می کنیم. در نتیجه ما از این نیرو چه رهبری اتحادیه ها (با تمام نواقصی که می توانند داشته باشند) و چه اپوزیسیون اتحادیه ها استقبال می کنیم. فکر می کنم کارگران ایران و یا هر کارگری که امر دفاع از مبارزات خودش اینطور نگاه می کند. در درون جنبش کارگری گرایشهای مختلف اجتماعی مطرح هستند و فعالیت می کنند. گرایشهای حاکم بر رهبری اتحادیه های آمریکا عمدتاً خودش را به افق حزب دمکرات نزدیک میکند و می گوید نیروی کارگران را در کنار آن حزب و آمل و آرزوهای آن قرار بدهد. گرایش رفرم در اتحادیه ها هم که یک گرایش قوی است وجود دارد. گرایش سوسیالیستی ضعیفتر است و در بیشتر اوقات تحت الشعاع گرایش رفرم در اتحادیه ها است. به همین دلیل استقبالی که در جنبش کارگری آمریکا از ما بعمل می آید بسته به گرایشهای مختلف متفاوت است. فعالین رادیکال جنبش کارگری از فعالیت ما استقبال بیشتری کردند، بخصوص اینکه نوع فعالیت و حمایتی را که ما دنبال هستیم صرفاً حمایت اتحادیه ای نیست، بلکه یک حمایت طبقاتی است. ما صرفاً نمی خواهیم کارگران یک رشته معین از کارگران یک رشته معین دفاع کنند، بلکه می خواهیم

خشونت آمیز بکار برده میشود و انسانها علناً مورد تجاوز قرار میگیرند و شکار میشوند. در این میان بی تفاوتی و عدم علاقه به مقابله با خشونت علیه خارجیها هر روز بیشتر خود را نشان میدهد. احساس همدردی پنهانی و حتی گاه آشکار در مقابل عاملان این خشونتها اینجا و آنجا پچشم می خورد. این هواداران اعمال خشونت آمیز در حقیقت شرکای جرم عاملان اصلی هستند.

برای دشمنی با خارجیها هیچگونه توجیهی وجود ندارد. عاملان خشونت علیه خارجیها مجرم هستند و با آنها باید مانند جنایتکاران رفتار شود و تحت تعقیب قرار بگیرند. ما همه انسانهای دمکرات را فرا می خوانیم که علیه این خشونت بپاخورند. خارجیها متوقف نگردد، آنچنانکه تاریخ نشان داده است، خشونت قربانیان جدیدی جستجو خواهد کرد! امروز همشهریان

کنگره "تی دی یو" (اپوزیسیون رسمی و علنی درون اتحادیه رانندگان کامیون). ما در مجامع مختلف شرکت کردیم و سخنرانی کردیم. از طرف برخی از مجامع برسمیت شناخته شدیم و از ما خواستند که مطلب در اختیارشان بگذاریم تا بتوانند علیه جمهوری اسلامی و قوانین کار ایران مطلب بنویسند و افشاکاری بکنند.

**با چه مشکلات و موانعی روبرو بودید و هستید؟**

مشکلات عمومی ما در این جامعه جدا از مشکلاتی که امر مبارزه کارگری در این جامعه دارد، نیست. حمله ای که امروزه کل بورژوازی به کارگر کرده است، ضعف و عقب نشینی که امروزه به جنبش کارگری مستولی شده است، اینها از جمله موانعی هستند که ما بطور علی العموم با آنها مواجه ایم. هر قدر جنبش کارگری ضعیفتر باشد، در اقلیت بسر ببرد، امتیزه شده باشد، و تعداد کارگران بیکار بیشتر باشد، موانع کار ما نیز بیشتر است.

در سطح دیگر، ما اخبار مبارزات کارگری ایران را در اختیار کارگران آمریکا قرار میدهیم و میکوشیم حمایت مادی و معنوی دو طرف را از یکدیگر جلب کنیم. بخاطر اختناق حاکم بر ایران هم بخوبی نمی توانیم اخبار روزمره اعتراضات را بطور روزمره و وسیع و زنده در اختیار کارگران آمریکا قرار بدهیم و هم بسادگی نمی شود هیئت های بازرسی کارگری را به ایران اعزام کرد تا بتوانند شرایط کارگران و بی حقوقی آنها را خودشان از نزدیک ببینند.

**بطور کلی آینده کار کمیته کارگری ایران چگونه می بینید؟**

فعالیتی که در جلو ما قرار دارد اینست که هر چه بیشتر به فعالیت خود ابعاد همه جانبه تر و بین المللی تری بدهیم. با تشکیل کمیته بین المللی همبستگی با کارگری ایران قدم بسیار بزرگی را در این زمینه برداشته شده است. باید فعالیت های خود راهسوز، یکدست و همجهت کنیم و اهداف بالاتری را در مقابل خود قرار بدهیم. باید تلاشهای بین المللی که تا بحال صورت گرفته را متمرکز کنیم زمینه ای باشد برای اخراج شوراهای اسلامی و جمهوری اسلامی از مجامع بین المللی کارگری. در هیچ زمینه ای جنایتکاران جمهوری اسلامی نباید حق داشته باشند در مجامع کارگری بعنوان نمایندگان کارگران ایران شرکت کنند.

باید شرایطی بوجود آورد که فعالین و جنبش کارگری ایران بدانند که هنگام اعتراض و مبارزه در ایران از یک پشتیبانی کارگری بین المللی برخوردارند. شرط فراهم کردن این موقعیت تنگ کردن عرصه شرکت و حضور شوراهای اسلامی و جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی کارگری است.

علاوه باید مبارزه کنیم تا بتوانیم فعالین کارگری ایران را در هیئتهای مختلف دعوت کنیم به اروپا و آمریکا و کانادا بیایند و با فعالین جنبش کارگری و تشکلهای کارگری این کشورها جلسات مشترکی برگزار کنند و با تجربیات هم آشنا شوند.

خارجی ما قربانی آنند، فردا می تواند یهودیان باشند و پس فردا شاید اتحادیه های کارگری دشمنی با خارجیها تنها به خارجیها ضربه نمی زند بلکه همه ما هم صدمه خواهد زد. تحقیر انسانها و انسانیت و دشمنی و نفرت پایه های زندگی مشترک ما را هم نابود خواهد کرد!

**چه کسی گناهکار است؟**

نگرانی انسانها، که دشمنی با خارجیها از سوی آنان سر می زند، می بایستی جدی گرفته شود. اما ما بهیچوجه نباید اجازه بدهیم که خارجی بعنوان گناهکار این وضعیت و مشکلات معرفی گردد. آنها اصلاً گناهی در این رابطه ندارند. با یک سیاست عدالت اجتماعی میتوان عوامل نفرت و خشونت را نابود کرد و علیه بیکاری وسیع مبارزه کرد، کمبود مسکن را تعدیل نمود و عدم امنیت اجتماعی و بی آینده ای این انسانها را از بین برد. این

پیاخیزند. در این فراخوان آمده است که اتحادیه سراسری کارگران آلمان خواهان حفظ بی قید و شرط و نامحدود حق پناهندگی سیاسی (ماده ۱۶ قانون اساسی) است. در زیر متن کامل این بیانیه را خواهید خواند.

**فراخوان اتحادیه های کارگری آلمان علیه دشمنی باخارجیها**

## اکنون زمان مقاومت فرا رسیده است

از نشریه: متال، ارگان اتحادیه کارگران فلز آلمان

**مرکز خبری کارگر امروز:**

با موافقت حزب سوسیال دمکرات آلمان با تغییر ماده مربوط به حق پناهندگی در قانون اساسی این کشور و بدنبال موج جدیدی از حملات گروههای فاشیستی به خارجیها در آلمان اتحادیه های کارگری این کشور طی یک فراخوان از میلیونها نفر عضو خود و همه انسانهای دمکرات خواست تا علیه خشونت علیه خارجیها

واقعی است که هنگامی که شرایط زندگی در مناطق جنگ زده مشکلتر می شود کسانی که از نظر اجتماعی ضعیف تر هستند بار مضاعفی را بدوش می کشند و برای فرار از این وضعیت حتی به رقابت بر میخیزند و بهر دری میزنند. اگر علل اصلی فرار و مهاجرت از بین برده نشود، حتی اگر حق پناهندگی هم حذف شود نمی توان مانع امر مهاجرت و پناهندگی شد. اتحادیه سراسری کارگران آلمان (دی.جی.بی) خواهان حفظ حق بی قید و شرط و نامحدود حق پناهندگی سیاسی (ماده ۱۶ قانون اساسی) است. برای انسانهایی که از مقابل خطرات جانی و زندگیشان فرار می کنند بایستی بیک قانون مهاجرت مناسب دست یافت که بطور قانونی شرایط مهاجرت را تعیین کند. ما می خواهیم با انسانهای دیگر ملیتها زندگی و مشترکاً کار کنیم. ما تنها بکمک یکدیگر آینده خواهیم داشت. اکنون زمان آن فرا رسیده که برای آینده مشترک شجاعانه وارد عمل شویم.

# کارگاه امروز

## کنگره هفدهم اتحادیه فلز کاران آلمان، یک کنگره سیاسی

رضا پایا

هفدهمین کنگره عادی اتحادیه فلزکاران آلمان (ا.ا.گ.متال) از دهم تا هفدهم اکتبر ۹۲ در شهر هامبورگ برگزار شد. در این کنگره که در حقیقت اولین کنگره واحد کارگران فلز دو بخش آلمان بعد از وحدت بود، و بنام "کنگره واحد" نامگذاری شده بود، برای اولین بار ۷۷۰ هیئت نمایندگی از شرق و غرب آلمان شرکت کردند.

در مباحث این کنگره کمتر مسائل قراردادی های دسته جمعی و دستمزد مطرح شد. موضوعات محوری بحثهای کنگره "پیمان همبستگی" پیشنهادی صدر اعظم آلمان، تضییع برنامه ریزی شده حق پناهندگی، رشد نئونازیسم و راست افراطی در آلمان و غیره بود. کنگره هفدهم اتحادیه کارگران فلز آلمان را می توان یک کنگره سیاسی نامید. محور اصلی سخنرانی افتتاحیه کلاوس تسویکل، معاون دبیر کل اتحادیه فلز، نگرانی در مورد مسائل ناشی از وحدت دو آلمان که هر روز بیشتر گریبان کارگران را می گیرد، درگیری خونین در اروپای مرکزی و رشد چشمگیر راست افراطی بود. فرانتس اشتاین کولر، دبیر کل اتحادیه فلز، در گزارشی هیئت رئیسه به کنگره، بسختی حکومت آلمان را مورد انتقاد قرار داد. او تاکید کرد که سیاست اقتصادی و اجتماعی حکومت فدرال، شکاف بین شرق و غرب آلمان را وسیعتر و دره میان بالائی ها و پائینی ها را عمیق تر کرده است. وی ضمن بحث درباره اوضاع درهم ریخته اقتصادی و صنعتی در شرق آلمان پیشنهادهای قبلی ا.ا.گ. متال را خاطر نشان کرد که از نظر وی می توانست باعث تضمین محلهای کار و رسیدن به رشد اقتصادی در شرق آلمان گردد. در حالی که دولت آلمان با سیاست کور و افراطی بازار و با کمک بنیاد غول پیکر فروش کارخانجات دولتی همه چیز را از هم پاشید. اشتاین کولر در این گزارش همچنین این "سو تفاهم" را که گویا ا.ا.گ.متال از توافق مرحله ای بر سر برابری دستمزدها در

شرق و غرب آلمان کوتاه آمده است، رد کرد.

از سوی دیگر چون اشتاین کولر قبل از کنگره اخیر و نیز در گزارش هیئت رئیسه اتحادیه آمادگی خود را برای شرکت در "پیمان همبستگی" با شرکای حکومتی و سرمایه اعلام کرده بود، بسیاری از هیئتهای نمایندگی در کنگره یک چنین باصطلاح "پیمان همبستگی" را تماما رد کردند.

دبیر کل اتحادیه متال در این مورد بار دیگر تاکید کرد که اتحادیه فلز تا هنگامی که حکومت آلمان تهاجم به خودمختاری اتحادیه در مذاکره بر سر قراردادهای دستجمعی و ایجاد شکاف در قراردادهای دستمزد را از برنامه اش حذف نکرده است، در پیمان همبستگی پیشنهادی هلنوت کهل شرکت نخواهد کرد!

دبیر کل اتحادیه کارگران فلز در پایان گزارش به کنگره، ضمن اشاره به جریانات اخیر در آلمان و رشد جریانات نئونازیستی، تاکید کرد که اتحادیه متال یک مبارزه بی امان را علیه راست افراطی پیش خواهد برد و با تمام نیروی خود در دفاع از بند ۱۶ قانون اساسی "سیاسیون تحت تعقیب حق پناهندگی در آلمان کسب خواهند کرد"، خواهد ایستاد. پس از پایان گزارش اشتاین کولر، نمایندگان عضو هیئتهای کارگری درباره آن بحث کردند. بخصوص نمایندگان اتحادیه از بخش شرقی آلمان این گزارش را مورد انتقاد قرار دادند.

یکی از نمایندگان بخش شرق آلمان ضمن انتقاد از بی عملی اتحادیه در برابر موج اخراجها گفت: "بعد از دومین و سومین موج اخراج و هنگامی که تقریباً تمام شرکتهای خرد از کار افتادند، برای شوراها کارخانه در شرق آلمان یک موقعیت بسیار بدی پیش آمده است. اعضای شوراها در محل با آدمهایی روبرو می شوند که همه بر ضدشان هستند و معتقدند که می شد با یک مبارزه صحیح و با نقشه کارگاه هایشان همچنان فعال باقی بمانند و اکنون میسرند که چرا تازه حالا که اغلب صنایع

خوابیده شروع به آکسیون کرده اید و چرا از اولین موج بیکارسازیها آکسیون خود را شروع نکردید؟

یکی دیگر از فعالین اتحادیه که در جلسات کنگره بعنوان سخنگوی اپوزیسیون رهبری شناخته شده است و در انتخابات هیئت مدیره رای کافی نیارود، اوتو کوپینگ از شهر هاتینگن بود. او ضمن اشاره به وضع کارگران در شرق و غرب آلمان و بیکارسازیهای وسیع و تخریب اجتماعی، نقش اتحادیه را مورد انتقاد قرار داد و خواهان اتخاذ یک سیاست تعرضی از سوی اتحادیه شد. او گفت "با نگاهی به فاجعه اقتصادی و اجتماعی در شرق آلمان مشکلات اقتصادی در غرب باز دیگر نقش کلاسیک اتحادیه بعنوان حافظ منافع کارگران مفهوم خاص خود را پیدا می کند. این باصطلاح "پیمان همبستگی" که از سوی ائتلاف دولتی مطرح شده و بر طبق آن قرار است بار بازسازی و بحران اقتصادی بر دوش حقوق بگیران بیافتد، فقط زمانی می تواند مطرح باشد که اتحادیه ها استقلال خود را و نیز علاقه به نمایندگی کردن منافع کارگران را از دست داده باشند.

بنابراین اتحادیه نه می تواند و نه مجاز است که استراتژی ای را در پیش بگیرد که بار بحران مالی بر دوش کارگران در شرق و غرب بیافتد. وی افزود "ما باید عملکرد حفاظتی کلاسیک اتحادیه را با یک سیاست تعرضی اتحادیه ای همراه سازیم. و این سیاست نه فقط در مورد حفظ محلهای اشتغال، بلکه همچنین در رابطه با سیاست تعرفه ها و نیز مبارزه علیه بیکارسازیهای وسیع توده ای باید تعرضی باشد."

یکی دیگر از نمایندگان در این مورد گفت: "چرا امروز اینها یک چنین "پیمان همبستگی" را با پیشنهاد می کنند؟ چون سیاستهایشان به آخر خط رسیده است و حالا کمک ما را لازم دارند. هر کس می خواهد با ما کارگران پیمان ببندد باید ابتدا بند ۱۱۶ قانون کارخانه را لغو کند و حق نامحدود ما را در اعتصاب مجدداً مستقر سازد. ما بدون این مقدمه اگر بسمت انعقاد یک پیمان برویم، عملاً خود را در خطر قرار داده ایم و با شیطان پیمان بسته ایم." بند ۱۱۶ قانون کارخانه به کارفرماها اجازه می دهد در صورت اعتصاب، بخشهای دیگر همان رشته تولید را تعطیل کند و بار آنرا بر دوش صندوق

اتحادیه بگذارد. گرد بروکنر از شهر ارفورت "همبستگی" را علیه دشمنان کارگران ضروری دانست و نه با مخالفان کارگرا. یکی از کارگران ترک بنام علی حیدر گلوم از شهر هاگن، هرگونه "پیمان بستن" را مردود شمرد و گفت: "ما باید از هر گونه انعقاد پیمان و همکاری با برنامه های دولت جلوگیری کنیم. کارگران با موله مان (وزیر اقتصاد) و شرکا که می خواهند پوست ما را بکنند پیمانی ندارند که ببندند!" او سپس با اشاره به پی آمدهای چنین پیمانی تاکید کرد که کاهش دستمزدها (که در طرح دولت آمده) بهیچوجه محلهای اشتغال ما را تضمین نمی کند. ما نباید قدمی از درخواستهای خود برای افزایش دستمزدها کوتاه بیاوریم. ما علیه چنین پیمانی با تمام کسانی که در شرق و غرب، آلمانی و غیرآلمانی هستند، همبستگی خواهیم داشت."

پس از بحث نمایندگان درباره گزارش هیئت رئیسه که اکثراً مخالف پذیرش "طرح همبستگی" بود، اشتاین کولر در سخنان خود ابتدا با اظهار خوشبختی از سخنرانی اکثر نمایندگان که در مورد مسئله پناهندگی و علیه ضدیت با خارجها صحبت کرده بودند، گفت این بحثها بوضوح نشان داد که اگر مثال در آینده هم موضع خود را در مورد مسئله پناهندگی تغییر نخواهد داد. تاریخ بما آموخته است که حقوق انسانها تفکیک پذیر نیست و تا هنگامی که اگر مثال می تواند مبارزه کند، موضع خود را در این باره تغییر نخواهد داد. وی سپس در دفاع از سخنان روز پیش خود در رابطه با "پیمان همبستگی" پیشنهادی حکومت هلموت کهل و شرکا گفت "من دیروز توضیح دادم که اگر مثال تحت شرایطی برای پذیرش یک پیمان همبستگی آماده است و امروز پاسخ خود را از وزیر اقتصاد آلمان - موله مان شنیدیم که نه تنها خواهان حذف قراردادهای دستمزد در شرق آلمان بلکه نیز در غرب شده است. تنها هنگامی که خودمان در مذاکره یا کارفرماها بر سر قراردادهای پیمانی، موله مان می تواند متناسب آن قانون را از شکل بیاندازد!" او سپس به اختلاف نظر در حکومت آلمان اشاره کرد و گفت ظاهراً در حکومت مرکزی آلمان، اختلاف آشکاری بچشم می خورد، هلموت کهل برای "پیمان همبستگی" تبلیغات می کند و

"موله مان" در آن خرابکاری می کند! من از همینجا می خواهم که حکومت روشن کند که اصلاً هدفش چیست؟ چه کسی یک پیمان همبستگی لازم دارد؟ در شرق راه کارخانه بر روی ما بسته شده است، بیکاری وسیع حاکمیت دارد، هیچ کس سرمایه گذاری نمی کند، راست افراطی بمیدان آمده و بی اقلی خود را بر ما تحمیل کرده است! آیا کارفرماها یک پیمان همبستگی لازم دارند؟ آنها هرگز لازم ندارند، آنهاهی که "پیمان همبستگی" لازم دارند، ما هستیم، اگر ما از کنار آن بی تفاوت بگذریم، چه اتفاقی می افتد؟ آنوقت هم چنانکه در گذشته هم پیش آمد، کارگران در شرق ملزومات تحول اجتماعی را از دست خواهند داد و وضعشان خیلی بدتر از این خواهد شد."

بدین ترتیب اشتاین کولر، همچنان که در گذشته بارها عمل کرده بود، در سخنان خود کوشید با قائل شدن اختلاف بین جناحهای حکومت و ترساندن کارگران از اینکه اگر به طرحهای حکومت گردن ننهیم، هیچگونه سرمایه گذاری در شرق صورت نخواهد گرفت و ابعاد بیکاری باز هم وسیعتر خواهد شد، بزرگترین اتحادیه جهان با بستن سازش بیشتر با طرحهای حکومتی و گردن گذاردن به شرایط تهاجم سرمایه داران و دولت بکشاند.

در حقیقت طرح دولت که از یکسو بار مالیاتها بر دوش کارگران کل آلمان و بخصوص در غرب را افزایش می دهد و از سوی دیگر برای کارفرماها معافیت مالیاتی بیشتری قابل می شود، خواستار اینست که کارگران از افزایش دستمزد چشم پوشی کنند و در برخی از رشته ها حتی تن به کاهش دستمزدها بدهند. دولت تمام این طرحهای ضدکارگری را زیر عنوان "پیمان همبستگی" برای ساختن شرق عرضه کرده است.

کنگره فلز کاران آلمان، نشان داد که علیرغم تمایل رهبری اتحادیه برای سازش با حکومت و سرمایه داران، پایه های اتحادیه، بخش وسیعی از فعالین آن و حتی مسئولین محلی اتحادیه مخالف عقب نشینی و از دست کشیدن از مبارزه هستند. صنایع فلز و اتحادیه کارگران فلز آلمان دوران سختی را پیش رو دارند. بحران اقتصادی اوج گرفته است. صنایع ماشین

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۳

## نگاهی به مسائل و مشکلات کودکان ایران

مردم ما کاملاً قبول نکرده اند که کودکان می توانند از سنین پایین پا به پای بزرگترها کار کنند، و عرق بریزند. اما کارهایی که بر دوش کودکان می گذاریم چیزی نیست به غیر از دست بردن به دنیای واقعی آنها و به عبارت دیگر تجاوز به حریم آنها. کار کودکان یعنی تداخل و برهم زدن دوران طلایی آنها و پرتاب کردن آنها به دنیای بزرگسالی. اثرات سوئی که کارهای همیشگی و دایم بر روی کودکان می گذارند آنچنان گسترده است که می تواند هر کدام از آنها مورد پژوهش و بررسی قرار بگیرد. ابتدایی ترین و در عین حال غم انگیزترین تاثیر، جدا شدن و دور ماندن از فضای آموزشی است. کودکانی که کار میکنند در قدم اول از مدرسه جدا میشوند و یا این که هرگز امکان راه یافتن به مدرسه را پیدا نمی کنند. آن دسته از کودکانی که مدرسه را توأم با کار دارند. خستگی ناشی از کار و قرار گرفتن در جریان زندگی عملاً بازدهی آنان را بسیار کم میکند. این در حالی است که درس خواندن و امکان آموزش از ابتدایی ترین حقوق هر کودک است و قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت را موظف کرده است که برای پاسخ دادن به این نیازهای ضروری تلاش کند.

دومین تاثیر سو کار کودکان اختلال در سیستم بدنی آنهاست. کودکانی که ساعتها پشت دارقالی می نشینند، کودکانی که با زحمت فراوان گونی های خاک را از چاه بالا می کشند، کودکانی که بارهای سنگین را بلند می کنند، کودکانی که ساعتها به دور از نور خورشید در کارگاههای نمور و تاریک پشت دستگاههای گوناگون کار می

کنند، همه و همه سبب می شوند که اینان از نظر جسمانی دچار مشکل شوند. چشمانی ضعیف، بدنی نحیف و مجاله شده. استخوانهایی نرم، آسم، سل و اختلال در سوخت و ساز بدن بارزترین ارمغان این نوع کارهاست که همگی آنها در نهایت موجب پیری زودرس در بین این کودکان می شود. وقتی کودک ۶ ساله ای به عنوان قالی باف ماهر معرفی می شود، آیا در ۱۶ سالگی توان کار کردن را دارد؟ آیا اصلاً به چنین سنی می رسد؟

تاثیر سو دیگر اختلال در نظام روانی آنهاست. کودکان ما با حضور در کارگاهها و یا اصولاً حضور در بازار کار در فضایی قرار می گیرند که هیچ تجانس با دنیای واقعی آنها ندارد. آگاه شدن با دنیای بزرگسالی و با مشکلات آن و همچنین آشنا شدن با پیچ و خمهای زندگی باعث رشد کاذب در بین کودکان می شود. به عبارت دیگر باعث می شود که قبل از طی کردن دوران کودکی و نوجوانی بزرگ شوند. این همان چیزی است که به آن رشد کاذب می گوئیم. گذراندن منطقی مراحل رشد و پرتاب شدن به مرحله ای دیگر، مشکلات روانی از جمله افسردگی و روان آزردگی این گونه کودکان را در بزرگسالی دامن می زند.

همچنین قرار گرفتن کودکان در محیط بزرگسالان، آنها را هر چه بیشتر برای بزهکاری آماده می سازد. چه تضمینی هست که کارگران بزرگسال یک کارگاه مسایل اخلاقی را در نزد کودکان رعایت کنند؟ همین حضور موجب می شود که کودکان با مسایلی آشنا شوند که برای دانستنش باید سالها صبر کنند و به

عبارت دیگر از مراحل منطقی بگذرانند. این آگاهی زودرس و بیشک ناقص زمینه های بزهکاری را بوجود می آورد. آمارهای بزهکاری کودکان و نوجوانان دقیقاً بیانگر چنین مساله ای است.

از همه این مسایل که بگذریم با انواع خطرهای روبرو هستیم که هر کدام گریبانگیر کودکان کارگر می شود. کارگران خردسال به خاطر ضعف جسمانی، کندی سرعت عمل، توجه نکردن به نکات بهداشتی و ایمنی همواره در معرض خطرهای گوناگون هستند که در بسیاری از موارد به ناقص العضو شدن و حتی به مرگ آنها می انجامد.

گزارشهای بسیاری در دست است که کارگران خردسال از ساختمانهای بلند نیمه کاره به زمین افتاده و دچار انواع شکستگی شده و گاه مرده اند. ضربه های شدید اجر، اصابت کردن به ستونهای بتونی و آهنی، افتادن تیرآهن بر روی پا و مسومیت های ناشی از آهک و اختلالهای رویی از خاک و ماسه از جمله خطرهایی هستند که کودکان کارگر ساختمانی را هر روز تهدید می کنند. قطع شدن انگشتان کودکان در قالبهای پرس، برق گرفتگی در کارهای گوناگون، سوختگی در رستورانها و قنادیها، دردهای شدید عضلانی در کودکان باربر، مبتلا شدن به سل در کارگاههای ابریشم بافی، ضعف چشم و نرمی استخوان در کودکان قالبباف، انواع خطرات و بیماریها در کودکان آجرپز، قرار گرفتن در معرض انواع میکروبها در بین کودکان زباله جمع کن و سو استفاده های جنسی صاحبکاران و کارگران بزرگسال از کودکان، بلایا و خطرانی هستند که کودکان کارگر را جدا تهدید می کند.

حال مجدداً باید پرسید که ما برای کودکان کارگر چه کرده ایم؟

در ۶۹/۸/۲۶ از طرف مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی قانون جدیدی کار به تصویب می رسد. میبخت پنجم این قانون به شرایط کار نوجوانان (نه کودکان)

اختصاص دارد. در این قانون حداقل سن کار برای نوجوانان ۱۵ سال است و کارگران ۱۵ تا ۱۸ سال به عنوان کارگران نوجوان شناخته میشوند. در مجموع این قانون چند امتیاز را برای کارگران نوجوان در نظر می گیرد. مورد معاینه قرار گرفتن آنها در هر سال، کم کردن نیم ساعت از ساعت کار، ندادن کار اضافی، ممنوع بودن کارهای سنگین و ممنوع بودن کار در شب از جمله این امتیازهاست.

تاثیرگذار بودن و یا نبودن این قانون احتیاج به بحثهای مفصلتری دارد، ولی مساله ای که می ماند این است که انبوه کارگران زیر ۱۵ سال چه طبیعی است که از دید دولت ایران کار کردن کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است، اما چه تضمینی و چه مجازاتی در برابر سرپیچی از این کار غیر قانونی وجود دارد؟ وقتی آمارهای رسمی رقم ۱۱ میلیون کارگر ۱۰ تا ۱۹ سال را اعلام می کند قانون کار چه معنا و مفهومی می تواند داشته باشد؟ آیا به غیر از این است که ۴ میلیون کار غیر قانونی به کودکان کارگر داده شده است؟ رقم کارهای غیر قانونی به کودکان زیر ۱۰ سال تا چه حد می رسد؟ به مجموع این کارها باید گفت غیر قانونی یا ضد قانونی؟

نوجوانانی که در شرایط قانون کار ایران می گنجند و چه آنهاست که نمی گنجند احتیاج به امتیازهای ویژه و بیشتری از این چیزی که هست دارند. قانون کار نباید با گذاشتن یک سن تقریبی عده زیادی از کودکان کارگر را از سر خود باز کند.

بسیار مطلوب است که هیچ کارفرمایی کودک زیر ۱۵ ساله ای را به کار نگمارد و بالاتر از ۱۵ سال نیز پوشش قانون کار قرار بگیرند. اما در واقعیت شاهد چنین کاری هستیم؟ چند درصد از نوجوانان کارگر بیمه هستند؟ و مهتر از همه آیا هیچ کودک زیر ۱۵ ساله ای به کار گمارده نمی شود؟

واقعیت تلخ این است که بچهها مجبور می شوند به خاطر مشکلات اقتصادی و تنگدستی خانواده هایشان به بازار کار راه پیدا کنند. تلخ تر این که ما شاهد کار کردن کودکان ۵، ۶ و ۷ ساله در سطح شهرها و روستاها هستیم و آمارهای رسمی نیز چنین مساله ای را کاملاً تایید میکند. به هر حال حتی اگر دولت کار برای کودکان را ممنوع کند یا نکند واقعیت این است که کودکان کار می کنند. چه بهتر که همه کودکان و همه نوجوانان کارگر زیر نظر مستقیم دولت به فعالیت بپردازند و یا حداقل این که دولت بر کار آنها نظارت داشته باشد. بدین شکل هم خطرات کمتری کودکان را تهدید می کند و هم این که می توان کار کردن را کانالیزه کرد.

بهترین و عملی ترین راه اینست که دولت چه مستقیم و چه غیر مستقیم اقدام به تاسیس کارگاههای بسک تولیدی، فنی کشاورزی و... کند و کودکان کارگر را با شرایط بسیار خاص از جمله: ساعت کم، دستمزدی عادلانه، دادن حق و حقوق طبیعی، و حتی در نظر گرفتن بیمه او و خانواده اش، در این کارگاهها به کار بگیرد. حتی می توان در کنار این کارگاهها به آموزش این دسته از کودکان اقدام کرد. بدین شکل کودکان علاوه بر این که به منابع اقتصادی دست می یابند در طی دوران کار به جریانی از آموزش نزدیک شده اند و حداقل اینکه در همان کار مربوط می توانند به تخصص برسند.

سازمان بین المللی کار، کودکان کارگر را قربانیان نامرئی جامعه میداند. کودکان کارگر در زیر فشار کارهای سخت و سنگین و طاقت فرسا آرام آرام خرد میشوند. این دسته از کودکان در هر جامعه ای که باشند در بزرگسالی خود تبدیل به انسان های مجاله شده ای میشوند که به مرگ زودرس دچار میگردند. اگر هم زنده باشند خسته تر از آنند که چیزی بگویند یا کاری کنند.

بمناسبت هفتاد و هفتمین سال اعدام جو هیل فعال جنبش کارگری آمریکا

## برای من گریه نکنید، سازماندهی کنید



جو هیل، بعد از دستگیری در شهر سالت لک سیتی، ۱۹۱۴

جو هیل: من یک شهروند این جهانم. در کره ای بنام زمین متولد شده ام، اینکه در کدام گوشه این کره خاکی دیده به جهان گشودم هیچ ارزش صحبت کردن ندارد. ... من چیزی درباره خود ندارم که بگویم. فقط باید بگویم که همواره تلاش کرده ام که هر قدر کوچک، پرچم آزادی را به مقصدش نزدیکتر کنم. من این افتخار را داشته ام که زیر پرچم سرخ - که اعتراف میکنم به آن مفتخرم - در این مبارزات شرکت کرده ام.

### علی جوادی

بجای مقدمه:

در تاریخ به نگارش درآمدی که امروز بشریت در اختیار دارد تنها گوشه های کوچکی از جنایات و توحش سرمایه علیه انسانهای زحمتکش و کارگر به ثبت رسیده است. بسیاری از فجایع سرمایه حتی به صفحات راه نیافتند. در بسیاری از جنایاتی که علیه بشریت کارکن به نگارش درآمده اند، سرمایه در صندلی اتهام قرار نگرفته است. اما گوشه ای از این تخصصات به صحنه کارزار و تقابل اجتماعی طبقات کشیده شدند و حول آنها مبارزات وسیع اجتماعی پدید آمدند. دستگیری، محاکمه و تیرباران "جو هیل" در زمره چنین لحظاتی و صفحات تاریخی است. "جو هیل" اگر چه در این کارزار جان خود را از دست داد ولی "هرگز نخواهد مرد".

جو هیل اگر چه چهره ای شناخته شده برای طبقه کارگر جهانی است، اما هفتاد و هفتمین سال تیر بارانش فرصتی مجدد را فراهم می آورد که او را از خلال مبارزاتش، درمیان اشعار و آوازه های، در طول زندان بودنش، در مبارزات اجتماعی کارگران برای آزادی و همچنین در صف طویل کارگران در مراسم تشییع جنازه اش بهتر بشناسیم. اگر جو هیل قرار بود یاد نامه ای برای سازماندهی و شاعر محبوب کارگران بنویسد، بدون شک آنرا به ادعا نامه ای علیه سرمایه تبدیل میکرد، یاد جو هیل چنین باید در خاطره ها امروز زنده گردد.

### جو هیل که بود

مورخین کارگری از قبیل باری استاویس و فیلیپ فونر او را شاعر کارگران، انسانی که اشعار و آهنگهای عمیق ترین نیاز ما و احساسات طبقه کارگر را بیان میکرد، کسی که آوازه های در صفوف اعتصاب، در پیکت ها، در سالن تجمعات اتحادیه ها، در تجمعات کارگری، در گوشه خیابانها و خانه ها شنیده میشود، معرفی میکنند. او عضو تشکل کارگری آی.دی.بی.وی. از جمله رادیکالترین تشکلهای کارگری دهه های اولیه قرن بیستم در آمریکا بود. او عضو تشکلی بود که بر پرچم آن شعار "لغو کار مزدی" و "آزادی از بردگی مزدی" قرار داشت. دوستانش کارگران، سوسیالیستها و فعالین کارگری بودند.

سرمایه داران او را یک خرابکار، دشمن نظم و قانون، و جنایتکار میشناختند و این چنین به جامعه معرفی میکردند. او خودش را این چنین معرفی میکرد: "من یک شهروند این جهانم. در کره ای بنام زمین متولد شده ام، اینکه در کدام گوشه این کره خاکی دیده به جهان گشودم هیچ ارزش صحبت کردن ندارد. ... من چیزی درباره خود ندارم که بگویم. فقط باید بگویم که همواره تلاش کرده ام که هر قدر کوچک، پرچم آزادی را به مقصدش نزدیکتر کنم. من این افتخار را داشته ام که زیر پرچم سرخ - که اعتراف میکنم به آن مفتخرم - در این مبارزات شرکت کرده ام." (از نامه های جو هیل در زندان، سپتامبر ۱۹۱۵)

### بیوگرافی جو هیل

و دستنویشته هایش را در میان کارگران پخش میکرد. جو هیل در این تجمعات چند بار بطور خشنی توسط پلیس زخمی شد. آثار بریدگی بر گردن و صورتش ناشی از این درگیریها بود. جو هیل بعزت این مبارزات توسط پلیس دستگیر و از آنجا که یک کارگر مهاجر بود از شهر اخراج شد.

در این زمان دیگر جو هیل شاعر محبوب کارگران بود. اشعارش از مبارزات کارگری سرچشمه میگرفت و آگاهانه و هدفمند برای ارتقای مبارزات کارگری نگاشته شده بود. اشعار و آوازه های مصداق این گفته برتولت برشت در مورد هنر بود که: "هنر آینه بازتاب واقعیات نیست، بلکه ابزاری برای تغییر آن است." مشهورترین اثرش "دختر طفیان" در زندان و بعد از اینکه برای اولین بار یکی از اعضای آی.دی.بی.وی. اجازه ملاقات با او را یافت، سروده شد. جو هیل در نامه ای به الیزابت فلین در ۳۰ سپتامبر راجع به "دختر طفیان" چنین نوشت: "من افتخار مبارزه در زیر پرچم سرخ را داشته ام، بهر حال حدس میزنم سهم خود را از خوشی های زندگی نیز داشته ام. دوست دارم برای خداحافظی تو را ببوسم. نه فقط به خاطر اینکه تو یک دختری، بلکه تو دختر طفیانی. خداحافظ دختر طفیان".

### دستگیری و محاکمه جو هیل

جو هیل در شب ۱۴ ژانویه ۱۹۱۴ در شهر موری، در حالیکه در رختخواب اتاقش در اثر گلوله ای که سینه اش را شکافته بود نیمه هوش بود، توسط پلیس بازداشت شد. افراد پلیس به محض ورود به اتاق به او شلیک کردند و دستش زخمی شد. چند روز قبل از دستگیری در دهم ژانویه دو نفر در ساعت ۹/۳۰ دقیقه شب در اثر شلیک گلوله توسط چند مرد ناشناس به قتل رسیده بودند. جو هیل به اتهام قتل این دو تن دستگیر شد. دکتري که زخم گلوله سینه اش را معاینه کرده بود به پلیس گزارش داده بود. روزنامه های وقت نوشتند که در ساعت ۹/۳۰ شب جان موريس، پلیس اسبق، در مغازه اش به همراه فرزندش به قتل رسیده است و پلیس متهم را دستگیر کرده است. بعد از دستگیری مقامات پلیس تلاش خود را برای محکوم کردن جو هیل آغاز کردند. پلیس صحنه قتل را از زبان پسر ۱۳ ساله موريس چنین تعریف کرد: آنها بطرف پدرم دویدند و داد زدند که "بالاخره گيرت آوردیم". یکی از آنها بطرف پدرم شلیک کرد. من از ترس به پشت مغازه رفتم ولی سرم را بیرون آوردم که ببینم چه میگذرد. بعد برادرم به طرف کشوی مغازه رفت و با شجاعت به طرف آنها تیراندازی کرد. فکر میکنم یکی از آنها زخمی شد، آنها سپس برادرم را کشتند. این داستان در طی محاکمات چندین بار تغییر کرد و هر بار روایت دیگری ارائه شد. جملات و صحنه جعلی ساختگی بودند. هدف از "بالاخره گيرت آوردیم" تثبیت انگیزه قتل توسط جو هیل و دوستانش بود. سناریوی قتل بیشتر به فیلمهای وسترن هالیوود نزدیک بود. برادر بزرگ و شجاع به دفاع از پدر برمیخیزد، برادر کوچکتر ترسان در گوشه ای قایم میشود ولی شاهد قضایاست. پلیس هرگز یک قطره خون در مغازه پیدا نکرد که نشان دهد جو هیل در مغازه موريس زخمی شده است. آثار هیچ گلوله ای در هیچ کجای مغازه پیدا نشد. شاهدین پلیس ساخته حتی صدای جو هیل را شناختند و حتی آثار بریدگی صورت جو هیل را در سیاهی شب تشخیص دادند.

اما جو هیل چگونه زخمی شد؟ در همان شب قتل، جو هیل در ساعت ۱۱/۴۵ دقیقه برای مداوای زخم گلوله سینه اش به مطب دکتري که او را میشناخت رفت. مطب دکتر دره مایلی مغازه موريس قرار داشت. طبق اظهارات دکتر پیراهن و زیر پیراهن جو هیل پر از خونی بود که از زخمش جاری بود. زخم تازه بود و هیچ گونه خون لخته و مرده ای در لباسش مشاهده نشده بود. جو هیل به دکتر گفته بود که در دعوا بر سر یک دختر که او نیز به همان اندازه مقصر بوده است زخمی شده است. در دادگاه وکیل مدافع جو هیل نشان داد که چگونه جای گلوله در کتف جو هیل ۴/۵ اینچ پایین تر از گلوله در سینه اش قرار دارد. وکیل مدافع نشان داد که جو

هیل در حالی که دستهایش را بالا گرفته بوده و از روبرو سینه اش مورد اصابت گلوله قرار گرفته است و نه در حال فرار و از پشت. هیچگونه رد و اثری از خونریزی از محل مغازه موريس به مطب دکتر نیز پیدا نشده بود. طبق اظهارات دکتر ها اگر کسی ۵ مایل با چنین زخمی حرکت کرده بود حتما از پا می افتاده است. این استدلال در دادگاه هیچ خریداری پیدا نکرد.

در چند ماه اولیه بازداشتش، جو هیل به آی.دی.بی.وی. اجازه نداد که خرجی بابت وکیل مدافع و آزادیش بکنند. او اصرار داشت که این امر خصوصی است و ربطی به آی.دی.بی.وی. ندارد و اتحادیه نباید پولی را که شدیداً برای سازماندهی مبارزه کارگری نیاز است، در دفاع از او صرف کند. بدین ترتیب در ابتدا او خودش دفاع از خودش را در دادگاه بهعهده گرفته بود. تنها پس از چند ماه و با اصرار آی.دی.بی.وی. دلیلو رضایت داد که محاکمه اش محاکمه شخصی نیست بلکه کل آی.دی.بی.وی. مورد محاکمه قرار دارد. کمیته دفاع از جو هیل در آخر مارس تشکیل شد. جو هیل در دفاع از خودش گفت: "اینکه چگونه و کجا زخمی شدم به خود مربوط است. مهم این است که من در مغازه موريس زخمی نشدم و تمامی شواهد ارائه شده در دادگاه ساخته و پرداخته پلیس است و هیچ دلیل مستقیمی دال بر شرکت من در قتل موريس ارائه نشده است." دادگاه جو هیل را به اعدام محکوم کرد. زمان تیر باران جو هیل ۱۵ اکتبر ۱۹۱۵ تعیین گشت.

### مبارزه برای دفاع از جو هیل

جلسات، میتینگها و راهپیمایی های متعددی در دفاع از او برگزار شد. جو هیل در سطح جامعه مسئله ای مطرح بود و کارگران در تجمعات متعدد خود قطعنامه ها و فراخوان های متعددی برای آزادی او صادر کردند. این کمپین حتی از سطح کشوری نیز فراتر رفت و کارگران بسیاری در سایر کشورها به این کمپین پیوستند. هر روز در دفاع از آزادی جو هیل بیش از ۱۰۰ نامه و تلگراف به مقامات قضایی و ایالتی یوتا و آمریکا ارسال میشد. ابعاد این مبارزه چنان گسترده شده بود که بسیاری از دولتمداران از عواقب اعدام جو هیل نگران بودند. این نگرانی و وحشت در نامه یکی از سیاستمداران ایالت میشیگان به فرماندار یوتا بوضوح عیان است. "اعدام جو هیل تنفر طبقاتی را که بسیاری از متفکران و دولتمردان بشایه خطرناکترین عارضه جامعه مدرن تلقی میکنند تشدید خواهد کرد. هر کس هر نظری و هر موضعی نسبت به آی.دی.بی.وی. داشته باشد، شکی نیست که آنها چندین هزار تن هستند و چندین هزار طرفدار دارند. آنها صدای میلیونها کارگر بیکارند. جو هیل شاعر محبوبشان است. من در عرض سه سال گذشته به گوشه و کنار آمریکا سفر کرده ام. در هر گوشه ای آوازه های او ورد زبان کارگران است. اعدام این مرد مطمئناً باعث ایجاد طوفان انتقام خواهد شد. ما در اوضاع بحرانی بسر میبریم. زمانیکه کمیسیونهای فدرال علت اصلی نا آرامی در صنایع را ناراحتی طبقه کارگر اعلام می کنند، اعدام شاعر محبوب کارگران این تخصصات کارگری را تشدید خواهد کرد." فشار اعتراض علیه محاکمه و اعدام جو هیل چنان بالا گرفته بود که دولت سوئد وزیر خارجه وقت خود "اکنبرگ" را مامور بررسی این واقعه کرد. اکنبرگ طی نامه ای از وزارت خارجه آمریکا و رئیس جمهور وقت ویلسون خواستار تعویق حکم اعدام و بررسی حکم دادگاه شد. زمان به سرعت میگذشت و اعدام جو هیل نزدیک میشد. روز قبل جو هیل به سلول مخصوص جهت اجرای حکم دادگاه اعدام برده شد.

جو هیل در نامه ای به سام موری نوشت: "شب قبل من به سلول جدیدی منتقل شدم و گارد محافظ تمام شب در مقابل سلولم رژه رفت. دیشب برای اولین بار در زندان غذای خوبی به من دادند. این مطمئن ترین علامت نزدیکی اعدام است." در نامه ای دیگر جو هیل چنین گفت: "فردا من عازم کره مرخص هستم. آنجا من سریعاً مشغول بقیه در صفحه ۱۳

# کارگران امروز

## گفتگو با ییکاران حروفچین دانمارک

### کارگران جهان متحد شوید

از همکاران کارگر امروز در دانمارک با هیئت نمایندگان ییکاران اتحادیه کارگران حروفچین دانمارک گفتگویی انجام داده اند که بخشهایی از آنرا خواهید خواند. در این گفتگو ایوان لارسن، دبیر - ماریانا پسن، معاون - النه شوئینگ، منشی و ویروس اولسون خزانه دار شرکت داشتند.

کارگران حروفچین دانمارک با از دست دادن شغل خویش کماکان عضو اتحادیه باقی می مانند. آنها در دوران ییکاری نه تنها حق عضویت نمی دهند بلکه با بودجه اتحادیه بعنوان ییکاران متشکل میشوند تا علیه ییکاری مبارزه کنند. محمود قزوینی و هرمز منصوری دو تن

کمی درباره اتحادیه فان برایمان صحبت کنید

النه شوئینگ: اتحادیه ما یکی از اتحادیه های دمکراتیک دانمارک است. همه تصمیمات باید با رای گیری اتخاذ گردد و همه میتوانند انتخاب کنند و انتخاب شوند. اتحادیه به ما در همه برنامه هایمان یاری می دهد. اتحادیه های دیگر دانمارک سنتهای دمکراتیک اتحادیه ما را ندارند. اتحادیه ما فعالیت بین المللی عظیمی دارد. ما عضو اتحادیه بین المللی چاپ هستیم که تقریباً با همه اتحادیه های اروپا ارتباط دارند.

ویروس اولسون: کمک مالی برای هر ییکار عضو اتحادیه برای برنامه های مختلف در ماه ۱۶۰۰۰ کرون است. ما با این کمک ها برنامه های مختلف برگزار می کنیم از دور یکدیگر جمع شدن تا مثلاً برگزاری کنسرت و یا بحث در مورد موضوعات مختلف.

نرخ ییکاری در دانمارک و در رشته حروفچینی چقدر است و دلیل آنرا چه می دانید؟

النه شوئینگ: نرخ ییکاری در دانمارک ۱۱ درصد و در رشته حروفچینی حدود ۲۰ درصد است.

ایوان لارسن: دلیل ییکاری سیاستهای رژیم محافظه کار حاکم است. آنها برای حل ییکاری کاری نمی کنند و فقط به فکر موازنه پرداختشان هستند. اولین و پایمال ترین دلیل وجود ییکاری در صنعت چاپ بکار گرفته شدن تکنیک جدید است. تکنیک جدید خیلی از مشاغل را حذف کرده است. بعلاوه قرارداد کار مسائل مربوط به کار مدرن را تحت پوشش قرار نمی دهد. مثلاً "دسک تاپ" در قرارداد اتحادیه حروفچین گنجانده نشده است. شرکتی نظیر آی بی ام

کار را بقدری ساده کرده اند که هر فرد می تواند با یک کامپیوتر کار حروفچینی را در خانه خودش انجام دهد و پول در بیاورد. ما علیه این مبارزه میکنیم. ما میخواهیم کار حروفچینی به مراکز شناخته شده، شرکتها و دفاتر تبلیغاتی داده شود.

اتحادیه شما و الیو (اتحادیه سراسری کارگران دانمارک) چه مبارزات و فعالیتهایی برای حل ییکاری داشته اند؟

النه شوئینگ: امروز تفاوت بزرگی میان اتحادیه ها وجود دارد. بعضی از اتحادیه ها در این زمینه فعال هستند و با هم همکاری می کنند. مثلاً برای برکناری دولت محافظه کار. اما بعضی ها بی تفاوتند. ما با اتحادیه هایی همکاری می کنیم که مبارز و مترقی هستند.

منظورتان کدام اتحادیه ها است؟

النه شوئینگ: بعضی از شعبه های اتحادیه فلز، اس.آی.دی (اتحادیه کارگران نیمه ماهر) و کارگران ساختمانی که با آنها در روز ۶ اکتبر، روز بازگشایی پارلمان تظاهراتی را علیه ییکاری سازمان دادیم. ما می کشیم با اتحادیه های مبارز و مترقی تماسهای هر چه بیشتری داشته باشیم. هر چند امروزه این کارها یکمقدار مشکل است. زیرا بسیاری از مردم دانمارک ناامید و مایوس هستند. شاغلها نگران از دست دادن شغلشان هستند. خیلی ها امروز جرات نمی کنند دست به مبارزه بزنند. ما وظیفه داریم علیه روحیه موجود مبارزه کنیم و کارگران را به مبارزه علیه دولت ارتجاعی و محافظه کار فرا بخوانیم. همچنین این وظیفه تمامی اتحادیه های مترقی است.

ایوان لارسن: در چند سال گذشته اتحادیه

اتحادیه نمی پردازند و در عوض کسانی که کار می کنند بالاترین حق عضویت در دانمارک و در تمام دنیا را می پردازند. این خود یک همبستگی واقعی کارگری است. من به اتحادیه چاپ افتخار می کنم. اتحادیه های کمی هستند که ییکارانشان چنین تشکلی داشته باشند. ما امیدواریم که شاهد چنین تشکلی در بقیه اتحادیه ها باشیم.

ایوان لارسن: با این حال وضمن چندان تعریفی ندارد. اتحادیه میتواند بیشتر از این کار کند. اتحادیه ما هم خیلی آرام و بی حرکت است. سالهاست در میدان مبارزه علیه این رژیم محافظه کار نبوده است. ما باید در میدان مبارزه باشیم. ما در آلبا و فقط جمعی نیستیم که به گردش جنگل و ماهی گیری برویم و جشن برگزار کنیم. من همین موضوع را در مصاحبه با یک نشریه دانمارکی به نام "کمونیست" طرح کردم و موجب مشاجرات و برخوردهایی در بین ما شد.

النه شوئینگ: ما اختلاف هم داریم. من مخالف ایوان هستم. فکر می کنم اتحادیه ما برای ییکاران خیلی کارها انجام داده است. نمایندگان را خودمان انتخاب کردیم و آنها تا حالا خیلی کار کرده اند. ما در حال یکی شدن با چندین اتحادیه دیگر هستیم. تا اتحادیه بزرگ چاپ را تشکیل دهیم. خوب نمایندگان ما سرگرم این هستند که کارها خوب پیش بروند و ممکن است در این میان توجهشان به ییکاران کمتر شود و این موجب اصطکاکهایی می شود. اما این جلی نیست و ما می توانیم خوب همکاری کنیم.

درباره ۳۵ ساعت کار در هفته نظرتان چیست؟

النه شوئینگ: ما همه موافق ۳۵ ساعت کار هستیم و سالهاست برای آن مبارزه می کنیم. اما الیو پشت این شعار نرفت. اتحادیه حروفچینهای دانمارک تقریباً همیشه به قرارداد کار جواب نه داده و موافق آن نبوده است. فقط ییکار به آن جزأب آری گفته و آن هم همین قرارداد گذشته بوده است.

شما خواهان برکناری دولت محافظه کار هستید. آلترناتیو شما چیست؟

النه شوئینگ: ما خواهان روی کار آمدن یک رژیم حزب سوسیال دمکرات و حزب سوسیالیست مردم هستیم. البته این تنها قدم اول است و بعد باید به آنها فشار آوریم تا یک سیاست کارگری در پیش بگیرند.

راجع به رشد راسیسم چه می گوئید؟

در بلژیک کارگران صنعت فولاد وقتی با بسته شدن کارخانه مواجه شدند کارخانه را تحت کنترل خود گرفتند. ولی متأسفانه چنین سنتی در سوئد وجود ندارد. زیرا کارگران می توانند بر سر کار نروند و بیسه ییکاری بگیرند. پیشنهاد عدم افزایش دستمزدها اصلاً قابل قبول نیست. چرا کارگران باید قربانی این طرح باشند؟ جامعه را کارگران می چرخانند.

دولت و همه احزاب سوئد مطرح کرده اند که همه مردم باید در پروسه مقابله با بحران و زدن از خدمات اجتماعی سهمی بعهده بگیرند. نظرتان در این باره چیست؟

اشتباه میکنند. همه نباید برای منافع ملی صرفه جویی کنند. به تاثیرات سیستم مالیات بر درآمد سال ۸۹ و ۹۰ نگاه کنید که تاثیری بر وضعیت کسانی که درآمد زیاد دارند، نگذاشته است. تشخیص اینکه چه کسانی باید بار بحران را تحمل کنند ساده است. اینها افراد کم درآمد هستند، کسانی که پول کافی برای مواد غذایی ندارند. در شهر لولند مردم نمیتوانند شهریه مهد کودک را بپردازند. این گروه از مردم سوئد دارند بار ریاضت اقتصادی را بدوش میکشند نباید به پیشنهاد عدم افزایش دستمزدها گوش کرد. تلاش ما کارگران باید مبارزه برای افزایش دستمزدها باشد.

ما دست به مبارزه زده اند اما در رابطه با تظاهرات ۶ اکتبر آنها تا اندازه ای دوباره به میدان مبارزه آمدند. ما معتقدیم که اتحادیه ها و جنبش کارگری در سالهای گذشته خیلی آرام بودند و هیچ کاری در متحد کردن ناراضیاتی موجود علیه رژیم نکرده اند و کاملاً غیر قابل استفاده و غیر سودمند بوده اند. ما در آلبا و هیئت نمایندگان ییکاران حروفچین، قسمت ییکاران چاپ) می کشیم یک برنامه برای سراسر کشور داشته باشیم. این تشکل چند سال است که ایجاد شده اما هنوز یک تشکل سراسری نیست. از اینکه اتحادیه ها جمع شوند و تظاهرات و اعتراض کنند خبری نیست. اما در اینجا در خیابان "لوگتن" (دفتر اتحادیه چاپ، زنان کارگر و کارگران ساختمانی) اوضاع تقریباً بد نیست. اما کلاً اتحادیه ها خیلی آرام هستند. این از جمله مشکلات ما در جنبش کارگری است.

النه شوئینگ: می خواهم یک اصطلاح قدیمی را تکرار کنم. در مانیفست کمونیست نوشته شده "شبی در اریبا در گشت و گذار است: شیخ کمونیست". شبی که در دانمارک در گشت و گذار است، شیخ ییکاران است. زمانی که ییکاری وجود دارد خیلی مشکل است که کارگران را به مبارزه کشاند و خواسته هائی طرح کرد. شاغلها می ترسند کارشان را از دست بدهند و ییکاران اصلاً نمی توانند راه برون رفتی بیابند چگونه باید روزهایمان را بگذرانیم؟ چگونه از نظر اقتصادی خودمان و فرزندانمان را تامین کنیم؟ آنها باید لباس نشان باشد و هر روز غذا داشته باشند. اگر زن و شوهر در یک خانواده ییکار باشند مجبورند یک خانه غیر مناسب اجاره کنند و نمی توانند به بچه هایشان آنطور که باید غذا و مواد مورد نیازشان را بدهند. این مشکل ما است. هر چند که مشکل ما عین آفریقا و ایران نیست. ما باید برای شرایط بهتر مبارزه کنیم و بیچنگیم. وضعیت بهتر ما در جامعه بین المللی تاثیر می گذارد و ممکن است کشورهای فقیر را هم تحت تاثیر قرار دهد و آنها به امید چنین زندگی ای به مبارزه برخیزند.

دلیل وجودی یک تشکل ییکاران در خود اتحادیه چیست؟

النه شوئینگ: برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع ییکاران. ما در هیچ زمینه ای مشکلی با اتحادیه مان و شاغلها نداریم. این فقط یک تلاش برای یک وضعیت خاص است. ما برای ییکاران جلسات، گردشها و جشنهای خاصی داریم تا میبادا آنها در خانه تنها بنشینند که این واقعا سخت است. تمام این مخارج را اتحادیه می پردازد و ما تنها اتحادیه در دانمارک هستیم که ییکاران حق عضویت به صندوق

رهبران خود را انتخاب کنند. این مسائلی بود که ما مطرح کردیم و در نتیجه از طرف الیو طرف شدیم. این اتفاق یکسال پیش افتاد.

نظرتان درباره "طرح دولت برای برون رفت از بحران" و همچنین پیشنهاد دولت و استقبال فدراسیون کارفرماها مبنی بر عدم افزایش دستمزدها چیست؟

هرگز پیشنهاد عدم افزایش دستمزدها را قبول نخواهیم کرد. اینها تمام تلاششان اینست که حقوق ما را افزایش ندهند. بنظر من هر اتحادیه ای که این پیشنهاد را قبول کند واقعا گند زده است. اگر نمی توانند دستمزده قابل قبولی بدهند بهتر است که معادن یا کارخانجات را ببندند. ما برای مزه بخور نمیر کار نخواهیم کرد. هرگز این پیشنهاد را قبول نخواهیم کرد. اگر از یکطرف هزینه بیسه کاری که کارفرماها باید به دولت بپردازند را کم می کنند و از طرف دیگر طرح برون رفت از بحران را که فشارش به مزه بگیریان می آید را مطرح می کنند، پس ما هم میتوانیم درخواست افزایش دستمزده بکنیم. ما مجانی کار نخواهیم کرد.

آیا فکر نمیکنید بجای بستن معادن و کارخانجات کارگران میتوانند این امکان کار را افسال کنند و کنترل آن را بدست بگیرند؟

النه شوئینگ: ما علیه راسیسم هستیم. در دهه ۳۰ نازیسم هیتلری یهودیها را مقرر ییکاری قلمداد میکرد. امروز هم اوضاع کمی شبیه آن سالهاست. در آن وقت هم ییکاری وسیع بود. مردم نان و لباس نداشتند و مشکلات عظیمی بود. این نیرو می بایست علیه قدرت اقتصادی و رژیم حاکم جمع میشد اما توانستند این قدرت را در راه نادرست و ناصحیح بکار ببرند و یهودیان را به عنوان مقرر مورد حمله قرار دهند. مثل امروز، به جای اینکه علیه رژیم محافظه کار و ارتجاعی موضع گرفته شود مهاجرین و پناهندگان مقرر قلمداد می شوند. باز گرداندن پناهجویان که امروز در دانمارک اتفاق می افتد واقعا نگران کننده است. این راسیسم است. در دانمارک ما خوشبختانه هنوز راسیسم را با خشونتی که در آلمان ظاهر شده است تجربه نکرده ایم.

ایوان لارسن: مطمئنم که دانمارکیها می خواهند خارجیها در دانمارک یک زندگی برابر و خوب داشته باشند. این طرز فکر مردم است. اما اوضاع اقتصادی باعث می شود که راسیسم هم کمی سر راست کند و متأسفانه نمی توانم بگویم راسیسم در دانمارک وجود ندارد.

النه شوئینگ: فکر می کنم که خطر راسیسم در دانمارک هم قوی است و اگر بچه ها در مدرسه هم بخوانند که انسانها با هم فرقی ندارند و همه با هم برابرند، جامعه و خانواده چیزی دیگر می گوید.

آیا در پایان مایلید چیزی اضافه کنید؟

النه شوئینگ: ما کارگران در اتحادیه حروفچینها یا ساختمان و یا اتحادیه دیگر برای همبستگی و حفظ اتحادیه خود مبارزه می کنیم. ما آزادی همبستگی کارگری میان شاغلین و ییکاران را داریم. آنها می که شاغلند می دانند که فردا نوبت آنهاست که ییکار شوند برای همین باید در اتحادیه با ییکاران باشند. در هشت یا ده سال پیش وقتی یک تظاهرات علیه قانون یا رژیم ارتجاعی یا یک قرارداد کار بود، کارگران در سطح وسیع شرکت می کردند. اما امروز کارگران جرات نمی کنند. در آن روزها کارفرماها نمی توانستند کاری انجام دهند چون به ما نیاز داشتند. اما امروز اینطور نیست. ۲۰ سال پیش وقتی از کارفرما و کارت ناراضی بودی می رفتی و یک کار دیگر گیر می آوردی اما امروز ممکن نیست. کارفرماها امروز دست بالا دارند. مثلاً در انگلستان مردوخ همه حروفچینها را اخراج کرد و بجایشان یک عید پرکار را استخدام کرد. کارفرماها در دانمارک هم می خواهند همینطور عمل کنند. اما تا حالا موفق نشده اند. ما مشغول تشکیل یک اتحادیه بزرگ چاپ هستیم. لطف کنید این جمله را بزرگ در همان صفحه اول مصاحبه بنویسید کارگران جهان متحد شوید!

آیا فکر نمیکنید جنبش اتحادیه ای باید مبارزه سیاسی هم بکند. همانطور که می دانید اقتصاد و کل روند جامعه توسط سیاستمداران و سیستم سرمایه داری به جلو می رود. آیا فکر نمیکنید وقت آن رسیده که اتحادیه های کارگری هم با ابزار سیاسی برای خواسته های خود مبارزه کنند؟

جنبش اتحادیه ای نباید سیاسی باشد. به کشور های دیگر نگاه کنید. مثلاً در کشورهای سابق بلوک شرق. اتحادیه و حزب یکی بودند. وقتی حزب از بین رفت کل جنبش اتحادیه ای نیز از هم پاشید. الان جنبش آنچنانی اتحادیه ای ندارند و مشغول بازسازی هستند. مسئله اینست که اتحادیه باید اتحادیه بماند و حزب سیاسی هم حزب. در آینده هم باید اینطور باشد. بنظر من اتحادیه ها نباید سیاسی باشند زیرا سازمان های سیاسی وجود دارند که مسایل سیاسی را به پیش ببرند و سازمان های اتحادیه ای نیز وجود دارند که مسایل اتحادیه ای را پیش ببرند.

آیا در طی این همه سال روشن نشده است که این سیاستمداران و احزاب سیاسی مثل سوسیال دموکراتها بوده اند و هستند که جامعه را آنطور که خودشان می خواهند کنترل میکنند و اتحادیه ها در این وسط نتوانسته اند این ترفی را داشته باشند؟ بقیه در صفحه ۱۱

## لارش تورنمن رهبر اتحادیه معادن شمال سوئد

### عدم افزایش دستمزدها را

### هرگز نمی پذیریم

اتحادیه ای اختلاف نظر پیدا کرده است. مریم کوشا همکار کارگر امروز با لارش تورنمن درباره اختلافات این اتحادیه با ال او و همچنین اوضاع سوئد گفتگویی داشته است که در زیر خواهید خواند

لارش تورنمن رئیس اتحادیه کارگران معدن کیرونا، یکی از اتحادیه های پر نفوذ سوئد است. این اتحادیه از سال گذشته با بخش منطفه ای اتحادیه سراسری سوئد (الیو) بر سر شیوه کار

اتحادیه شما چند نفر عضو دارد؟

اتحادیه ما دارای ۲۲۰۰ عضو است که شامل کارگران معدن دولتی الیو.آب و شرکتی خصوصی که با این معدن قرارداد دارند می شود.

در صحبتی که هفته پیش داشتیم شما مطرح کردید که اتحادیه شما با بخش منطفه ای "الیو" همکاری نمی کند. چرا؟

چون الیو نمایندگان ما را برای کار در بخش شهری اتحادیه برسمیت نشناخت. همکاری خود را با آنها قطع کردیم. اعضای

کمیته اجرایی قدیمی اتحادیه نزد اعضای اتحادیه محبوب نبودند. در نتیجه اعضا نمایندگان جدیدی انتخاب کردند. کمیته اجرایی جدید سوسیال دموکرات نبود و این با سنت موجود در تناقض افتاد. رهبری اتحادیه همیشه اول از طرف حزب سوسیال دموکرات در سطح محلی انتخاب می شد و سپس در سمت کمیته اجرایی اتحادیه می نشست. ولی ما حاضر نبودیم این سیستم را قبول کنیم. ما به دموکراسی معتقدیم. بنظر ما رهبری اتحادیه باید توسط کارگران بدون در نظر گرفتن اینکه به چه حزبی رای میدهد انتخاب شود. منظورم اینست که حزب حق ندارد رهبری اتحادیه را برایش انتخاب کند. این کارگران هستند که باید

# کارگر امروز

## بازهم ترور وحشیانه زنان

از نشریه: "په یامی کریکار" (پیام کارگر)، چاپ کردستان عراق ترجمه از: ربیوار

در جهنم سرمایه و سود و جهان واژگونه شان، گوشت خام انسان خرید و فروش می شود. نیروی بازاری میلیونها انسان و لقمه نان سفره خالیشان به تاراج می رود. میلیونها انسان قربانی جنگها و کشمکشهای اجتماعی بورژوازی می شوند و در برابر هم طبقه ایهای خود، در کشورهای مختلف و پشت مرزهای مصنوعی مختلف، قرار می گیرند و به دست یکدیگر قربانی می شوند.

در چارچوب همین نظام و برای تامین تدارک سلطه منحوس مالکیت خصوصی بر وسائل تولید که منشاء استثمار و نابرابریهای موجود است، بورژواها، توسط نظام و دولت و دستگاه سرکوب و ارتش و هزار و یک وسیله دیگر در تلاشند که صرفا به خاطر از دست ندادن لقمه های چرب و نرمشان به هر وسیله ای متوسل گردند، وسائلی که در نظر هر انسان دارای حداقل شعور انسانی نفرت آور است.

برجسته ترین و آشکارترین جنبه زشت و سیاه این نظام، موقعیت زنان بشابه نمی از جامعه انسانی است. این بخش از انسانها در این قسمت جهان از حق انتخاب آینده خود محروم است، دیوار آهنین راه ورودش به زندگی عادی جامعه را سد کرده و رابطه دلخواه عاطفی انسانی بر او ممنوع گشته است، چنانکه به صرف زن بودن همواره مورد اهانت و تمقیر است و کلمه زن مترادف با کم حقوقی است. می بینیم که آدمکشان سرمایه، بنابه قانون پوسیده سود و منافع سرمایه، در ادامه یورش

جنایات غلاوه بر اینکه یوروشی بر ابتدائی ترین خواستههایشان بشمار می رود، خود، جنایتی است که هر کس از آن پشتیبانی کند تنها به درنده خونی خود اعتراف کرده است. متوجه نیستند که اینها چگونه بفر ارتجاع و کهنه پرستی را در صفوفشان می کارد.

آخر چرا باید افسانها به خاطر ابتدائی ترین و عادی ترین حقوق خود یعنی ازدواج و به خاطر انتخاب آزادانه شریک زندگی خود، همواره با خطر مرگ روبرو باشند. ازدواج و انتخاب آزادانه همسر یک پیوند انسانی بین دو جنس، بین دو انسان است. چرا باید چنین پیوندها و عواطفی در بند و زنجیر قوانینی باشد که ذرعی از اراده ما در آن دخیل نبوده است.

به همان اندازه که ازدواج، خود پیوند شخصی میان دو نفر است و شخص دیگری را در بر نمی گیرد، به همان ترتیب هم نباید هیچکس، نه شخص و نه قانون و نه جامعه و نه هیچ نیروی دیگری، نباید در زندگی شخصی آن دو دخالت کند. بورژواها از این حقیقت برآشفته می شوند و با هزار و یک زبان، عنوان فحشاء بی اخلاقی و غیره به ما می بندند. و سرانجام هم به خود اجازه می دهند که ما را قصابی کنند در حالیکه خود جامعه بورژوازی یک فاحشه خانه بزرگ است به طوری که امروزه تن فروشی یکی از راههای امرار معاش و درآمد گشته است.

تعدد زوجات، صیغه، بزرگ به کوچک (بزرگ به کوچک یک سنت عشاری است که به موجب آن، دختران خردسال و حتی نوزاد را در برابر عقد زن بالغ برای مردی از خانواده آن زن عقد می کنند. م، حق طلاق (مردانه. م، وابستگی اقتصادی زن به مرد و خرید و فروش تن و عاطفه زنان، همه و همه امروزه قوانین مدون دارد. چه دلیلی باید آقامه شود تا این امر عیان روشن گردد که همینها منشاء آن فساد است که به گردن ما می اندازند، و به قصاص آن ما را گشتار می کنند؟ مگر وقتی زن به تن فروشی متوسل می شود تا لقمه نانی وصله

شکم بچه هایش گند این ناشی از چه چیزی جز وحشیگری بورژوازی در استثمار و جز حاکمیت بر کل ثروت و سامان جامعه است؟ ثروت و امکاناتی که از ما دریغ گردیده است.

بورژوازی در حالیکه خود مجرم واقعی این جنایت است، امروزه ما را بلاگردان خود کرده است و نابوههای مرگش را بر ما ایزدانی میدارد. آری، این جنایات وحشتناک همچنان ادامه داده و هر بار به بهانه هائی توجیه می شود. حتی زندگی و حقوق زنانی هم که هنوز دست جنایتکار این جلازان به آن نرسیده در معرض خطر جدی است. برای ریشه کن کردن هر گونه نابرابری و جنایت و کشتار و تن فروشی و گرسنگی و بیکاری و در یک کلام همه مصائب این جهان ستم پیشه بورژوازی، باید تیشه به ریشه نظام استثمارگرانه سرمایه دارانی زد و دست تاراجگرشان را از وسائل تولید جامعه کوتاه کرد. تنها و تنها وقتی جامعه بشری عموما و زنان به طور مشخص از هر گونه استثمار نجات خواهند یافت که بردگی مزدی به گور سپرده شود. تنها در چنان صورتیست که هرگونه بردگی جنسی و نژادی و طبقاتی توسط حکومت کارگری و سوسیالیسم از بین خواهد رفت. تنها آنوقت است که زنان بشابه انسان تلقی خواهند شد و بشابه حقوقشان رعایت خواهد گردید. تنها در چنان صورتیست که برابری کامل زن و مرد رسماً و قانوناً پذیرفته خواهد شد. برابری ای که نه تنها قانون، بلکه برابری تام و تمام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است.

کارگران و زحمتکشان! زنان! مردان! مردم انساندوست و آزادیخواه!

چگونه است که تاکنون یک موضع آشکار و روشن و دستجمعی اعلام نکرده اید؟ چرا تاکنون این وحشیگری که جلو چشمانتان رخ می دهد، حتی در محافل خانوادگی و دوستانه شما مورد اعتراض قرار نگرفته است؟ چرا باید گذاشت که این وحشیگریها

اینچنین ساده و آسان و بدون برخورد با خشم و اعتراض و نفرت و بیزاریمان در برابرمان روی دهد و به اصطلاح قصر در برود؟ مگر نه اینست که بورژوازی به علت همین سکوت ماسکت که به خود اجازه می دهد دست به جنایت بزند و حتی مشتلق و دستخوش به کسانی بدهد که خواهر و مادری دلبند خود را به گلوله می بندند؟ باید در برابر این جنایات ایستاد. باید این جنایات را محکوم کرد. باید دیوار محکم و متحد اعتراض و نفرت ماجلو این جنایات را بگیرد. باید پرده از روی این سیاست ضد انسانی و ضد کارگری کنار زده شود و اهدافش نقش بر آب گردد. باید جنایتکاران این قتل عام زنان، در دادگاه ما به شدیدترین وجه مجازات گردند. باید ماسک انسان نمای چهره شان را به دور افکنیم و ماهیت وحشیانه و جلا آسای خونخوارشان را به عیان به همگان نشان دهیم. کارگران پیشرو و کمونیست باید پیشاپیش صفوف این اعتراضات آزادی هدایت کنند به پیش ببرند. باید اهداف سیاسی و تبلیغاتی حکام بورژوازی و جبهه بورژوازی کرد را افشاء کرد و مزخرفات ضد کارگریشان را نقش بر آب ساخت. بورژوازی توسط چنین جنایاتی دارد در خصوصی ترین اموری دخالت می کند که تنها به خود انسانها مربوط است. باید این خیره سری بورژوازی را محکوم کرد.

این وظیفه کارگران و کمونیستهاست که بدون ترس و واهمه از اینکه ما را به چه چیزی متهم خواهند کرد و چه عناوینی به ما خواهند بست و چه طعن و تشنی مزخرفی پشت سر ما خواهند گفت، باید با کمال صراحت و روشنی اعلام کنیم که ما این جنایات را محکوم می کنیم و در برابرشان سنگر می گیریم. چنین وظیفه ای برای کارگران کمونیست و پیشرو علیرغم هر عذر و بهانه ای الزامی است. و با هرگونه تعللی در این رابطه، بی برو برگرد، سنگری از دست می دهیم و راه تهاجم بورژوازی بر حقوق خود را هموار می کنیم.

زنده باد برابری زن و مرد

دادن به این گرایش هم مثل ایسکرا عمل کند.

کارگر امروز خیلی کم به مسائل سیاسی پرداخته است و اگر فعالیتی هم در این زمینه داشته خیلی کم است.

در شرایطی که جهان سرمایه داری تهاجم وسیعی را علیه کمونیسم شروع کرده و حتی پایان و مرگ آنرا علم نموده چرا باید کارگر امروز کماکان از مسائل اکونومیستی و تردیونیونیستی حرف بزند یا خود را بیشتر به آن مشغول نماید. چرا در این موارد از رهبران عملی کارگران سوالی نمی شود، آیا طبقه کارگر اروپا و جهان تا چه اندازه خواستار سوسیالیسم اند. در جهان دربارها پایان و مرگ دیکتاتوری پرولتاریا بحث می کنند. چرا در این مورد با رهبران عملی کارگران حرفی زده یا سوالی مطرح نمی کنید. تا ما هم در عراق بدانیم تا چه مرحله ای کارگران خواستار سوسیالیسم و کسب قدرت سیاسی هستند. در مقابل این تعرض وسیع علیه سوسیالیسم چرا کارگر امروز که خود را نشریه ای کارگری انترناسیونالیستی تعریف می کند، از ضروریات و پیش شرطهای تشکیل یک تشکل بین المللی حرفی نمی زند.

زنده باد انترناسیونالیسم کارگری پیش بسوی صف سیاسی انترناسیونالیسم کارگری

کاظم. ع - کردستان عراق

ندارد. یا با اتکا به توده های کارگر در برابر دست اندازی به دستاوردهای کارگران مقاومت کند و به پیشروی خود در کوتاه کردن ساعت کار (تا ۳۵ ساعت کار در هفته)، برابری دستمزد در شرق و غرب تا سال ۹۴ و حفظ سیاست تهاجمی در قراردادهای دستمجمعی ادامه دهد و یا اینکه با عقب نشینی قدم بگذارد نه تنها تمام دستاوردهای کارگران را از دست بدهد و در چشم انداز دورتری با از دست دادن اعضای خود و نقش تعیین کننده ای که در حیات اجتماعی و اقتصادی آلمان بازی می کند، بسمت تبدیل شدن به اتحادیه های نوع آمریکا پیش برود.

پولداران آلمانی و فرانسوی فروخته می شود که بساط شکار و تفریح خود را راه بیندازند.

این بخشی از نظر مردم این محل است. جنبه مهم دیگر اینست که من از بوروکراسی متفرم. شخصاً نمی توانم قبول کنم که تصمیم خوبی از طرف هزاران بوروکرات که در ادارات بروکسل نشسته اند ارائه شود. الان که کنترل زیادی در تصمیماتی که در سوئد گرفته می شود نداریم بطور می توانیم چنین کنترلی در بروکسل داشته باشیم؟

پس بنظر شما وضعیت کنونی بهتر از عضویت در بازار مشترک است؟

بازار مشترک یک سازمان دموکراتیک نیست. سوئد کوچک هم نمی تواند با رای کمی که دارد تاثیر آنچنانی در پروسه تصمیم گیری بگذارد. برعکس کاملاً تحت انقیاد اقتصاد های قویتر مثل آلمان خواهد بود.

گرایشات مختلف در جنبش کارگری سوئد چیست؟

سیاست های مالی دهه ۸۰ سوسیال دموکرات ها و تغییرات این حزب در ۷-۸ سال گذشته باعث شده است که مردم دیگر فکر نمی کنند که سوسیال دموکراسی برای منافع کارگران تلاش می کند. از دل این تغییر یک جنبش نوین بوجود می آید.

تاریخ نشان داده است که همزمان با تحولات دوره ای آلترناتیو های نوین نیز ایجاد می شوند. یکی از این تحولات در سوئد مباحث حول بازار مشترک است که خیلی ها را به فکر واداشته است. و پروسه رفرااند خود عرصه ای برای آلترناتیوهای باشد.

آینده از آن جنبش کارگران است. دنیا تغییر میکند و چیز نوینی ایجاد می شود. برای اینکار باید سازمان قوی کارگری داشت و در وضعیت سیاسی کنونی این کمبود احساس می شود. کارگران خود می توانند جذب تشکیل دهند. همانطور که سال ها پیش جنبش کارگری سوئد خود حزب سوسیال دموکرات را تشکیل داد.

که ما در مورد سقوط روم خواندیم. ما هم اکنون در این دوره بسر می بریم و مهر ما بر تحولات جاری میخورد و لزوما هر روزه به آن فکر نمی کنیم. ما با چشمان خودمان دیدیم که سیستم شرق بهم ریخت، دیوار برلین خراب شد، و اکنون نیز قرار است اروپای نوینی جای اروپای قدیم را بگیرد.

حال نقش ما در این تحولات برای ایجاد یک چیز بهتر چیست؟ ما باید در مباحث جاری شرکت کنیم. کارگران باید بعنوان کارگر، کارگر بوده است. این کارگران هستند که با تولید خود امکاناتی بوجود آوردند که این جماعت در آن بالا نشسته اند. نباید در این تحولات بگذاریم که کارگران را گول بزنند. تا موقعیکه که کارگر وجود دارد قدرت کارگری نیز باید وجود داشته باشد.

عضویت سوئد در بازار مشترک ریسک های خود را دارد. بطور مثال سازمان اتحادیه ای کارگران در اروپا در سطح پایینی است و خطر رقابت بین سازمان های مختلف وجود دارد که خود به اغتشاش درون جنبش کارگری منجر میشود. خریداران نیروی کار هم از این موقعیت استفاده میکنند و هر طور که میخواهند نیروی کار را می خردند. بطور مثال کمیته حقوق کارگری سوئد در حال تغییر قوانین بر اساس قوانین بازار مشترک است. قرار است سال آینده پارلمان آتریا به تصویب برساند. به عبارت دیگر اختیارات اتحادیه ای که ما هم اکنون داریم کاهش پیدا خواهد کرد.

آیا این نظر عمومی کارگران سوئد درباره بازار مشترک است؟ عضویت سوئد در بازار مشترک از نظر کارگران به چه معنا است؟

در شمال سوئد، جایی که ما هستیم ۹۰ درصد کارگران مخالف عضویت سوئد در بازار مشترک هستند. در شهر کیرونا که با کسی که موافق باشد برخورد نکرده ام. مردم شمال سوئد مخالفند زیرا هم اکنون قیمت اجناس و هزینه زندگی متناسب با سایر نقاط سوئد است، زیرا دولت کمک هزینه می دهد ولی با عضویت در بازار مشترک کسی به این چیزها توجه نمی کند. نتیجه عملی این میشود که مردم از شمال سوئد مهاجرت می کنند و زمین ها به

بقیه از صفحه ۱۰

## عدم افزایش دستمزدها را هرگز نمی پذیریم

اصلاً تعجب آور نیست که اتحادیه های کارگری جامعه را تحت کنترل خود ندارند. اتحادیه ها و الیاد در طی سال های ۸۰ به یک سازمان بوروکراتیک تبدیل شده اند. الیاد سازمان ژنرال های بدون محبوبیت در پایین است. چه کسی میتواند جنگ را فقط با ژنرال هایی که در اتاق گرم خانه نشسته اند ببرد؟ اگر بخواهیم در جنگ پیروز شویم باید هم ژنرال ها و هم پایه سازمان درگیر باشیم. ما اکنون یک سازمان عظیم بوروکراتیک داریم که کارش فقط ارسال کاغذ است. برای همین است که همه درخت های شمال سوئد از بین رفته اند که با آنها کاغذ درست کنند! ما بهترین سازمان سراسری کارگری دنیا را در سوئد ایجاد کردیم. بهترین بوروکراسی در دنیا را هم ایجاد کردیم. به جلسات اتحادیه های محلی نگاه کنید. تعداد اعضای که در جلسه شرکت می کنند اندک کم است که در برخی نقاط دیگر صرف نمی کنند که جلسه برگزار شود. نمی توان بدون درگیر شدن اعضا فعالیت اتحادیه ای کرد. نمی توان با فشار از بالا به اعضا دسترسی پیدا کرد.

اخیراً صحبتی با استیگ مالم (رئیس الیاد) داشتم. بنظر می آید که الیاد کم کم متوجه قضیه شده است. همچنین بنظر می آید که استیگ مالم برخی از تلاش های ما در کیرونا را قبول دارد.

افق اتحادیه در تحولاتی که در دنیا و سوئد رخ داده است چیست؟ ما هر روزه شاهد بیکار سازی ها و "صرفه جویی" ما هستیم. آلترناتیو جنبش اتحادیه ای در مقابله با این تحولات و فشار ها چیست؟

نوه های ما روزی این تحولات را در کتاب های تاریخ خواهند خواند. همانطور

بقیه از صفحه ۱۰

## چرا کارگر امروز...

اتحادیه و سندیکا بسنده کرده است. بغیر از چند نوشته کوچک، کارگر امروز بیشتر به مسائل اکونومیستی و تردیونیونیستی پرداخته است.

اگر خیلی منصف باشم و نگویم که کارگر امروز نشریه ای اکونومیستی است، می گویم که کارگر امروز با مسائل اقتصادی بیشتر سر و کار دارد، بجای نشریه ای کارگری و انترناسیونالیستی مثل ایسکرای دوران لنین، خودش را با مسائل اقتصادی سرگرم کرده است.

این مسائل هم لازم است و نشان دهنده تعلق طبقاتی کارگر امروز است ولی چیزی که مورد نظر من است یکی از موانع سر راه انترناسیونالیسم کارگری است و پاسخی به شکل گیری کارگری کمونیستی در سطح جهان است. کارگر امروز در این زمینه تلاش نکرده است و به نقل اخبار محلی، اعتصابات در چند کشور اکتفا کرده است. باید کارگر امروز از نشریه ای بشکل اکونومیستی خارج و به نشریه ای کارگری (ایسکرای لنین) تبدیل شود. اما در سطح جهان و انترناسیونالیستی.

شاید در جواب من رفیق سردبیر بگوید ایسکرا نشریه حزبی بود ولی کارگر امروز غیر حزبی است. می شود کارگر امروز غیر حزبی هم باشد ولی به نشریه انترناسیونالیستی کارگری در جهت حزیت

## بقیه از صفحه ۸

کنگره هفدهم اتحادیه ... سازی، صنایع اتومبیل و صنایع سنگین آلمان بطور روز افزون بازارهای جهانی خود را دست میدهند و میدان رقابت آنها را رقبای قدرتمندی چون ژاپن تنگ تر شده است. از هم اکنون صدور اطلاعاتی هایی مبنی بر فرستادن کارگران به مرخصیهای اجباری، کوتاه کردن زمان کار در اکثر کارخانجات اتومبیل سازی و اعلام اخراج هزاران نفر در صنایع اتومبیل بنز، فولکس واگن، آلودی نمایان شده است. حال اتحادیه قدرتمند فلز دو راه بیشتر

## کارگاه امروز

## از ۴۰ ساعت تا ۲۵ ساعت کار در آلمان

تلخیص شده از: ماهنامه اینترنتی  
لیبر ریویو از انتشارات سازمان جهانی کار  
ترجمه: کاظم نیکو

از ۱۹۸۹ در تلاش برای جلوگیری از افزایش تعداد کارگران نیمه وقت که بیمه سراسری شامل حال آنها نمی شود کارفرماهای بنگاههای خرده فروشی از انعقاد قراردادهای کمتر از ۲۰ ساعت کار در هفته منع شده اند، مگر اینکه کارگران خود چنین قراردادی را تقاضا کرده باشند. در بعضی بخشها برای اضافه کاری در قراردادهای سقف معینی تعیین شده (۲۰ ساعت در ماه در صنایع فلز، اما در صورت توافق شوراهای کارگری این میزان قابل افزایش است) و در ازای اضافه کاری به کارگران مرخصی اجباری تعلق می گیرد. در بازار کار فشرده فعلی کارفرماها برای استخدام کارگران در کارهای سخت روز بروز با مشکلات بیشتری روبرو میشوند. از اینرو آنها در تلاشند تا راههایی بیابند که کار منعطف و نیمه وقت جذاب تر شود. اتحادیه ها بنظر تضمین نفوذ خود در قراردادهای جمعی می کوشند انواع قراردادهایی را که در سطح کارخانه بر مبنای سیستمهای جدید زمان کار بسته می شود با قراردادهای منطقه ای و در سطح یک صنعت ادغام کنند. ضمناً اتحادیه ها آگاهند که تنها در صورتی می توانند امید به سازمان دادن زنان و کارمندان داشته باشند که نسبت به قبل توجه بیشتری به الگوهای زمان کار و نیازهای این بخش رو به گسترش نیروی کار مبدول دارند. "انعطاف پذیری منظم" عرصه تازه ای برای قراردادهای جمعی است و حداقل در آلمان به معنای این نیست که قرارداد بین کارگر و کارفرما از تمرکز خارج می شود، بلکه مستلزم تقسیم کار پیچیده تری است بین آنها که در سطح منطقه و صنعت وارد مذاکره می شوند و آنها را که در سطح یک کارخانه وارد قرارداد می گردند.

## اجرای ۳۸/۵ و ۳۷ ساعت در هفته

در هیچ قراردادی شکل دقیق و مشخص کاهش زمان کار هفتگی معین نشده است. این امر به کمپانی ها واگذار شده و ترتیب جزئیات ساعات کار و چگونگی زمان منعطف باید بین مدیریت و شوراهای کارگری مورد توافق قرار گیرد. افت شورای کارگری که نیروی کار را فقط در یک کارخانه نمایندگی می کند محدودتر از افت دید اتحادیه است. دستمزدها و امنیت فعلی به موفقیت اقتصادی کارخانه بستگی دارد، و چنین تصمیماتی ممکن است "هویت کارخانه ای" را مخصوصاً در شرایط افت اقتصادی بروز دهد. چنین پدیده ای توسط قانون کار جمهوری فدرال آلمان تقویت شده که محدودیت های زیادی را بر شوراهای کارخانه تحمیل کرده است. بر اساس این قانون شوراهای اتحادیه نیستند حتی اگر ۸۰ درصد اعضای شورا اعضای اتحادیه باشند، و آنها باید "صادقانه" با مدیریت همکاری کنند و مجاز نیستند فراخوان اعتصاب بدهند.

## طرق مختلف کاهش زمان کار

در بنگاههایی که از ترکیب سرمایه ای بالایی برخوردارند کار بی وقته و با ظرفیت بالایی انجام میشود. بنظر می رسد بهترین شیوه برای کاهش زمان کار در این بنگاهها دادن مرخصی به کارگران باشد تا دستگاهها بدون وقته در حال کار باشند. شیوه کاهش زمان کار بصورت مرخصی کامل روزانه عمدتاً در بنگاههای بزرگ مربوط به صنایع فلز مثل اتومبیل سازی مشاهده میشود. کاهش طول روز کار یا کار هفته، در بنگاههایی که ترکیب کار آنها بالاست، مثل مبل سازی و بنگاههای کوچک چاپ، و در بخشهایی که با ظرفیت پایین کار میکنند، مثل بخشهای تزئین صنایع ابزار سازی و تولید کامیون ترجیح داده شده است. بنگاههای کوچک گرایش به

شرکتها کار در روزهای شنبه را برقرار و شیفت های جدیدی را آغاز کردند. کارفرماها فقط به افزایش زمان تولید بصورت انتخابی علاقه نشان داده اند و آن هم در قسمتهایی بوده که تجهیزات گران قیمت مثل ماشین های سی ان سی بکار گرفته شده است.

تولید کنندگان با ترکیب سرمایه ای بالا که متقاضیان زیادی برای محصولات آنها وجود دارد، ساعات تولید را افزایش دادند. در جاهایی که تقاضا در حال کاهش یا ثابت بود و یا افزایش کندی داشت، مجتمع های معین یا چندین کارگاه تولیدی توانستند ساعات کار خود را با متمرکز کردن تولید در کارگاههای معین افزایش دهند. این نوع شرکتها معمولاً کار در روزهای شنبه را برقرار کرده اند، و شیوه کاهش زمان کار در آنها بصورت روز های کامل مرخصی بوده است.

بنابراین عجیب نیست که ائتلاف بزرگ پیشاهنگ طرحهای زمان کار منعطف بوده است. از این طریق نیروی انسانی و منابع مالی خود را پس انداز کرده است. برای مثال مدیریت مرکزی زمینس مذاکرات در زمینه طرحهای انعطاف پذیری را در تمام ۱۱۵ شعبه خود ترغیب و هماهنگ کرد. به مدیران جدید اجازه داده نشد که قراردادهای جدیدی را تا موقعی که موفقیت آنها در زمان کار منعطف بارز نشده است، منعقد کنند.

## تاثیر بر اشتغال

از ۱۹۸۵ مطالعات متعددی که روی تاثیر ۳۸/۵ ساعت کار در هفته بر اشتغال صورت گرفته است نشان می دهد که تفکیک کردن تاثیر کاهش زمان کار از تاثیرات رشد اقتصادی، تغییرات تکنیکی و سازمانی مشکل است. با وجود این تمام تحقیقات تایید می کنند که کاهش زمان کار تاثیرات مثبتی روی اشتغال داشته است. بر اساس بررسی اتحادیه کارفرماهای صنایع فلز افزایش اشتغال به نسبت درصد کاهش زمان کار ۲۱ درصد بوده است. بعلاوه تاثیر بر اشتغال ۱۴ درصد بیشتر می بود اگر این تاثیر بخاطر اضافه کاری فزاینده و بعداً کاهش یابنده خنثی نشده بود. با توجه به همه اینها تحقیقات اتحادیه کارفرماها نشان دهنده ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش اشتغال در اثر کاهش زمان کار است. تحقیقات چندین اتحادیه تاثیر این عامل بر اشتغال را ۶۰ تا ۷۰ درصد ارزیابی می کنند. بیشترین تاثیر روی کارگران شغلی در صنایع فولاد قابل مشاهده است. موسسه تحقیقاتی اداره کار فدرال آلمان برآورد می کند که تاثیر کاهش زمان کار بر اشتغال در بخشهای صنعتی ۴۵ درصد است. استیتوی تحقیقات اقتصادی آلمان این تاثیر را ۵۰ درصد در صنایع فلز ارزیابی کرد. در صورت عدم انجام اضافه کاری این تاثیر می توانست ۳۰ درصد بیشتر باشد.

همه این بررسی ها نشان می دهد که تاثیر کاهش زمان کار روی اشتغال حداقل در بخشهای صنعتی آلمان بسیار بیشتر از گذشته است. به عنوان یک قاعده سرمایه گذاری در ملونیزه کردن صنایع بطور دراز مدت برنامه ریزی می شود و تغییرات در حداقل دستمزد تاثیر چندانی در آن ندارد. افزایش بارآوری در ۱۹۹۰ اساساً نتیجه بکارگیری نیروی کار وسیع و فشرده در دوره قبل از آن بود، اما امروز حداقل برای کارگران علمی ترین متدهای مدیریت بکار گرفته شده و تعداد هر چه بیشتری از کارمندان سهمیه کار را بطور ثابت پر کرده اند. بعلاوه گرایش فزاینده به گروههای کوچک، و تولید تخصصی، افزایش سهم کارگران را محدود خواهد کرد. در موسسات بسیار پیشرفته از نظر تکنولوژیک در واقع مدیران اکنون امکان افزایش تعداد کارگران و نیاز به توسل به اضافه کاری را منتفی می دانند.

## چشم انداز

دهه ۹۰ شاهد این خواهد بود که بخشهای بیشتری راه صنایع فلز را در پیش بگیرند و زمان کار را به ۳۵ ساعت در هفته کاهش دهند. انتظار نمی رود که کشاکش آشکاری در این زمینه در بگیرد، چرا که از بعد از اعتصاب ۱۹۸۴، فضا برای قراردادهای

جمعی باز شد. کارفرماها روند کاهش زمان کار را پذیرفته اند، و اتحادیه ها نیز قبول کرده اند که بر سر کاهش زمان کار در مقابل انعطاف پذیری و دستمزدها، باید معامله کنند.

در دهه ۸۰ وقتی مذاکرات بر سر قرارداد های دراز مدت در جریان بود، فرض بر این بود که معادل اصلی برای کاهش زمان کار انعطاف پذیری بیشتر است. در عمل بعلت رشد اقتصادی که در سال ۱۹۸۴ شروع شده بود، ثابت شد که محدودیت دستمزدها که در بعضی قراردادهای گنجانده شده بود، امتیاز مهم تری است (و اتفاقاً باعث یک توزیع مجدد بین دستمزدها و سود شد). یکی از موضوعات اصلی در قراردادهای آتی، بنابراین دستمزدها خواهد بود.

دولت در نظر دارد که سیستم زمان کار منعطف را با تغییراتی در قوانین رسمی مربوطه شتاب بخشد. اولین لایحه به پارلمان ارائه شده است. اگر این لایحه تصویب شود، کار زنان در شب و کار در روزهای یکشنبه به دلایل "اقتصادی" مجاز خواهد شد، حداکثر کار روزانه از ۸ به ۱۰ ساعت افزایش می یابد، و حداکثر کار در هفته از ۴۸ به ۶۰ ساعت خواهد رسید. اتحادیه ها و کارفرماها ممکن است با وقاحت با این قانون موافقت کنند. (این لایحه با قانون مربوط به زمان کار در فرانسه در سال ۱۹۸۷، و قوانین کار کشورهای بلژیک، هلند، و ایتالیا منطبق است. بازار اروپای واحد ۱۹۹۲ بنظر می رسد حکومتها را تشویق کرده است که سیاستهای خود را در این زمینه نیز هماهنگ کنند.) در این صورت اکثر طرحهای فعلی برای سیستم

زمان کار قانوناً به اجرا گذارده خواهند شد. توسعه اقتصادی دهه گذشته و بازار کار فشرده تری که بهرمان آن بوجود آمد کارفرماها را ناچار ساخت که بهجودهایی در تنظیم زمان کار بوجود بیاورند تا کارگران را جلب کنند. این امر اتحادیه ها را نیز به سازمان دادن زنان و کارمندان در صنایع و بخش خدمات علاقمند ساخته است. یک احتمال مهم این خواهد بود که فرجه برای انتخاب فردی زمان کار (مرخصی والدین، تعطیلات تابستانی، زمان منعطف و امثالهم) بیشتر شود. دهه ۱۹۹۰ احتمالاً شاهد فشار باز هم بیشتر برای انعطاف پذیری، و بوجود آمدن استانداردهای نرم تازه برای کار خواهد بود. این استانداردها ممکن است بخشی از تعطیلات و کار نیمه وقت را شامل شود. اما در عین حال طرح های جدید مثل زمان منعطف و کار در پایان هفته را نیز شامل خواهد شد. ساعات کار هفتگی کاهش خواهد یافت اما ساعات کاری که کارگر در عمر کاری خود کار می کند بخاطر بالا رفتن سن باز نشستگی افزایش می یابد.

اتحادیه های دو آلمان از قبل تصمیم گرفته اند که یکی شوند و یا اتحادیه های جدیدی را بوجود آورند، و مذاکرات در سطح صنایع را جانشین قوانین دولتی سازند. اتحادیه ها تلاش خواهند کرد که هر چه زودتر ساعات کار و دستمزدها را در سطح دو آلمان هماهنگ کنند با این هدف که از مهاجرت وسیع به غرب جلوگیری شود. اما موفقیت آنها هم به رشد بارآوری در شرق و هم به بسیج نیروی کار بستگی دارد.

## معدن یلو نایف در کانادا، جنایتی دیگر

دستگیری و زندانی کردن کارگران در طول مدت اعتصاب صورت گرفت. در طول مدت اعتصاب، معدنچیان اعتصاب شکنها را به رفتن به داخل معدن تشویق کردند و به آنها گوشزد کردند که این معدن امنی نیست و یکی از خواستههای خود کارگران استاندارد کردن ایمنی این معدن است. در طول مدت ۴ ماه اعتصاب ۲ بیار انفجارهایی در معدن صورت گرفت که خوشبختانه تلفات جانی نداشت. یک بار یکی از بازرسهای معدن ۴ کارگر اعتصاب شکن و خود کارفرما را جریمه کرد زیرا آنها بیشتر از مدت قانونی ۸ ساعت در هر ۲۴ ساعت در زیر زمین مانده بودند. قطعاً کارفرما با شو استفاده از ناآگاهی کارگران آنها را به کار بیشتر از مدت تعیین شده وادار کرده است.

بالاخره ۱۸ سپتامبر انفجار مهیبی در معدن روی داد و ۹ نفر از کارگران که ۳ نفر آنها اعتصاب شکن و ۶ نفر دیگر از اعتصابیون بودند که بسر کار بازگشته بودند جان خود را از دست دادند. بلافاصله بعد از انفجار پلیس اعلام داشت که حادثه در اثر انفجار بسبب روی داده است. و اعتصابیون و اتحادیه را به دست داشتن در انفجار متهم ساخت. فضایی از انزجار و تنفر شهر را فرا گرفت. شیشه های دفتر اتحادیه توسط عده ای شکسته شد. برخوردهای زشتی از طرف خانواده قربانیان تحت تاثیر خیر خرابکاری در معدن بودند نسبت به کارگران اعتصابی و خانواده هایشان صورت گرفت. اتحادیه از تمام تشکلهای کارگری در سراسر کانادا خواست در مقابل این اتهام بورژوازی از معدنچیان حمایت کنند. رهبر اتحادیه در یک کنفرانس مطبوعاتی خواستار تحقیق پیرامون انفجار توسط یک هیئت بی طرف شد. زیرا پلیس طرفداری خود را از صاحبان معدن با حمله به کارگران و ضرب و شتم آنها در مدت اعتصاب نشان داده بود. یک هیئت پلیس از یکی از استانها برای تحقیقات به منطقه آمد. پلیس از تمام کارگران اعتصابی بازجوئی کرد و نشانی از خرابکاری توسط کارگران بدست نیامد. اعتصابیون عدم استاندارد ایمنی در معدن را باعث انفجار می دانند و یکی از دلایل آنها برای برنگشتن بسر کار همین عدم ایمنی کامل در معدن است. درست یک هفته بعد از انفجار در حالیکه هنوز تحقیقات به نتیجه نرسیده بود در معدن دوباره باز شد. به قول رهبر اتحادیه "هنوز بدن قربانیان دفن نشده است، معدن دارد کار را از سر می گیرد".

## حمید محمودی

برای معدنچیان اعتصابی معدن بزرگ طلای یلونایف که اعتصاب خود را از ۲۳ ماه مه برای افزایش دستمزد و استاندارد ایمنی بیشتر آغاز کردند، شاید تصور اینکه سرانجام اعتصابشان چنان دراز نکند، دور باشد. در تاریخ ۲۳ مه ۲۴۰ معدنچی که کارفرماهای آنها جاحز به قبول خواسته های بیشتر از قرارداد قبلی نبودند وارد اعتصاب شدند. کارگران اعتصابی از همان روز اول با برپا کردن پیکت کوشیدند مانع ورود اعتصاب شکنان به معدن شوند. روز دوم اعتصاب صاحبان معدن با استفاده از بیکاری وسیعی که در منطقه وجود دارد اقدام به استخدام کارگران اعتصاب شکن با حقوق ۲۵ درصد کمتر از کارگران اتحادیه ای، کردند. اعتصاب شکنها برخلاف قانون کار بدون گذراندن دوره کارآموزی شروع به کار کردند. صاحبان معدن که با سد دفاعی کارگران در جلو درب ورودی معدن روبرو شدند با تریلر به میان صف پیکت اعتصابیون رفتند و در نتیجه دو کارگر اعتصابی مجروح شدند. صاحبان معدن با مشاهده استواری کارگران در مقابل اعتصاب شکنان در روز دوم اعتصاب اقدام به آوردن گاردهای خصوصی از آمریکا کردند. تاکتیکی که تا آن موقع در کانادا مرسوم نبود. استفاده از گاردهای خصوصی شیوه ای بود که برای شکستن اعتصاب معدنچیان آریزونا در آمریکا قبلاً به کار رفته بود این بار در یلونایف به کار گرفته شد. گاردهای خصوصی نیز به تنهایی قادر به مهار اعتصابیون نشدند و در روز سوم اعتصاب در حدود ۵۸ پلیس از یکی از استانهای نزدیک برای کمک به صاحبان معدن به منطقه آمدند تا اعتصاب شکنها را بسر کار ببرند. این وضعیت در حدود چهار ماه ادامه داشت. هر روز صبح کارگران اعتصاب شکن هنگام ورود به معدن با پیکت اعتصابیون روبرو بودند و بالاخره بعد از درگیری و با حفاظت پلیس بسر کار می رفتند. در طول این چهار ماه ۲ بار مذاکره اتحادیه با صاحبان معدن به نتیجه نرسید. چندین بار شیشه های دفتر کارخانه توسط معدنچیان اعتصابی شکسته شد. در یک مورد پلیس با حمله به صف پیکت همسر حامله یکی از کارگران را (زنان برای پشتیبانی از شوهران کارگران در محل پیکت بودند) مورد تکز کاری و حمله قرار داد. در چندین مورد پلیس با پرتاب گاز اشک آور با سپر و باتون به جان معدنچیان اعتصابی افتاد. دهها مورد

# کارگاه امروز

بقیه از صفحه ۹

بنامست هفتاد و هفتمین سال اعدام جو هیل فعال جنبش کارگری آمریکا

## برای من گریه نکنید، سازماندهی کنید

آخرین روز جو هیل

سازماندهی کارگران تقب کن خواهم شد و شعبه ای دبلیو دبلیو را ایجاد خواهم کرد. ما آرزوهای خوب و قدیمی مان را چنان بلند خواهیم خواند که زمینیان یکبار برای همیشه باور کنند که مریخ نیز دارای سکنه است. ... من همیشه برای بهتر شدن زندگی طبقه تولید کننده تلاش کرده ام. من فردا به سرزمین ناشناخته ها میروم، با شادی و آگاهی از اینکه هرگز در زندگی ام به هیچ زن و مرد و کودکی بدی نکرده ام.

چند ساعت قبل از تیرباران جو هیل، پریزیدنت ویلسون تلگرافی به این مضمون به فرماندار یوتا ارسال کرد: "محترما از شما تقاضا میکنم که اگر امکان دارد اعدام جو هیل تبعه سوئد را تا زمانیکه نماینده دولت سوئد فرصت کافی برای ارائه مدارک جدید به دادگاه پیدا کند به تعویق بیندازید." فرماندار فوراً جلسه ای با قضات دادگاه عالی تشکیل داد و تقاضای پریزیدنت ویلسون را بررسی کرد و اجرای حکم اعدام به تعویق افتاد.

با تعویق حکم اعدام مبارزه برای آزادی جو هیل وارد فاز جدیدی شد. سی و پنجمین کنگره کشوری کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آمریکا (ا.ا.ا.ال) قطعنامه ای جهت آزادی جو هیل صادر کرد. اتحادیه معدنچیان آمریکا کمک فراوانی به صندوق دفاع از جو هیل کرد. شاخه ای دبلیو دبلیو انگلستان میتینگ و تظاهرات بزرگی با خواست آزادی جو هیل برگزار کرد. هلن کلر طی نامه ای از ویلسون خواست که برای آزادی جو هیل تلاش کند. مضمون قطعنامه ها و نامه ها اعتراضی بر این مینا استوار بود که جو هیل، کارگر مهاجر بخاطر فعالیتهاش در جنبش رادیکال کارگری است که محاکمه میشود. اما سرمایه در غرب وحشی و خشن تصمیم خود را گرفته بود. جو هیل به تیرباران در ۱۹ نوامبر ۱۹۱۵ محکوم شد.

بقیه از صفحه ۹

## درباره نقد چپ در انقلاب ۵۷

که در موقعیت مزه بگیری بسر نمی برند، می توانند به برنامه و اهداف سوسیالیستی - کارگری دست پیدا کنند و آن را پراکنک نمایند و جنبش کارگری و جامعه را در نهایت بسمت اهداف سوسیالیستی به پیش ببرند.

لطفاً پاسخ بدهید که آیا بین بخش کارگری فدایی و پیکار با بخش دال - دال آنها از نظر تأثیری که بر جنبش کارگری داشتند فرق قابل هستی یا نه؟ آیا اگر کسانی که برای میتینگ فدایی در میدان آزادی جمع می شدند اکثراً کارگران بودند، جنبش کارگری در ظرفیتی دیگر خود را نشان نمی داد؟

قضیه کاملاً روشن است که اگر بافت گروهها و آن "چپ" کارگری بود. بجای یک "سندیکای پروژوی آبادان"، حداقل در هر منطقه صنعتی یک سندیکای پروژوی با توان و ظرفیت بالایی می توانست موضوعیت داشته باشد. "خانه کارگر تهران" بجای اینکه ۱۰ ماه دوام بیاورد حداقل تا ۳۰ خرداد ۶۰ در ابعاد گسترده ای می توانست فعالیت کند. بهار اتحاد شوراهای گیلان" به آن سرعت به خزان مبدل نمیشد. و دهها و صدها نمونه دیگر.

آیا اینها شق القمر را تداعی می کنند؟ نمی دانم ولی این نکته روشن است که آنوقت تاریخ جنبش کارگری را باید طور دیگری نوشت. بهر صورت کارگران باید به نیروی خودشان آزاد شوند و تا آنجایی که کارگران پیشرو به این قضیه واقف گردیدند، به مسئله درستی دست یافته اند، ولی ناکافی است. بر پرچم جنبش کارگری باید سیاستها و اهداف سوسیالیستی رقم زده شود و در این رابطه دست روشنفکران کمونیست را که برای رهایی کارگران از قید

شاخه گل سرخ و یک شاخه گل سفید بر سینه اش نصب کردند. جسد طبق درخواست جو هیل به خارج از ایالت یوتا و به شیکاگو منتقل شد.

هیچ سالنی در شیکاگو گنجایش پذیرش چندین هزار نفر از آخرین بازید کنندگان جو هیل را نداشت. مراسم یادبودش با آواز "کارگران جهان بیاخیزید" سروده جو هیل آغاز شد. هزاران نفر در بیرون سالن تجمع کرده بودند. سپس آواز "دختر طغیان" خوانده شد. قبل از سخنرانی وکیل مدافعش، این گفته جو هیل توسط ۳۰ هزار نفر شرکت کننده در مراسم تکرار میشد که "برای من گریه نکنید، سازماندهی کنید".

روزنامه نگاری در آنروز نوشت: این کیست که مرگش با سزادهای انقلاب جشن گرفته میشود و در کنار تابلوی جمعیتی بیشتر از عزاداران پادشاهان و رهبران دولتها شرکت دارند. در روز بعد جسد جو هیل برای سوزاندن به قبرستانی در شیکاگو منتقل شد. کمیته ناظر برای سوزاندن جسد جو هیل آخرین وظیفه اش را با تحویل خاکستر جو هیل انجام داد. خاکسترش را در پاکتهای متعدد گذاشتند و برای تمامی دوستداران، فعالین و اعضای ای دبلیو دبلیو در ۴۸ ایالت آمریکا (به غیر از یوتا) و کشورهای آمریکای جنوبی، اروپا، آسیا، استرالیا، زلاند نو و آفریقای جنوبی برای پخش در مراسم اول ماه مه ۱۹۱۶ ارسال کردند.

در شب قبل از تیرباران جو هیل، سخنرانی در سالن "کیپ سیتس" گفت: "جو هیل هرگز نخواهد مرد، او را هر روز خواهید شنید، جو هیل هرگز نخواهد مرد".

بجای موخره

جو هیل تیرباران شد. تیرباران کنندگان جو هیل بیهوده می پنداشتند که می توانند با قرار دادن فشنگ خالی در میان جوخه اعدام، هویت اعدام کنندگان را بیوشانند. چهره، هویت و ماهیت نیرویی که جو هیل را اعدام کردند برای کارگران پوشیده نبود و نیست. محاکمه سرمایه منتهاست آغاز شده است. مبارزه اجتماعی کارگر در هر گوشه این کره خاکی هر روزه صحنه ای از این دادگاه تاریخی است.

بندگی و مزدوری فعالیت می کنند باید فشرده.

پیشرو چه کسی بود

رفیق محملی دست آخر می نویسد: "به نظر من تصمیم اکثریت فعالین کارگری چپ در پیوستن به سازمانهای چپ انقلاب ۵۷ نسبت به تصمیم اقلیت آنان مبنی بر فعالیت منفرد عملی پیشرو بود".

سوال: چرا کارگری که به سازمانهای چپ پیوست پیشروتر بود؟ اگر معیار پیشرو بودن از نظر جنبش کارگری مطرح است، پس لطفاً توضیح بدهید که کارگرانی که به سازمانهای چپ پیوستند کدام فعالیت کارگری آنها تسهیل شد؟ کدام بار از دوش آنها برداشته شد؟ کدام مشکل ذهنی آنها در رابطه با فعالیت حل شد؟ کدام رهنمود کارگری - سوسیالیستی واقعی در جهت پیشبرد مبارزات روزمره، سازماندهی توده ای - کارگری مرزبندی با گرایشهای رفرمیستی، ناسیونالیستی تقویت شد؟ و دست آخر این "پیوستن" باعث شد که کدام سنگ از روی سنگ در جنبش کارگری برداشته شود؟ قصد این نیست که از رفیق کارگری که به سازمانها پیوست دفاع کنم و بگویم: حالا او پیشرو بود.

ولی واقعیت این بود که وی در بدترین حالت و بقول شما "کارگری با فعالیت منفرد" در اعتراضات روزمره حضور داشت و در محیط واقعی و طبیعی خودش بسر میبرد، و بعنوان یک کارگر "چپ منفرد" آنچه از دستش بر می آمد انجام می داد. ولی آنها که به سازمانها پیوستند چه در خانه های تیمی بسر می بردند، انقلابی حرفه ای شدند و از محیط طبیعی خود کنده شدند. در هسته ها و حوزه ها به بخشهای مالیخولیایی پرداختند. اعلامیه پخش کن و خبرنگار نشریاتی شدند که محتوای آنها مشکلی از مشکلات روزانه و آتی کارگران را حل نمی کرد.

به جنگل رفتند، به کوه زدند، پیشمرگه شدند، بخش وسیعی از آنها سر قرار

ناصر یادگار - آلمان  
نوامبر ۹۲

## نظری بر تحریم

### پارلمان کردستان عراق

فکر می کنم همه این رقبا از قدرت جنبش ناسیونالیستی در کردستان عراق واقف بوده و هستند و شرکت وسیع مردم در انتخابات هم این را تأکید کرد. من در مورد اهداف بورژوازی کرد از انتخابات صحبتی نمی کنم و فرض بر توافق کامل با مباحث این رقاست. همه بر این توافق داریم که جنبش کارگری در عراق و یا در کردستان عراق در چنان موقعیتی نیست که خود اراده خود را اعمال کند، و گرایش کمونیستی کارگری هم از چنان قدرتی برخوردار نیست که این جنبش را به چنان تحرکی واداره. خوب در چنین اوضاعی علیرغم هر موضع گیری ما عملاً آنچه که زندگی آینده این نسل از کارگران را رقم میزند همان اقتدار بورژوازی و پارلمانش است. همیشه و همه جا باید که هدف بورژوازی را از طرح پارلمان اعلام کرد ولی این به تنهایی کافی بنظر نمی رسد. طرح برنامه حکومت شورایی باید پخش و تبلیغ شود. همینطور تک تک مواضع کمونیست ها می باید روزمره تبلیغ و ترویج شوند. ولی اما جنبش کارگری و مردم عادی تجارب خود را تنها از شنیدن سخنان مبلغین و ... کسب نمیکنند. تجربه روزمره آنها به آنها میگوید که سره چیست و ناسره چیست؟ میشود با تحریم پارلمان و تبلیغ مدام در هر مورد و هر موضع و هر مسئله روزمره ای سعی کرد که مردم را روشن کرد، این شاید راهی باشد اما راه دیگر در اوضاع و احوالی که این امکان بعلت خلا قدرت سیاسی و نا انسجامی بورژوازی کرد و تمام فاکتورهای عینی آندوره برای شما فراهم است که در پارلمان شرکت کنید و با پلانترم مستقل خود و تبلیغ و پروپاگاندا همیشه، عملاً به مردم

بقیه از صفحه ۹

## نباید گذاشت علی امید گمنام بماند

کاملاً به جا. تلاش شما برای جا انداختن یک شیوه سوسیالیستی کارگری به تاریخ جنبش سوسیالیستی کارگران و عکس العمل به موقع و موشکافانه شما به کتاب منتشره از جانب یکی از فعالین تشکل کارگری آنسوی استودی و قابل تقدیر. آیا حاضرید با توجه به شاهدان زنده و مجموعه اسناد موجود زحمت این را به خود بدهید تا جوانب مثبت و منفی نقش ایشان و کلا تنظیم و نگارش تاریخ این رهبر گرانقدر جنبش سوسیالیستی کارگری را روشن نمائید؟ اگر این کار ارزشمند را شروع کنید من یکی حاضریم با تمام امکانات شما را یاری رسانم.

تا لااقل برای خودتان هم روشن شود که در جریان کودتا و پس از آن فقط در زندان و کارگر حمام نبوده و همچنین گمنام هم نمرده است. ایشان نامها و القاب زیادی داشته و از کارگران دریافت کرده است مثلاً "دستخط" یکی از آن القاب است که بواسطه خط قشنگش و نگارش نامه برای کارگران زیادی و آموزش نوشتن و خواندن به خیلی از کارگران و دست به دست شدن نوشته اش از جانب آنها گرفته است.

اگر رفیق ایرج این کار را با توجه به توانایی که در او سراغ است شروع کند. من مطمئن هستم که شاهد آن رسوایی که در فصل آخر نوشته اش تحت عنوان "شکست و سقوط" درمورد یوسف افتخاری می نویسد، در علی امید چه در مقابل دولت و چه در مقابل حزب توده و دم

بقیه از صفحه ۹

## مصادره زمینهای

را شروع کردم. کلمات همینجور از دهان بیرون می آمد، گلویم درد گرفته بود، معلوم بود دارم جیغ می زنم. تمام آمادگی ام برای سخنرانی پنبه شد و دردم برهم حرفهایی زدم، صحبت هایم که تمام شد صدای کف زدن مردم عرقم را حسایی درآوردم.

قط قط یادم هست که آخر صحبتهایم گفتم:

نشان دهید که پارلمان جای حل مشکلات زندگی مردم نیست و عملاً مطلوبیت حکومت شورایی را نشان دهید و ... و مردم شما را در موضع اپوزیسیون بیابند، این قطعاً پروسه تفکیک سره از ناسره را کوتاهتر خواهد کرد. گفتیم که علیرغم هر بحث سیاسی آنچه که در حال حاضر زندگی مردم را رقم می زند همان پارلمان لعنتی است. (ببخشاند).

چندی پیش اطلاعیه یکی از سازمانهای کمونیستی عراق را دیدم که در مورد درگیری های داخلی احزاب مختلف ناسیونالیستی کرده، از مردم خواسته بود که پارلمان را تحت فشار قرار دهند تا چنین وقایعی قطع گردد و پارلمان را جای طرح اختلافات و پایبندی به دموکراسی بدانند.

این تجربه خوبی است بنظر من اگر شما با پلانترم خودتان و با نقدتان از پارلمان در انتخابات شرکت می کردید و در پارلمان سعی میکردید که حرفتان را به گوش مردم برسانید و در قدم به قدم این اقدامات همواره مردم راه دیگر شما را می شنیدند، آنوقت شما شرایط بهتری را برای رشد بیشتر و نقد عمیقتر برای جنبش کارگری فراهم می کردید.

حکمت جایگاه رفوم برای جنبش کارگری از همین جاست. اگر زورتان میرسد که حرفتان را بر مسند قدرت بنهید که یک لحظه تامل همه جایز نیست. اما در شرایطی که چنین نیست مردم و کارگران راههای زندگی دیگری را برای خود انتخاب می کنند که اگر امکان دخالت کمونیستها باشد نباید یک لحظه هم از آن غفلت جویند.

بنظر من جنبش کارگری سوسیالیستی عراق پتانسیل عظیم خود را در درک اوضاع و شرایط گوناگون نشان داده است.

حسین منوچهری - آلمان  
۹۲/۱۱/۱۱

دستگاهش نخواهد بود. همه می دانند که حزب توده هیچ وقت جرات نکرد که علی امید را به خود نسبت دهد و به آن افتخار کند. کاری که مثلاً در مورد خسرو روزبه به وفور انجام داد. مثلاً این گفته در مورد خسرو روزبه به زندگی تو به حزب افتخار می کردی، کنون به نام تو حزب تو افتخار کند.

روشن است که در کمپ احزاب و جریانات سرمایه دولتی و دیگر جریانات بورژوازی اگر چه به نقش و اهمیت جنبش کارگری واقفند، جریانی در پی روشن شدن نقش مثبت و منفی علی امید نیست. در زمان حیانتش بعد از گرفتاری بعد از کودتا عبدالرحمن فرامرزی یکی از وزرای شاه با شانتاژ و اینکه هر کس سراغ او بیاید جانش در خطر می افتد مانع حتی نزدیک شدن خانواده اش به او شد. هنوز که هنوز است مردم آن منطقه به عبدالرحمن فرامرزی و حتی برخی از اعضای خانواده بی جرات و آلوده به دم و دستگاه آن رژیم تنف می کنند. واقعا نباید گذاشت او گمنام بماند و به ابدیت پیوندد.

من هم محلی علی امید هستم و ایشان دوست و رفیق شخصی پدرم و همه کارگران محل بوده است. پدرم در محل و بین کارگران محل در بحرین و قطر به کمونیست، ضد شاه و ضد توده ای معروف بوده و هست. الان هم زنده و حی و حاضر است و اسمش هم محمد شریف ملایی است.

ابراهیم ملایی

توضیح: کارگر امروز این نامه را برای ایرج آفرین ارسال کرده است.

انقلاب واقعی یعنی همین، خودمان به نیروی خودمان عمل می کنیم، همین الان زمینها تقسیم می شوند. هر زمینی که به هر کس افتاد، او صاحبش است. هر کس خواست زمینها را از ما بگیرد باید از روی تعشان رد بشود!

شیرینی لحظه ای را که زمینها خط کشی می شد، آجر و آهک ها بسرعت خالی می شد، گرد گچ مژه های مردم را سفید کرده بود و صدای ترنم انگیز کودکانی که به پدر و مادرهایشان کمک می کردند، هرگز فراموش نمی کنم.

# Out of work, but not out of union

Interview with Danish unemployed typesetters' representatives

Danish typesetters, when they lose their jobs, retain their membership in the union and do not have to pay dues. They organise in the union to fight against unemployment, supported by union funds. Mahmood Ghazvini and Hormoz Mansoori, *Worker Today* co-workers in Denmark, talked to members of the Unemployed's Representative Delegation (ALO) within the Danish Typographic Union. The translation is, indirectly, from the Persian text. Excerpts:

Tell us about your union.

**Elne Schgonning:** We are one of the democratic unions in Denmark. All the decisions are made through voting, everybody can elect and be elected... The union helps us in all of our plans and programs. Other Danish unions don't have the democratic traditions we have.

Our union has extensive international activities. We are member of the International Printworkers Union, which has ties with almost all the unions across Europe.

**Vitos Borreng Olsen:** The union allocates Dkr160 a month for every unemployed member. This is used to fund the various events - from get-togethers, to holding, for example, concerts or discussions on various topics.

What's the rate of unemployment in Denmark generally, and in typesetting particularly? And what do you think the reason is for it?

**Elne Schgonning:** It is 11% in Denmark, and about 20% in the typesetting branch.

**Ivan Larsen:** The cause of unemployment is the policies of the ruling Conservative government. They don't do anything about it, but are just worried about their balance of payments.

The primary, fundamental cause of unemployment in the printing industry is the application of modern techniques. It has eliminated many of the jobs. Moreover, the labour contract doesn't cover the problems of modern labour. For instance, the application of Desktop publishing is not stipulated in the contract. Companies like IBM have simplified the typesetting work to such a degree that anyone can do it with the help of a computer in their home. We are fighting against this. We demand that typesetting work should be referred to known centres, companies and advertising agencies.

What activities have you and LO (confederation of Danish trade unions) done to fight the problem of unemployment?

**Elne Schgonning:** There's a big difference between the unions today. Some of them are active in this respect. So, we work together with them - to oust the Conservative government, for example. But there are some which are indifferent. We cooperate with the unions that are militant and progressive... For instance, on 6th of October, the reopening day of the parliament, we organised a joint demonstration... But such things have become somewhat difficult to do these days. Many people in Denmark are filled with despair and

disappointment. Those who are employed are concerned about their jobs. So, many people are afraid to put up a struggle. It is our, as well as all progressive unions', duty to fight the existing mood among the workers, and call upon them to struggle against the present Conservative, reactionary government.

**Ivan Larsen:** Unions haven't done much by way of struggle during the past few years... We believe unions and the labour movement have been very quiet during the past few years, and have done nothing to unite the existing dissatisfaction against the government. They have, in fact, been quite idle and useless.

We, in the ALO, are trying to work out a national program. Our organisation has been there for a few years now, but still it isn't a national organisation...

**Elne Schgonning:** I'd like to quote an old, well-known sentence from the Communist Manifesto here: "A specter is haunting Europe - the specter of communism". The specter that is haunting Denmark today is the specter of unemployment. It's very difficult to put forward demands and urge the workers to struggle for them when there's such widespread unemployment. The employed are afraid to lose their jobs, and the unemployed can't figure out any solution. Their minds are haunted with questions like how they should spend their days, how they should provide for their family... If both the husband and wife are out of work, they'll have to rent an unsuitable place, feed their children only improperly, etc. This is our plight. Although it's not exactly like the plight [of the working people] in Africa or in a country like Iran, we should keep fighting for better conditions. Our better conditions will influence the situation internationally, and chances are that poor countries will also rise to fight for such conditions.

What necessity is there for an organisation of the unemployed within the same union?

**Elne Schgonning:** To prevent the worsening of the situation. We have no problem, in any regard, with our union or with the employed. This is just an attempt for a special situation. We arrange meetings, picnics and parties for the jobless lest they should stay alone at home; something which is really hard. All the necessary expenses are paid by the union. We're the only union in Denmark where the unemployed members don't pay any dues and, instead, those who are working pay the highest dues in Denmark and in the world. This is in itself a real working-class solidarity. I'm

proud of the Typographic Union. There are few unions where their unemployed have such an organisation. I hope we'll see it form in the rest of the unions as well.

**Ivan Larsen:** All the same, we're not in such a good shape. Our union can do a lot more. It's being very sluggish. It hasn't been in the arena of struggle against this Conservative government for years. We in the ALO are not just an organisation to arrange fishing trips and hold parties. I said the same thing in an interview with a Danish journal called "Kommunist" - and it caused some arguments and frictions among us.

**Elne Schgonning:** We have our differences, too. I disagree with Ivan. I believe our union has done a lot for the unemployed. We chose our representatives ourselves, and they've done a lot so far. We're in the process of merging with several other unions in order to build the amalgamated printers' union. Well, our representatives are busy doing such tasks. Now it's possible that in the midst of all this they pay less attention to the jobless, and this sometimes causes frictions between us. But, these aren't serious, and we can cooperate very well.

You want to get rid of the Conservative government. What is your own alternative?

**Elne Schgonning:** We want to bring to power a government of the Social Democrats and the Socialist People's party. Of course, this is only the first step; we should then put pressure on them to follow a working-class policy.

What do you think of the 35-hour week?

**Elne Schgonning:** We're all agreed on it, and have been fighting for it for years. But LO didn't back this slogan...

What do you say on the growth of racism?

**Elne Schgonning:** We're against racism. In the '30s the Nazis were blaming the Jews for the unemployment; the circumstances today are more or less like those years. Massive unemployment existed at that time, too. People didn't have food and clothing. Difficulties were immense. This force should have been mustered against the ruling regime, but it was abused, and directed against the Jews; just as today, when the blame, instead of being aimed at the Conservative, reactionary government, is being put on the immigrants and refugees.

The deportation of asylum seekers that takes place in Denmark is really alarming. This is racism. However, we haven't yet experienced racism with the same degree of violence as in Germany.

**Ivan Larsen:** I'm sure that the Danish people want the foreigners to have good, equal standard of living; this is the people's attitude. But the economic situation, on the other hand, enables racism to crop out a bit. So, unfortunately I can't

say racism doesn't exist in Denmark.

Is there anything else you would like to add?

**Elne Schgonning:** ... We wish for the working-class unity between the employed and the unemployed. Those who have jobs know very well that their turn will come tomorrow. So, they should unite with the unemployed within the unions. Eight to ten years ago workers used to take part in large numbers, in demonstrations

against a reactionary legislation or a labour contract. But today, they don't dare to stand up to the employers, and the latter have got the upper hand. In Britain, for example, Murdoch sacked all of the typesetters and replaced them with some electricians. The employers intend to do the same thing here in Denmark. But, so far they haven't succeeded. We are busy building a large printers' union.

And please print this sentence at the top of the interview: WORKERS OF THE WORLD UNITE!

From p.15

## Iranian nationalism blames Afghans for unemployment

socialism could be foreseen; even if they hadn't announced its defeat, the society itself had already rejected it. They destroyed it before workers could, and called this 'the destruction of communism'.

We should not be disappointed. Many problems confront us which we should address and try to solve. The various capitalist models, and the later altered versions, are not the solution to our problems; they are attacks against us. The solution for a human life and a human world is only possible by our own hands. Communism will never lose its relevance; as long as there is capitalism, exploitation, and inequality, this social conflict

will also exist...

The force for change is there, but we must first set about eliminating its problems today. We should work for an international workers' organisation. This is a necessity. I believe in and work for this. Some may say that this is an illusion, and argue that those parasites have armies and nuclear bombs with which to beat us down... It is a fact that capital is brutal, and has always been so. But in fact workers' hatred is much stronger than capital may imagine. The world developments until now have shown that they are nothing against our organised force.

### In the Persian Section

In addition to the articles in the English section, the Persian section of this issue includes:

• "Don't cry for me, organise!" - on the 77th anniversary of Joe Hill's execution • We won't accept a wage freeze! - interview with Lars Tornman, miners' leader in Kiruna, Sweden • Workers of the world, unite! - interview with unemployed workers' representative delegation within the Danish Typographic Union • IG Metall's 17th Congress: a political congress - article • The central issue is that this activity is from within the labour movement - interview with Ali Javadi, coordinator, Labor Committee

on Iran (in US) • From 40 to 35-hour work week in Germany - translation (part 2) • Workers' children: society's invisible victims - article • Yellow-knife mine in Canada: another crime - article • Women's assassination in Iraqi Kurdistan - translation • Release Mahmood Massarwa, Palestinian union activist • Letters to the Editor: - On boycott of parliamentary elections in Kurdistan: - *Worker Today* should play its role with regard to Marx's socialism: - condition of Iranian workers in Japan.

The news of workers' struggle around the world is published in more detail in the Persian section.

ISSN 1101-3516

کارگر امروز  
فهرده انترناسیونالیستی تاریخی  
WORKER TODAY  
An International Workers' Paper

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahrem Soroush  
Translations: Amir Hedayat, Siavash Rishi  
Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

### Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of  
 Six months  One year  
 Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution \_\_\_\_\_  
 Address \_\_\_\_\_  
 Postcode \_\_\_\_\_ City \_\_\_\_\_ Country \_\_\_\_\_

Subscription Rates  
 Europe  
 1 Year SKr140  
 6 Months SKr80

Elsewhere  
 1 Year SKr210  
 6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

## Iranian nationalism blames Afghans for unemployment

Interview with Mohammad Ahmad-Karim

Mohammad Ahmad-Karim is an immigrant Afghan worker in Iran. During a recent visit abroad, he talked to Fateh Jahani, *Worker Today* co-worker, on the situation of Afghan workers in Iran, Iranian nationalism, and the state of the labour movement in Iran. Excerpts:

**What made you emigrate to Iran? What were your expectations, and did these turn out as you had hoped?**

A large number of Afghan workers have emigrated to various countries because of the harsh living conditions in Afghanistan. I am one of them.

We left the country unwillingly. People in Afghanistan - particularly workers - have been putting up with appalling conditions, and there is little, or no, hope for things improving. There is rampant starvation, unemployment, inflation, lack of rights and inequality, and children die in droves. People have to toil day and night just to stay alive. There are all sorts of diseases, and there is no health care. Where there is health care, it is the reserve of the rich. On top of all these, the reactionary war has brought all kinds of privations.

All my efforts to scrape together a decent living failed... My last resort to have a human and decent life was to emigrate.

That's how I came to Iran... At first I was relieved to enter the country. But very soon I saw that in Iran too there is mass unemployment, inflation and all sorts of inequalities. So I forgot about the decent life I had been hoping for.

I went around for a while. Later, I began to work as a street vender and made a bare living. After a difficult year, I got a job in a factory through an Iranian colleague. He also found me a cheap place to stay. When the people of the area saw how poor we were they welcomed us and later helped us have our children sent to school. My children are now educated and have their own lives; their expectations of life have grown, and they hate poverty and backwardness.

Except for the first year, my six and a half years' stay in Iran is full of good and lasting memories. My children and I learned the meaning of life more than ever before. I'll never forget those fellow workers who were kind to us. I can't give up the struggle, and owe my present way of thinking to the communists I met in Iran.

**How are the Afghan immigrants treated in Iran?**

The attitudes are different. First of all, the Islamic Republic recognises no rights for Afghan, or other, immigrants - and not even for its own citizens. If for some sections of Iranian workers there is something called Labour Law - even that being forced on the government by the workers' own struggle - for the immigrants there is nothing. Any immigrant who talks about labour laws is deported from the country. Even Iranian workers have been jailed and executed in connection with

[struggle for] their demands and rights. The Islamic Republic looks on immigrants as slaves who should submit to the most menial jobs. As a result of what the Islamic Republic has done there is no organisation for the immigrants. To struggle against the system, immigrant workers should join forces with the militant workers in Iran.

Before, an Afghan worker had to rely mainly just on himself/herself, as an individual. But fortunately this dispersion is gradually ending, one reason being the friendly relations with Iranian workers. We want to have this comradeship and should have tried to build it up sooner. Afghan workers working in working-class districts have joined forces with Iranian workers in fighting for better wages, against the harsh working conditions, etc. If this solidarity is strengthened the Islamic Republic will not any more be able to repress us just because we are immigrants.

Another factor which has been burdening the Afghans is this reactionary phenomenon of Iranian nationalism. This is a daily threat against us. Iranian nationalism blames Afghans for the unemployment, inflation and lack of rights. This same trend is active in Europe and elsewhere as racism. I think the pressure by nationalism on Afghans is due, on the one hand, to the absence of labour organisations in Iran, and, on the other, to the indifference and negligence of a large section of the Afghan workers themselves.

These intimidations can be ended through solidarity between Iranian workers and Afghan immigrants, and through their joint struggle. If Afghans immigrants had not in the beginning submitted to the lowest jobs, now they would be receiving more support from the Iranian workers. But it is not too late. We will certainly not be left in the lurch and will be warmly welcomed by many workers. The closer the ties between Afghans and the other workers and noble people, the quicker this process will take place. Though, unfortunately, this has not yet included the majority of Afghans and Iranians, a climate is gradually being built up through the efforts of conscious and militant workers - particularly socialist workers - to bring about this brotherhood and common cause in a practical sense.

The existing comradeship has not only helped to raise the cultural level of Afghan workers, but has also helped them in the struggles in the workplaces around labour issues. Any existing frictions should be seen as due to two factors: First, Iranian nationalism is hostile to immigrants and regards them as a threat. Secondly, Afghan workers, because of the harsh conditions they were under in Afghanistan and the high unem-

ployment in Iran, when they find a job do not bargain. This has hurt the feeling of the Iranians. But it is not only Afghans who give in to degrading and badly paid jobs; a large army of the unemployed is doing just that right now.

For the reasons I mentioned, the attitude towards the Afghan immigrants is different. But I am hopeful of a closer solidarity between Afghan and Iranian workers. I hope that the socialist workers in Iran, by their intervention, will be able to stand in a united barricade with the Afghans against capitalism.

**Could you talk about your living conditions in Iran.**

My living conditions in Iran, as an immigrant there for six and a half years, are certainly representative of the life of the majority of the Afghan immigrants living there. Thanks to the present situation in Iran and the appalling conditions created by the Islamic Republic, many noble people virtually die and come to life a hundred times a day. Naturally, the burdens weigh more heavily on the immigrants. Unemployment, homelessness, inflation, injustice, imprisonment and executions run amok throughout the country. But the anti-government protests have never receded, despite all the repression...

Of course, under such conditions the life of the immigrant is harder. For them jobs are more difficult to come by, and even if a job is found, it is an unregistered one. The situation of the immigrants who have 'permanent' jobs, or those who work in factories on a seasonal basis, is comparatively better than that of the street vendors. My life was along the same lines. To make a bare living, I had to work in the factory during the day, and sell things on the streets in the evenings... My real age is 30, but I look 45 and more. The living conditions in Iran are hard for both immigrant and indigenous workers.

**Some say Afghan workers act as strike-breakers. What do you say on that?**

First of all, there is no talk of such things in the labour movement, and the socialist workers don't waste their time on such things. The Afghan and Iranian workers have increased their friendship and brotherhood. The prejudices against Afghans are gradually fading. Now a large section of Afghan immigrants in Iran consider themselves as having a common cause with the other workers in Iran, and cooperate with them and join in the same fight for a decent and human life.

Although, in political respects and from the viewpoint of labour struggles, Afghan workers lag behind Iranian workers, their emigration to various countries has had the effect of drawing them closer to relying on the power of collective struggles. Today you see that most Afghan immigrants hate the Islamic Republic and capitalism; the motive to fight and their attraction towards communism have been strengthened. Socialist workers should take notice of this force and help them to organise. Blind judgements are not only not helpful for our unity, but fuel the prejudices against the immigrants.

Afghan immigrants have no rights whatsoever. Their very humanity is insulted, on a daily basis. From the day they enter Iran, or any other country, they end up scattered in different cities, and are faced with enormous difficulties. Those who really support strikes and struggles, should come and help the immigrants, and enlist them in the ranks of the struggle. They have problems finding food, housing and jobs, and are subject to humiliation. There have been no labour organisations to help them. So, if in such a world they submit to overtime and to night-work, with the least rights, because they are hungry, there are reasons for this. This is not strike-breaking.

Armies of unemployed workers in the squares bring each other's wage levels down by competing for jobs. And when the employers want to sack a militant worker, they take advantage of the unemployed. So in that case, even the Iranian workers are strike-breakers. But I think it is wrong to reason this way. When things are as they are, this just shows our weakness, and we must admit it. Socialist workers can play a useful role here. Unemployed workers, street vendors, etc, should be alerted to this fact; they should be made aware that this is not the way to have a decent life. These workers should join together and organise around demands for jobs, unemployment benefit and a working-class labour law. They should build their own organisations and in this way win their demands. The solution to poverty, unemployment and disorganisation lies in such actions.

**As a worker who has lived and worked in Iran for over six years, could you talk about the situation of the Iranian labour movement and the issues it is facing?**

The Iranian labour movement is a living movement and we are constantly witnessing struggles across the country. But at the moment it is disorganised and is not ready to make a line up against the bourgeoisie in Iran. It is wrestling with the economic difficulties that it is under. The system and the laws in place in Iran have posed the most serious barrier to workers' organising. Iranian workers have been deprived of their own genuine organisations. From the viewpoint of the Islamic Republic, the struggle to form labour organisations is a political crime. In this class battle many workers have been arrested and executed. And through such methods workers have been kept disorganised. But despite all these anti-worker measures, the issue of organisation is still alive, and has repeatedly come up on the agenda, as an economic and political necessity. Strikes and other forms of protest have taken place over this demand.

Of course, the state laws are not the only obstacle to the building of labour organisations, and other non-worker social pressures have contributed to it. Iranian nationalism blames Afghan workers and foreigners for the workers' problems. As a matter of fact, this reactionary tendency's concern is not wage improvements; it hates foreigners, and works just like racism... Until now the only tendency that has taken the workers' demands seriously is the worker-

socialist tendency. Unfortunately this trend is not a dominant one, but if it continues as it is doing now, there should be more hope for victory.

I think if in the context of the current struggle for economic demands the labour movement were to achieve its genuine organisations, then the indifference, conservatism and so on would vanish in the process; then a large force would enlist in the labour organisations and take up more serious fights.

At this moment the only tendency that the employers are frightened of is the workers' socialist force. I view the Iranian labour movement as a serious force; I have myself learnt and experienced a lot from it...

I think if the conditions that exist in Europe also existed in Iran, the workers' socialist rank would no doubt mobilize a big force behind it. This could not only bring the present regime down, but would also destroy capital. Workers in Europe should take more advantage of this opportunity. I am not against any form of workers' organisation, but remaining at the trade-unionist level - and that with the kind of policy and programme that they have - disappoints the workers. Unions are losing force every day, and this has political and economic reasons. The European workers, in their open political climate, should engage in political struggles with wider demands. Their marking time at the level of unions, with this failing to solve workers' problems, should be seen as their main weakness. With regard to their policies and programmes, I feel that they are miles off workers' interests. This should be changed, and workers' essential demands addressed. Right now the labour movement in Iran has put forth the idea of workers' councils, and I think that the council and its traditions would mobilize a big force behind it. Although Iranian workers are under savage Islamic repression, they have raised many demands. We have the case of the anti-labour Labour Law which the government had to alter several times, frightened of workers' struggles - and this under the conditions now prevailing in Iran!

**The capitalist world is proclaiming that communism has ended. What is your view? Do you defend communism?**

Yes, I defend communism and believe in its existence. I not only defend communism but work for it. Of course, what the capitalists are shouting about has preoccupied many people's minds. But you have to know that what was defeated was itself capitalist, i.e. state-capitalism and bourgeois socialism. Communism is still there, and its legitimacy is there. Communism is this very protest by you and me. The defeat of bourgeois socialism, and its alternative - the market and the New World Order - have distracted the society for a while. But this won't last...

I defend Marx's communism, which I regard as corresponding to my own life and future and to that of the whole humanity. Our fellow workers should see that the model that was defeated was based on our exploitation, inequality and slavery. The defeat of bourgeois

Continued on p.14

Issued monthly  
in Persian, with  
a supplementary  
English section.

# WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Sweden	SKr14
Denmark	DKr15
Germany	DM3.5
Britain	£1.5
France	FF14
USA	US\$2
Canada	C\$2.5
Other non-European	\$2.5

Page 16, Vol.3, No.31, December 1992

صفحه ۱۶، سال سوم، شماره ۳۱، آذر ۱۳۷۱

## IN BRIEF

### Britain

After the workers' rejection of London Underground's plans to cut jobs and conditions, ASLEF, the train drivers union, and TSSA, white-collar rail union, are to ballot members on strike action. If the plans go through, over 5,000 jobs may be axed in the next five years.

Dock workers at the Port of Sheerness voted to strike over a new employment contract which will cut pay by up to 10%.

### Sweden

4,500 auto jobs will be lost in Volvo Sweden, after the announcement by the company that it was shutting down its two plants in the cities of Kalmar and Uddevalla. Thus, by 1995 the work force will be cut by around 10%.

### Australia

About half a million workers in Victoria, Australia's second most populous state, staged a 24-strike against legislation introduced by the state's new conservative government to radically change the labour laws.

## Support Worker Today

YOU CAN subscribe to Worker Today and urge your union branches to take up subscriptions.

YOU CAN support us financially and ask your unions to make donations to Worker Today out of their assistance funds.

YOU CAN help distribute Worker Today in your area.

YOU CAN give us technical assistance, e.g. computer hardware and software to speed up and improve our work.

YOU CAN send books and journals to Worker Today Book Club.

YOU CAN send us your articles and reports.

YOU CAN introduce Worker Today to colleagues and comrades.

YOU CAN tell us your views and suggestions about the paper.

## Time for resistance has come!

### German trade unions call to fight hostility to foreigners

#### WT News Service:

With the decision of the German Social Democratic Party to agree to amend the asylum rights in the German Constitution, and following a spate of fascist attacks against refugees, the German Confederation of Trade Unions (DGB) in a communique called on millions of its members to stand up to the attacks against foreigners. Here we reprint the text of this call, published in Metall, paper of the IG Metall union (No.22, 6/11-92). The translation is from the Persian translation of the text:

"We, members of the federal commission of the German Confederation of Trade Unions, call on all union members to stand up to anti-foreign aggression and to work for a society based on democracy and understanding between people.

Acts of violence against people of other nationalities take place almost every day in our country. People are attacked and hunted openly. On top of this, the indifference and unwillingness to oppose the anti-foreign aggression are apparent more and more each day. Here and there can be seen the secret - and at times even open - sympathy with the perpetrators of the aggression. In fact these

sympathisers of the acts of violence are accomplices of the original perpetrators.

There is no justification whatsoever for hostility to foreigners. The perpetrators of violence against immigrants are criminals. And they should be treated so, and prosecuted.

We call on all democratic people to rise against this aggression. If this wave of anti-foreign aggression is not stopped, as history has shown it will seek new victims! Today the victims are our fellow immigrant countrymen; tomorrow it may be the Jews; and the day after that, perhaps the unions! Animosity towards foreigners does not just hurt the immigrants: it hurts all of us. Humiliation of human beings and humanity, and enmity and hatred, will destroy the foundations of our co-existence!

#### Who is to blame?

The concern of the people showing hostility to foreigners should be taken seriously. But we should under no circumstances allow that foreigners become scapegoats for this situation and the problems. They are not by any means to blame. We can, through a policy of social justice, destroy the caus-



es of hatred and aggression, fight against unemployment, alleviate the housing shortages, and [eliminate] the social insecurity and despondency that people are experiencing. It is a fact that once the conditions in war-ravaged regions get harder, the socially weaker groups shoulder the bulk of the burdens, and in their attempts to escape from this situation they may resort to competition and do whatever they can. If the chief cause of seeking refuge and immigration is not eliminated, even if the right to asylum is abolished immigration and asylum-seeking

will continue to exist.

The German Confederation of Trade Unions is for retaining the unconditional and unrestricted right of political asylum (Article 16 of the Constitution). For people fleeing threats to their lives and livelihood, an appropriate immigration legislation should be worked out which legally stipulates the conditions for immigration. We want to live and work in common with the people of other nationalities. Only with each other's help is there a future for us. Now is the time to bravely set to work for our common future."

## General strike in Argentina

#### WT News Service:

Argentinean workers staged a general strike on 9 November, called by the CGT trade union confederation, to protest the government's economic policies and amendments to the labour law.

According to the Financial Times, public transport ran at 70% capacity in the capital Buenos Aires, with the train services

practically paralysed. In Cordoba, Argentina's third largest city, the strike was 90% effective. Most industrial centres either came to a stand still or worked well below capacity.

The strike was in protest against the government's decree to link pay rises to productivity, instead of inflation, and its plans to make it easier for employers to fire workers.

## ISASK in Sweden affiliates to International Committee

#### WT News Service:

Through a communique published in November, the Iranian-Swedish Labour Solidarity Committee (ISASK) announced that it was affiliating to the International Committee of Solidarity with

Iranian Workers (ICSIW). Since the formation of the ICSIW in August 92 (See Communique in WT no.28), the labour solidarity committees in the USA, Canada, Finland, Denmark and Austria have affiliated to the International Committee.

## Communique by IIW in Canada

#### WT News Service:

Through a communique published on 26 November 92, the Internationalist Iranian Workers (IIW) in Canada announced that in future it would continue its activities by joining the ranks of the Worker-communist Party of Iran and the campaign of solidarity with Iranian workers.

One of the activities of IIW, since it was formed a year ago,

had been the reprinting of the English section of Worker Today and its distribution among Canadian workers and labour activists. In future, this work is to be continued by the Iranian-Canadian Labour Solidarity Committee whose activity members of IIW are now joining. The IIW communique was signed by Maryam Neekfar, Hossein Ahmadi, Hamid Faramarzi, Amir Payam, Masoud Arjang

## Wage parity deal not for renegotiation, says IG Metall

#### WT News Service:

IG Metall refused to discuss further the proposal by German engineering employers to renegotiate pay deals in the east or revise agreements on shorter working hours in the west - according to a report by Financial Times (11/11-92).

The existing deals between the union and government call for basic-wage parity for engineering workers in east and west by April

1994, and a 35-hour work week in western Germany in 1995.

Franz Steinkühler, IG Metall president, said that if employers or government truly wanted to stop deindustrialisation in the east they should not argue with the union over pay restrictions. Instead, they must "work with IG Metall to change economic and finance policy," he said. "IG Metall is not prepared to accept cuts in east German agreements."

## Bill to abolish British wages councils

#### WT News Service:

The government in Britain is introducing a bill to abolish the statutory wages councils which set the minimum wage - according to a report in the Financial Times (6/11-92).

The 26 councils, which have been in existence since 1909, cover 2.5m of lowest-paid workers in Britain. The bill further attacks union rights by requiring unions to give employers seven

days' notice of industrial action.

The Institute of Directors and the Confederation of British Industry welcomed the bill, while the Institute of Management criticized its timing - according to the same report.

Mr Garfield Davies, leader of the Usdaw shopworkers union, said: "Two million of the workers protected by the councils system are women and many of them are breadwinners or vital contributors to the family budget."

## Iranian nationalism blames Afghans for unemployment

Interview with Mohammad Ahmad-Karim

p.15

## Out of work, but not out of union

Interview with Danish unemployed typesetters' representatives

p.14